

۱۶۴ - ۱۶۵

شماره ۱۶۵ - ۱۶۴ پیاپی ۵۱۰ / ۱۳۹۸ / قیمت ۲۰۰۰۰ تومان

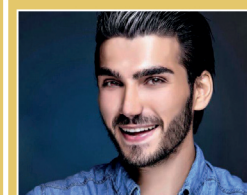
جوانان



مطالعه توصیه مهم
مقام معظم رهبری به جوانان است



قصه جوانی شهید مدافع حرم
بابک نوری هریس



تیم ملی والیبال جوانان کشورمان
به عنوان قهرمانی رقابت‌های جهانی دست یافت

غیرتی به بلندای آسمان





پرورش امید

ریشه‌ای تری جهاک

نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها هیچ‌گامی نمیتوان برداشت. در خود و دیگران نهال امید به آینده راپرورش دهید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.

عمرها

۹۷/۱۱/۲۲
رهبر انقلاب

CHAMENEI.IR





«۲۶ مرداد سالروز ورود آزادگان سرافراز به وطن»





مهمترین رویدادهای ماه در قاب تصویر



عکس : مسعود شهرستانی

تابستان در «آب و آتش» - تهران

تابستان دومین فصل سال، فصل گرما و آغاز تعطیلی و هنگامه فراغت است. در این فصل گرم سال جوانان بسیاری به بوستان آب و آتش در منطقه گردشگری عباس آباد تهران می آیند و از فرصت آب بازی استفاده می کنند.



عکس : مسعود شهرستانی

کنکور سراسری ۹۸ - دانشگاه تهران

کنکور سراسری سال ۹۸ مانند هر سال برگزار شد. جوانان ایرانی ثابت کرده اند که در عرصه علم با پشتکار و تلاش چشمگیر چه در عرصه داخلی و چه خارجی حرف های بسیاری برای گفتن دارند.



عکس : امین آهویی

اجتماع عظیم دختران انقلاب - تهران

اجتماع عظیم دختران انقلاب در حمایت از حجاب فاطمی و بمناسبت هفته ی عفاف و حجاب با حضور چند هزار نفری زنان، دختران و خانواده ی شهدا عصر در ورزشگاه شهید شیرودی تهران برگزار شد.



عکس : <http://farsi.khamenei.ir>

بیعت با آقا

جوان ایرانی، جوان انقلابی، جوانی که همیشه و هر زمان در کنار مولای زمان خود بوده و خواهد بود. این عشق گسستنی نیست.



عکس : عبدالرحمن رافتی

اجتماع بزرگ مردمی عفاف و حجاب - همدان

به مناسبت روز حجاب و عفاف همایش بزرگ مردمی حجاب و عفاف با حضور مسئولان استانی، نمایندگان مجلس و هنرمندان کشوری و با حضور جمع کثیری از بانوان محجبه همدانی برگزار شد.



عکس : مینا نوعی

مسابقات آزاد کشوری کمان سنتی - تبریز

دومین دوره مسابقات کشوری کمان شهر در تبریز خاتمه یافت و نفرات برتر آن مشخص شدند. دختران و پسران ایران زمین در این مسابقات شجاعت جوانان سرزمین پارسی را به عرصه نمایش گذاشتند.

فهرست

۸	کتاب هایی از جنس نور
۱۰	غیرتی به بلندای آسمان
۱۴	زیبا روی زمینی، زیبا سیرت آسمانی
۱۸	پرسه در خاطرات عاشقانه شهید عباس بابایی از زبان همسرش
۲۰	معرفی چند کافه متفاوت برای جوانان
۲۲	طلبه‌های پا به توپ
۲۴	فراغت ها از تابستان تا همیشه
۲۶	دانستنی هایی برای یک سفر به یاد ماندنی در تابستان
۲۸	تهران زیبا: تابستان زیباتر
۳۰	پیشنهاد های گردشگری جذاب برای خنک گردی در روزهای گرم تابستان
۳۲	سفر گران است سفر نرفتن از آن هم گرانتر
۳۴	در سرزمین غریبانه ها
۳۶	دلاور ارتفاعات بازی دراز
۳۸	اکسیر معجزه گر دلها
۴۰	ولایت حیدر
۴۲	رسم آزادی
۴۴	ملاصدرا هفت بار پای پیاده به حج رفت
۴۶	لزوم توجه به شعر آیینی
۴۸	نگاهی به فیلم «وقتی ماه کامل بود»
۵۰	آیا می‌دانید «ماه» تکه‌ای از زمین بوده است؟
۵۲	می‌خواهم زندگی کنم
۵۴	در باره خواص معجزه آسا هندوانه بیشتر بدانید
۵۶	تشخیص دستکاری چهره با ابزار جدید



ماهنامه فرهنگی و اجتماعی
شماره ۱۶۵-۱۶۴ تیر و مرداد ماه ۱۳۹۸

قیمت: ۲۰/۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران
مدیر مسئول: رحیم نریمانی
شورای سردبیری: شاکرواثق، یوسف قدیانی
مدیر اجرایی: ساسان خاشع
دبیر تحریریه: رضا ماه پیکر

همکاران این شماره:
معصومه ماه پیکر، زهره کریمی،
محمدصادق خسروی علیا،
زهرار دشبیری، نیلوفر جلالی،
نیره رضایی مطلق، زینب قمی و ...

مدیر هنری: امیر رضا ماهان
صفحه آرا: میثم علومی
دبیر عکس: مهدی کاویانی
تصویرساز: امیر رضا ماهان
کاریکاتور: علیرضا باقری
طراحی جلد: رضا ماه پیکر

امور فنی: آتلیه نشرشاهد
ناظر فنی چاپ: علیرضا قاسمی
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶
امور مشترکین: محمد رضا اصغری
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۸۳۴۸

ناشر: انتشارات شاهد
تهران - خیابان طالقانی
خیابان ملک الشعرای بهار شمالی - شماره ۵
تلفن: ۸۸۸۳۵۱۰۸

صندوق پستی: تهران ۱۹۴/۱۵۷۱۵

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال منتشر می‌شود.
* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.

* مطالب رسیده باز گردانده نمی‌شود
* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است



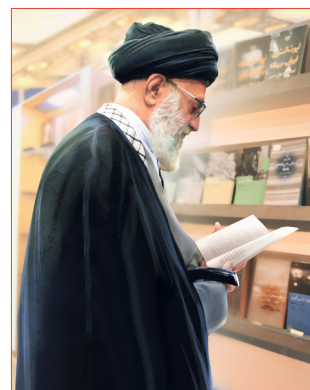
یک گزارش متفاوت از
طلبه‌های پا به توپ

۲۲



قصه جوانی شهید مدافع حرم
بابک نوری هریس

۱۴



مطالعه توصیه مهم مقام معظم
رهبری به جوانان است

۸



آشنایی با برخی از
آداب روز عید غدیر

۴۰



اعمال ویژه ماه‌های پربرکت
ذی القعدة و ذی الحجه

۳۸



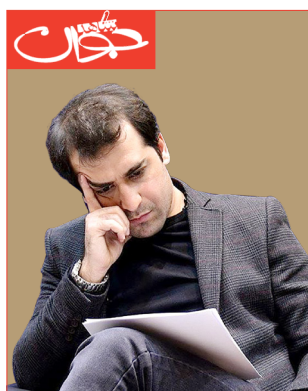
روایت متفاوت برادر شهید وزویی
از زندگی فرماندهی جوان

۳۶



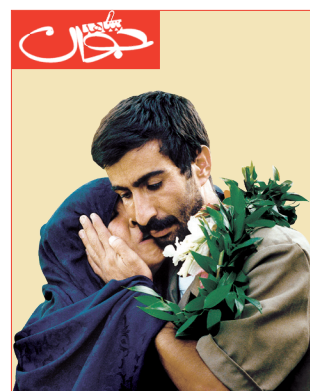
درباره فیلم حماسی
«شب‌هایی که ماه کامل شد»

۴۸



با سید حمید رضا برقی شاعر
جوان و آیینی مطرح کشورمان

۴۶



یک اینفوگرافیک جامع در مورد
اسرای ایران در جنگ تحمیلی

۴۲



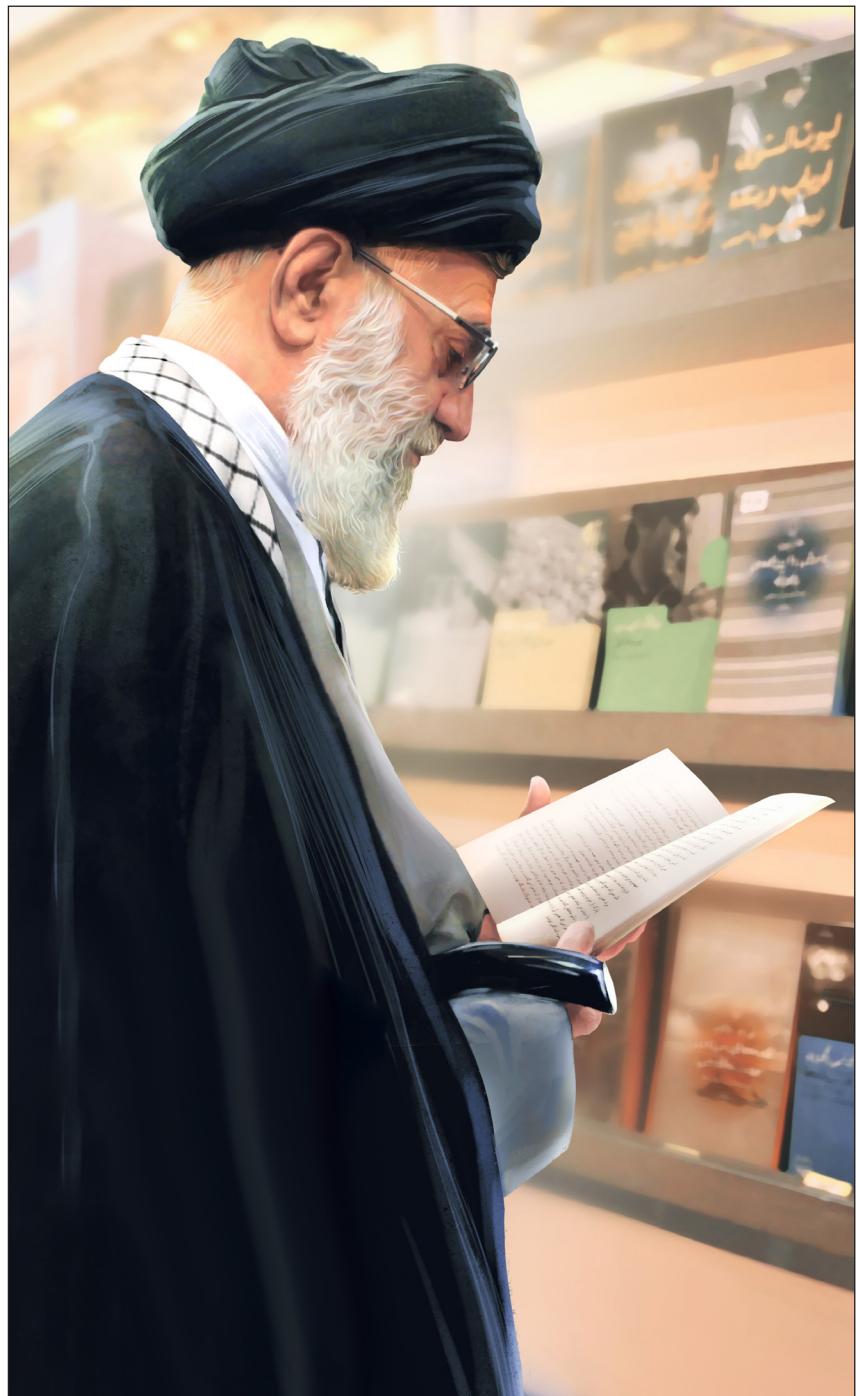
کتاب‌هایی از جنس نور

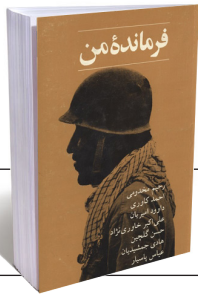


مطالعه
توصیه مهم مقام
معظم رهبری به
جوانان است

گردآوری: عیسی محمدی

کتابخوانی و دعوت به مطالعه از اصلی‌ترین توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به جوانان است؛ به‌طوری که در دیدارهای متعدد جوانان و دانشجویان با ایشان بر این نکته تأکید داشته‌اند که از وقت‌های تلف شده خود در روز برای مطالعه کتاب استفاده کنید. مثلاً در یکی از سخنرانی‌هایشان فرموده‌اند: «می‌خواهم خواهشی از جوانان بکنم و آن این است کسانی که وقت‌های ضایع شونده‌ای دارند، مثلاً اتوبوس یا تاکسی سوار می‌شوند یا سوار وسیله نقلیه خودشان هستند و دیگری ماشین را می‌رانند یا در جاهایی مثل مطب پزشکی در حال انتظار به سر می‌برند و به هر حال اوقاتی را در حال انتظار به بیکاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات کتاب بخوانند. کتاب در کیف یا جیب خود داشته باشند و در اتوبوس که نشستند، کتاب را باز کنند و بخوانند. وقتی هم به مقصد رسیدند، نشانه‌ای لای کتاب بگذارند و باز در فرصت یا فرصت‌های بعدی آن را باز کنند و از همانجا بخوانند» در این مطلب قصد داریم چند کتاب را به شما معرفی کنیم که رهبر انقلاب به آنها تقریباً نوشته و مطالعه آنها را توصیه فرموده‌اند.





فرمانده من

نویسنده: چند رزمنده

موضوع: این کتاب شامل هفت داستان از دلاور مردی‌های هفت فرمانده جنگ است، به زبان هفت رزمنده‌ای که از نزدیک با آنها ارتباط داشته‌اند.

نظر رهبر: مقام معظم رهبری نظری ویژه و خاص در مورد این کتاب داشت و کتاب فرمانده من را بسیار تأثیرگذار خواند: ای گل‌های محمدی که فساد و آلودگی جهان امروز نتوانست از شکوفایی بازدارد! برقی شدید و دنیای تاریک را روشن کردید، حجتی شدید بر آن کوتاه‌نظران که بالندگی انسان الهی را در عصر تسلط مادیات ناممکن می‌دانستند. این کتاب در ۱۳ رجب ۱۴۱۱ با چشمی لبریز اشک شوق و حسرت زیارت شد.



هنگ سوم

نویسنده: مجتبی‌الحسینی

موضوع: کتاب «هنگ سوم» خاطرات یک پزشک اسیر عراقی است. دکتر مجتبی‌الحسینی در قالب یک پزشک اسیر، خاطرات خود را به رشته تحریر درآورده.

نظر رهبر: در روزها و شب‌های اوایل آبان ۷۰ این کتاب مطالعه شد. موضوع برای ما که این سوی خطه نبرد را دیده‌ایم، قهراً جالب است اما نوشته از لحاظ بازسازی صحنه‌ها و ترسیم حالات و خصوصیات ضعیف است. نویسنده البته یک نویسنده حرفه‌ای نبوده است اما همین که فرصت کرده در گرفتاری جنگ یادداشت‌هایی بردارد سپس از حافظه خود کمک بگیرد و دیده‌ها را در دوران اسارت بر روی کاغذ بیاورد، بسی موجب تقدیر است. ترجمه خوب است.

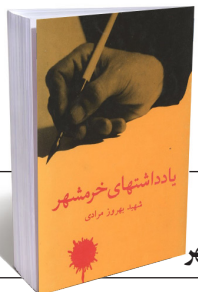


گزارش یک بازجویی

نویسنده: مرتضی بشیری

موضوع: کتاب «گزارش یک بازجویی» حاصل مراحل بازجویی و زندگی اردوگاهی سرهنگ محمدرضا جعفر عباس الجشعی است.

نظر رهبر: اثر جالبی است. ابتکاری و نمونه نیز هست. توصیف‌های آن از طبیعت، حوادث جنگی، وضعیت‌های طبیعی بس زیباست. در آن مبالغاتی در بیان و یک‌سوزگری‌هایی در فضات و گاه برخی تنگ‌نظری‌ها و حتی سایه‌ای از خودستایی هست که می‌شود به جنبه‌های مثبت کتاب بخشیدشان. در شب شنبه چهارم اسفند ۶۹ در لحظاتی از بدخواهی عصبی مطالعه آن که لحظاتی کمابیش مشابه را قبلاً هم فرا گرفته بود به پایان برده شد.



یادداشت‌های خرمشهر

نویسنده: شهید بهروز مرادی

موضوع: روایت خاطرات شهید در روزهای اوج دفاع مقدس.

نظر رهبر: خدا غریق رحمت کند این شهید عزیز را که در سال‌های منتهی به ۶۴ یعنی در بحبوحه شور و هیجان دفاع مقدس و بسیج سراسری ملت در این راه، درمندانۀ نقاط منفی را به نظر آورده و از آن نالیده و دم از غربت رهروان راه جهاد زده است. بعضی امروز گمان می‌کنند که راه خدا غریب است. یعنی حقیقت روشن اصلی را که همان حرکت عمومی در راه خیر و صلاح است در برابر واقعیت زشت کجروی‌های گاهگاهی و جایه‌جایی کمرنگ می‌بینند اما این گمان همیشه بوده حتی در سال ۶۴ و پیش از آن؛ و البته چنین نگرشی در جمهوری اسلامی همیشه نادرست بوده.

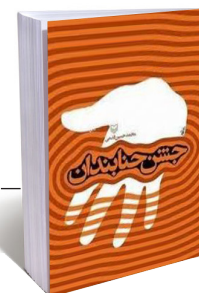


دا

نویسنده: سیده اعظم حسینی

موضوع: «دا» خاطرات سیده زهرا حسینی از روزهای آغازین جنگ در خرمشهر است.

نظر رهبر: کتاب «دا» که حقاً و انصافاً کتاب بسیار خوب و قابل طرح در سطح جهانی است، مربوط به بخش کوچکی از وقایع جنگ تحمیلی است و این نشان می‌دهد که هشت سال دفاع مقدس دارای ظرفیت تولید هزاران کتاب به‌منظور انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و انقلابی به جامعه و جهان است. این کتاب در گستره کشور هنوز شناخته نشده است در حالی که چند صد هزار تا حالا چاپ کردید. اگر «دا» شناخته شود، میلیون‌ها نسخه از این کتاب فروش خواهد رفت و میلیون‌ها نفر از محتوای این کتاب بهره خواهند برد. شما هزار کتاب «دا» می‌توانید تولید کنید.



جشن حنابندان

نویسنده: محمد حسین قدیمی

موضوع: کتاب «جشن حنابندان» شامل دو گزارش از دو عملیات در مناطق جنوب و غرب کشور است.

نظر رهبر: روز و شبی چند در لحظه‌های پیش از خواب، در فضایی عطرآگین و مصفا و در معراج شور و حالی که سطور و کلمات نورانی این کتاب به خواننده خود عطا می‌کند، سیر کردم و خدا را سپاس گفتم؛ هم بر آن قطره عشقی که در جان این نویسنده افکنده و چنین زلال اندیشه و ذوقی را بر قلم او جاری ساخته است و هم بر آن دست قدرتی که نقشی چنان بدیع و یکتا بر صفحه تاریخ معاصر پدید آورده و صحنه‌هایی که افسانه‌وار از ذهن و چشم بشر این روزگار بیگانه است، در واقعیت زندگی این نسل از ملت ایران نقش زده است.



تیم ملی والیبال جوانان کشورمان به عنوان قهرمانی رقابت‌های جهانی دست یافت

غیرتی به بلندای آسمان

تیم ملی والیبال جوانان (زیر ۲۱ سال) کشورمان در فینال رقابت‌های قهرمانی جهان موفق شد از سد ایتالیایی پر مهره بگذرد و قهرمان جهان شود. تیم ملی ایران در این دوره و در دور نخست با تیم‌های چک، تونس و روسیه هم گروه بود. شاگردان عطایی با برد قاطع مقابل چک و تونس و شکست نزدیک ۳-۲ مقابل روسیه به عنوان تیم دوم به مرحله بعدی رفتند. آن‌ها در این مرحله با آرژانتین، ایتالیا و بحرین هم گروه بودند و با ۲ پیروزی قاطع مقابل آرژانتین و بحرین و شکست ۳-۱ مقابل ایتالیا به نیمه نهایی رفتند و حریف برزیل قدرتمند شدند.

“





والیبال قهرمانی زیر ۲۰ سال آسیا

والیبال قهرمانی جوانان آسیا یا والیبال قهرمانی زیر بیست سال آسیا (به انگلیسی: Asian Junior Volleyball Championship) رقابت‌های والیبال تیم‌های ملی جوانان آسیا است که در حال حاضر هر دو سال یک بار توسط کنفدراسیون والیبال آسیا در رده مردان و زنان برگزار می‌شود

تیم ملی ایران که در این دوره بازیکنان جوان، با انگیزه و با تجربه‌ای داشت موفق شد برزیل را ۳-۰ ببرد و برای نخستین بار به فینال برسد و بار دیگر حریف ایتالیا شود. ایتالیا که تا پیش از این تنها ۲ ست مقابل حریفانش باخته بود، با نتیجه ۳-۲ باخت تا تیم خوب ایران قهرمان شود. تیم ملی ایران در این دوره بازیکنان خوبی از جمله اسفندیار و یلی و راد داشت. همچنین از نفرات این تیم پوریا یلی و حضرت پور در کنار بزرگسالان در لیگ ملت‌های والیبال هم حضور داشتند و پس از پایان دور نهایی از شیکاگو به بحرین رفتند تا به تیم جوانان کمک کنند. شاگردان بهروز عطایی شاید هنگامی که به بحرین رفتند و قصد حضور در این مسابقات را داشتند کمتر کسی تصور می‌کرد ایران به مدال طلای جهان دست یابد. آن‌ها مدت‌ها بود تمریناتشان را در تهران پیگیری می‌کردند و برای آماده‌سازی هر چه بهتر به اردو و تورنمنت دوستانه هم رفتند.

پیش از این والیبال ایران تنها یک مرتبه در این رده سنی موفق به کسب مدال جهانی شده بود که آن هم به سال ۲۰۰۷ و تیم مصطفی کارخانه باز می‌گشت. تیم ملی ایران در آن سال به مراکش رفت و با ارائه بازی کم نظیر و زیبا توانست به جمع ۴ تیم پایانی برسد و در پایان به مدال برنز این رقابت‌ها دست یابد. بی شک اتفاقی که در آن سال رقم خورد نقطه عطفی در والیبال ایران بود و چه بسا در سال‌های بعد برخی از نفرات همان تیم، امثال شهرام محمودی به تیم ملی بزرگسالان پیوستند و آغازی شدند بر شروع درخشش والیبال ایران در آسیا و جهان. تیم ملی کشورمان پس از آن هیچ گاه موفق نشد در این رده مدالی بگیرد و شاید کمتر از این تیم صحبت به میان می‌آمد.

سال ۲۰۱۷ بود که تیم ملی جوانان کشورمان برای حضور در رقابت‌های قهرمانی نوجوانان جهان به بحرین رفت و در پایان موفق شد مدال خوش رنگ طلا را به دست بیاورد، البته این نخستین مدال طلا در رده نوجوانان نبود و پیش از آن هم یک بار دیگر چنین مدالی به دست آورده بودیم، اما به گفته کارشناسان نفراتی که در سال ۲۰۱۷ در آن تیم حضور داشتند با برنامه ریزی درستی که از طرف فدراسیون صورت گرفت حفظ شدند و زمینه پیشرفت آن‌ها هم فراهم شد تا سرانجام تیم فعلی در رده جوانان با حضور بازیکنانی از آن تیم موفق شد برای نخستین بار در تاریخ والیبال ایران به فینال برسد و قهرمان شود.

بدون شک حالا انتظارها بیشتر شده است و حفظ و پرورش بیشتر این نفرات باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد، چرا که حالا این قهرمان در یک رده پائین‌تر از تیم بزرگسالان می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌های بیشتری برای والیبال ایران در جهان باشد. به گفته کارشناسان اگر همین روند و حتی با رفع برخی ایرادات در پرورش و رشد بازیکنان صورت بگیرد با توجه به پتانسیل موجود می‌توان در آینده‌ای نه چندان دور سروقامتان ایرانی را روی سکوهای المپیک و قهرمانی جهان در رده بزرگسالان دید.

منبع: باشگاه خبرنگاران جوان



نگاه

پیام مقام معظم رهبری



پیام مقام معظم رهبری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی قهرمانی تیم ملی والیبال جوانان ایران در مسابقات جهانی ۲۰۱۹ را تبریک گفتند. تیم ملی جوانان ایران برای نخستین بار در تاریخ، شب گذشته در منامه بحرین موفق شد ضمن غلبه بر ایتالیا، به مقام اول مسابقات والیبال قهرمانی جوانان جهان دست یابد.

به گزارش تابناک و به نقل از خبرگزاری‌های رسمی، متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسمه تعالی

جوانان عزیز

قهرمانی شما را تبریک می‌گویم. دل ملت را شاد کردید. از شما متشکرم.

سیدعلی خامنه‌ای

۶ مرداد ۱۳۹۸





 **حسن روحانی**
@Rouhani_Ir

قهرمانی مقتدرانه **#جوانان ایران** در مسابقات جهانی والیبال، نویدبخش آینده‌ای درخشان برای **#والیبال ایران** عزیز ماست. این موفقیت غرورآفرین بر ملت ایران، بلندقامتان پرتلاش تیم ملی و مدیران و مربیان تیم مبارک باد.

Translate Tweet



پیام رئیس جمهور برای نخستین قهرمانی تیم ملی جوانان ایران در مسابقات جهانی

قهرمانی مقتدرانه جوانان ایران در مسابقات جهانی والیبال، نوید بخش آینده‌ای درخشان برای والیبال ایران عزیز ماست. این موفقیت غرور آفرین بر ملت ایران، بلندقامتان پرتلاش تیم ملی و مدیران و مربیان تیم مبارک باد

رده بندی مسابقات

رتبه	تیم
۱	ایران
۲	ایتالیا
۳	برزیل
۴	روسیه
۵	آرژانتین
۶	چین
۷	کره جنوبی
۸	بحرین
۹	جمهوری چک
۱۰	کوبا
۱۱	لهستان
۱۲	کانادا
۱۳	مصر
۱۴	تونس
۱۵	مراکش
۱۶	پورتوریکو

باززش ترین بازیکن ایران امیر حسین اسفندیار

بهترین پاسور
ایتالیا Lorenzo Sperotto

بهترین آبنارزن پشت خط
ایتالیا Daniele Lavia
ایران مرتضی شریفی

بهترین مدافع
ایتالیا Lorenzo Cortesia
برزیل Guilherme Voss Santos

بهترین قطر پاسور
روسیه Maksim Sapozhkov

بهترین لیبرو
ایران محمدرضا حضرت پور





مربی تیم ملی والیبال جوانان کیست؟

بهروز عطایی بازیکن سابق تیم ملی والیبال مردان ایران از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵، مربی فعلی والیبال اهل ایران است. او در حال حاضر هدایت کاله را بر عهده دارد. او والیبال را از سال ۱۳۶۴ آغاز کرد و دو سال بعد به مدت هشت سال متوالی در تیم‌های ملی رده‌های مختلف نوجوانان جوانان و بزرگسالان عضویت داشته‌است. در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ با تیم پیکان تهران قهرمان لیگ برتر شد. وی سابقه عضویت در تیم‌های باشگاهی فجر، پرسپولیس، فولاد اهواز، پیکان، فرمانداری مهاباد، بنیاد جانبازان و فجر آمل را در کارنامه خود به عنوان بازیکن دارد. عطایی از سال ۱۳۸۶ پایه دنیای مربیگری گذاشت و در سال ۱۳۸۷ با تیم کاله قهرمان لیگ دسته یک کشور شد و این تیم را به سوپر لیگ آورد. عطایی در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ با این تیم مقام سوم لیگ برتر را کسب کرد. در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در دوران اوج خود کاله را به قهرمانی لیگ برتر رسانید و مدال طلا بر گردن شاگردانش آویخته شد. کاله با بهروز عطایی در جام باشگاه‌های آسیا یک بار مقام سوم و در سال ۲۰۱۳ به مقام قهرمانی دست یافت و در لیگ برتر ۱۳۹۲ آخرین دست‌آورد خود را با عنوان نایب قهرمانی لیگ برتر با کاله به ارمغان آورد و در سال ۱۳۹۳ سرمربی متین

ورامین شد و بعد از حضور در این تیم دوباره به کاله بازگشت. او از سال ۱۳۸۹ به مدت سه سال در تیم ملی دستیار حسین معینی بود. وی در مسابقات نوجوانان جهان در سال ۲۰۱۱ هم سرمربی تیم ملی ایران بود. وی در سال ۲۰۱۹ به عنوان سرمربی تیم ملی جوانان والیبال ایران توانست قهرمانی مسابقات زیر ۲۱ سال قهرمانی جهان در کشور بحرین شود.



نتایج ایران در گروه C دور اول مسابقات

رتبه	تیم	بازی		امتیاز	ست			امتیاز	
		برد	باخت		برد	باخت	نسبت	برد	نسبت
۱	روسیه	۳	۰	۸	۹	۳	۳/۰۰۰	۲۷۸	۲۴۰
۲	ایران	۲	۱	۷	۸	۳	۲/۶۶۷	۲۵۹	۲۳۰
۳	جمهوری چک	۱	۲	۳	۴	۶	۰/۶۶۷	۲۲۵	۲۳۶
۴	تونس	۰	۳	۰	۰	۹	۰/۰۰۰	۱۶۹	۲۲۵

نتایج ایران در گروه F دور اول مسابقات

رتبه	تیم	بازی		امتیاز	ست			امتیاز	
		برد	باخت		برد	باخت	نسبت	برد	نسبت
۱	ایتالیا	۳	۰	۹	۹	۱	۹/۰۰۰	۲۵۱	۱۹۰
۲	ایران	۲	۱	۶	۷	۴	۱/۷۵۰	۲۷۹	۲۴۷
۳	آرژانتین	۱	۲	۳	۴	۷	۰/۵۷۱	۲۴۳	۲۶۱
۴	تونس	۰	۳	۰	۰	۹	۰/۱۱۱	۱۶۹	۲۴۴

نتایج ایران در مرحله نهایی

نتایج دیدار نهایی

۳	ایران
۲	ایتالیا

نتایج دیدار نیمه نهایی

۳	ایران
صفر	برزیل



قصه جوانی شهید مدافع حرم
بابک نوری هریس

زیباروی زمینی زیباسیرت آسمانی

منبع : شاهد یاران



نحوه شهادت شهید

هم‌رزم شهید میگوید: موقع ناهار، یک خمپاره‌های ما بین ما و بابک اصابت کرد، فکر می‌کنم صد و پنجاه متر با ما فاصله داشت، یک سی ثانیه بعد خمپاره دوم اصابت کرد، وقتی خمپاره دوم پایین آمد شهیدان نوری، عارف و نظری روبروی هم بودند و خمپاره وسط سرفه آنها می‌خورد و هر ۳ نفر را شهید می‌کند.



هم بسیجی بود، هم هیئتی، هم مسجدی، هم دانشجو، هم ورزشکار، مسجیدی، هم دانشجو، هم ورزشکار.

هم اهل تفریح و هم جوان، خوشسدل و خوشحال، جوانی که جوانی‌اش را فدای آرمان‌هایی کرد که بیش از آن هزاران جوان دیگر جانشان را فدای آن کرده بودند. بابک چنین می‌گوید: خدا با همیشه خواستم به چیزهایی که از آنها آگاه هستم عمل کنم ولی در این دنیای فانی به قدری غرق گناه و آلودگی بودم که نمی‌دانم لیاقت قرب به خداوند را دارم یا نه؟ خدایا گناه‌های من را ببخش، اشتباهاتم را در رحمت و مغفرت خودت ببخش و تا وقتی که مران بخشیدی از این دنیا مبرا تا وقتی که راهم راه حق هست مرا بمیران. خدایا کمکم کن تا در راه تو قدم بردارم و در راه تو جان بدهم.



توجه به ظاهر، عامل غفلت از باطن نشد

شهید مدافع حرم بابک نوری هریس، قصه جوانی که سوریه را به آلمان ترجیح داد.

شهید مدافع حرم بابک نوری هریس داوطلبانه برای دفاع از حرم بانوی مقاومت حضرت زینب کبری (س) به صفوف رزمندگان مدافع حرم ملحق شد. تا اینکه در آخرین روز از عملیات آزاد سازی منطقه «البوکمال» بال در بال ملائک گشود و به مقام شامخ شهادت نائل آمد.

در روزهای آخر آبان ۹۶ خبر شهادت یک جوان خوش چهره گیلانی در رسانه‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و نگاه خیلی‌ها را به سمت خودش کشید، کسی از شخصیت و زندگی‌اش اطلاعی نداشت ولی همین عکس‌های کمی متفاوت او را خیلی زود در بین مردم مشهور کرد. ما هم مثل همه مشتاق آشنایی بیشتر با این شهید عزیز بودیم. البته بابک نوری هریس تفاوت چندانی با سایر شهدای جوان جبهه دفاع از حرم نداشت؛ همه آنها مثل جوان‌های ایران زمین هم خوش پوش و خوش چهره بودند و هم شاداب و پر انرژی... بابک در بوکمال به شهادت رسید؛ در خط پایان گروهک تکفیری داعش... در همان دقایق نخست آشنایی فهمیدیم که مرد روایت‌ما، با اینکه سن و سال زیادی نداشت، دفاع از اعتقادات و باورهایش را به خیلی چیزها ترجیح داده است... به زندگی در اروپا به خوشی‌های دنیا؛ به دغدغه‌های شخصی و هزار چیز دیگر...

هم بسیجی بود، هم هیئتی، هم مسجدی، هم دانشجو، هم ورزشکار، هم اهل تفریح و هم جوان و خوشدل و خوشحال... ما به قدر ماندن در تاریخ، شهیدان را معرفی می‌کنیم... پرسه زدن در کوچه و پس کوچه‌های دل پسر کوچک خانواده نوری حال و هوای قشنگی به ما داد... به قول معروف به ظاهرش می‌رسید ولی از باطن‌اش غافل نبود؛ دوست و رفیق هم زیاد داشت، از همه اقشار جامعه. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و عام‌المنفعه مثل هلال احمر و نظایر آن یکی دیگر از درخشان‌ترین زندگی‌های شهید بابک نوری است، جالب اینجاست که در زمان حیاتش، خانواده اطلاعی از این حرف‌ها و گفتنی‌ها نداشتند. هم‌کلامی با خانواده و دوستان و هم‌رزمان شهید، علامت‌های سوال ذهن ما را یکی یکی پاک می‌کرد. او در پاییز سال ۷۱ به جمع زمینی‌ها آمد و پاییز ۹۶ جمعشان را ترک نمود. ما برای بازخوانی همین ۲۵ سال به رشت رفته بودیم. بابک بیست و دومین شهید مدافع حرم گیلان است. اما بارها گفته شده که کسی برای کشته شدن به میدان جنگ با تروریست‌ها نمی‌رود ولی همه می‌دانیم که جنگ و گلوله داغ، شوخی ندارد. رزمندگان با علم به این موضوع یا به میدان می‌گذارند. بابک هم با علم به این موضوع، از تمام دلخوشی‌های‌اش گذشت و به میدان رفت.

گذراندن دوران سربازی نقطه عطفی در زندگی بابک بود، آشنایی با فوت و فن نظامی گری و قرار گرفتن در شرایط خاص آن سبب شد تا توانمندی نظامی‌هم به داشته‌هایش اضافه شود. بعد از پایان خدمت، مثل همه رزمندگان، با اصرار و پیدا کردن رابطه و بست نشستن در سپاه مجوز رفتن را گرفت. پشتکار و همت بابک، کلید موفقیت‌اش در زندگی بود. کلیدی که قفل رفتنش را هم باز کرد، بلیط سوریه به جای اروپا؛ چه جابه جایی حیرت‌انگیزی...

در منطقه هم به خوبی از پس وظایفش برآمد، فرماندهانش هم از او کاملاً راضی بودند، و خدا خواست که در آخرین گام بیرون کردن داعش، او هم به جمع شهدای اسلام اضافه شود.

حبیب آنجا که دستی برفشاند
مُحِبَّارِ سر نیفشاند بخیل است...

جای خالی بابک بعد از شهادتش در همه جای شهر دیده می‌شد. در دوره‌های دوستانه، بسیج، هیئت، مسجد، خانه و دانشگاه... اجازه بدهید در این صفحه از معراج و وداع و اشک‌های غریبانه حرفی نزنیم.

او می‌رود دامن‌کشان من زهر تنهایی چشان
دیگر میرس از من نشان کز دل نشانم می‌رود
یادگارهای بابک به اندازه کافی دل‌پدر و مادر و خانواده‌اش را به آتش می‌کشاند. او انتخاب کرد؛ عاشقانه و آگاهانه رفت. یک نشانه کوچک برای زیر و رو شدن دل‌مادری که پسرش



فعالیت در انجمن‌های خیریه

پدر شهید بابک نوری می‌گوید: واقعیتش را بگویم، ما اصلاً بابک را نشناختیم، در حال حاضر که بابک شهید شده می‌بینم که پسرم چقدر در انجمن‌های خیریه فعال بوده، می‌بینم همه جا او را می‌شناختند اما انگار فقط ما هنوز او را نشناخته بودیم. نه اینکه بابک پسرمان باشد و این را بگویم، نه. ولی بابک یکی از فعال‌ترین جوان‌های شهرمان بود. سرشار از زندگی و همیشه در برنامه‌های مختلف پیش قدم بود. اصلاً هم تک‌بعدی نبود و به واسطه سن و سالش جوانی می‌کرد و از همه قشری هم دوست و رفیق داشت.



ادامه راه پدر

من هر روزی که در جبهه بودم خاطراتش را نوشتم، هر روز، با چه کسی بودیم؟ چه صحبت‌هایی کردیم؟ کجا نشستیم؟ امروز چند تا شهید دادیم؟ چه کسانی شهید شدند؟ این شهیدان از کجا آمده بودند؟ بابک به واسطه سؤالات زیادی که از من می‌کرد دفتر خاطراتم را دادم به او و گفتم بابک جان این دفاتر خاطرات من را ببر و بخوان. من دو تا آلبوم پر از عکس دارم از رزمندگان که اکثریت آنها شهید شدند، مثلاً من یک عکسی دارم، چهار نفریم هر سه تایی آنها شهید شدند، فقط از آن چهار نفر من مانده‌ام که توفیق نداشتم به سوی خدا پرواز کنم. بابک در چنین فضایی و در همچون خانواده‌ای رشد کرده است. خواهر شهید هم از برادرش برایمان گفت: بابک برادر عزیزم همان‌طور که در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود، عاشق خانواده و زندگی بود، به روز بودن را خیلی دوست داشت، عاشق تیپ زدن بود؛ روی لباسی که به تن می‌کرد حساس بود. حتی عکس‌هایی که از سوریه آمده، همه دوستانش خاکی و نامرتب هستند، اما بابک همچنان تمیزه، موهایش طوری است که انگار تازه دوش گرفته بود مادر شهید هم می‌گوید: هر وقت در خانه ورزش می‌کرد، آهنگ زینب زینب (س) می‌گذاشت! مهدی نوری هریس، فرزند بزرگ خانواده، برادر بزرگ بابک، برایمان از خانواده خود این‌طور می‌گوید: بابک فرزند چهار خانواده بود. بعد از من خواهرم بود، بعد از خواهرم برادر دیگرم به نام امید بود، بعد از امید هم بابک بود.



یکی از دانشجویهای فعال دانشگاه تهران

مادر شهید از فرزندش می گوید: خیلی باهوش بود، همیشه دانش آموز ممتازی بود و فوق لیسانس را هم در رشته حقوق دانشگاه تهران قبول شده بود. بابک یکی از دانشجویهای فعال دانشگاه تهران هم بود. اما همه این ها را رها کرد و عاشقانه قدم در این راه گذاشت. دانش جوری بود که می خواست در همه ابعاد رشد داشته باشد و تک بعدی نباشد. برادر شهید می گوید: کم کم گرایش پیدا کرد و رفت سمت بسیج محله، غروب که می شد نمازش را می رفت آنجا می خواند، با بچه ها فعالیت می کرد، این فعالیت ها کم کم بالا گرفت و بالاخره رشد پیدا کرد و بابک بزرگ تر می شد. سن سربازی که فرارسید، بالاخره آن دوره های بسیج فعال و این ها را همه را گذرانده بود، مدارک همه آنها را هم داشت، و وقتی که برای سربازی به سپاه رفت، آنجا نگاه و استعدادش بیشتر شکوفا و علاقه اش بیشتر شد، آن موقع من نمی دانستم در آن فضا چه چیزهایی را تجربه کرد، ولی الان می فهمم چه چیزهایی دید؛ با امثال شهید جعفرنیا و سیرت نیا و همنشین شد. هر کس با چنین بزرگانی همنشین باشد به نظر من، نگاهش قوی تر و استعدادش بیشتر می شود.

عاشق شرایط سخت بود.

برادرم خودش هم عشق به رقتن داشت، در آنجا هم که داوطلبانه رفته بود، درخواست داد که اگر می شود او را مأموریت در شرایط سخت ببرند. خودم هم خدمت کردم، فکر نمی کنم هیچ سربازی راضی شود که برود به یک جای محروم خدمت کند. اما او به خاطر اعتقادات خود به آنجا رفت. بابک قبل از اینکه به سوریه اعزام شود هم در دوره ای که سرباز حفاظت اطلاعات بود، دو بار داوطلبانه به کردستان عراق اعزام شده بود اما ما خبر نداشتیم و بعد از شهادتش متوجه آن موضوع شدیم.

اعتکاف را به همه چیز ترجیح داد

عموی شهید از برادرزاده اش برایمان می گوید: در اوج انتخابات شورای شهر بودیم، روز دوشنبه قرار بود که برود اعتکاف، از روز جمعه اصرار داشت که دوشنبه باید برود، هر چقدر به روز موعود نزدیک تر می شدیم، مخالفت ما بیشتر می شد، چون بخش مهمی از کار ستادی ما به عهده بابک بود، و از برادرزاده ام می خواستم که نرود که وی مقاومت می کرد. شب یکشنبه بود، با حالت عصبانیت و پر خاشگری

به بابک گوشزد کردم که با وجود این همه کار نباید برود. شهید مچ دستم را گرفت، برد داخل اتاق، گفت عمو جان شما یک تضمین به من بدهید، که من سال آینده این موقع هستم، گفتم من نمی توانم تضمین بدهم که خودم هم یک سال دیگر باشم، گفت: همین دیگر، خداوند فرصتی گذاشته ما برویم اعتکاف تا از گناهان ما بگذرد و اینجا بود که دیگر من سکوت کردم.

پدر شهید صحبت های برادرش را این طور کامل می کند و ادامه می دهد: امسال پسر بزرگ من در رشت کاندیدای شورای شهر شده بود و تمام مسائل مالی و تدارکات را هم به بابک سپرده بود، یک دفعه در بحبوحه انتخابات و درست اواسط تبلیغات من دیدم که بابک نیست، پرس و جو کردم فهمیدم که رفته اعتکاف سه روز در مراسم اعتکاف بود و بعد پیش ما برگشت، بنده گفتم بابک جان چرا در این موقعیت اعتکاف رفتی؟ می ماندید و سال دیگر می رفتید، حالا که کارهای مهمی داشتیم پسر! گفت نه اصل برای من همین اعتکاف است، انتخابات و غیره فرعیات محسوب می شود، بعد هم شاید من سال دیگر نباشم که به مراسم اعتکاف برسم... حتی همان روزها من و مادرش حرف از دواجش را مطرح کردیم، یک دختر از خانواده نجیب و خوبی انتخاب کرده بودیم که می دانستیم بابک را هم دوست دارد اما بابک موافقت نکرد. به بنده گفت که بابا شما به تصمیمات من اعتماد داری یا خیر؟ پس بگذار من براساس برنامه خودم پیش بروم، فعلاً برنامه و مسیر من چیز دیگری است. در حال حاضر که فکر می کنم می بینم بابک خودش هم می دانست که چه مسیری را می خواهد برود و به ما هم این پیام را می داد اما ما متوجه نمی شدیم.

سوریه را به آلمان ترجیح داد

پدر شهید از مجاری اعزام فرزندش به سوریه برایمان می گوید: به طور مستقیم این موضوع را با من مطرح نکرد اما می دانستیم که شش ماه است در سپاه بست نشسته و هر روز می رود و می آید و اصرار می کند که اعزامش کنند. تا اینکه بالاخره با اعزامش موافقت شد و فکر می کنم واقعا این موافقت هم کار خدا بود. بابک یک روز قبل از اعزام خود،

در مسجد باب الجوائج بلوار شهید انصاری رشت که مسجد آذری های مقیم رشت است و همه بابک را در آنجا می شناسند، از همه نمازگزاران مسجد بعد از نماز خدا حافظی کرده بود، به همه گفته بود که من یک مدتی نیستم می خواهم بروم خارج از کشور، آن موقع همه فکر می کردند می خواهد آلمان برود.

از پدر می پرسیم چرا آلمان؟! پدر شهید می گوید: چون من و برادران بابک خیلی اصرار داشتیم که به آلمان برود و ادامه تحصیل بدهد، حتی موقعیتش را هم برایش فراهم کرده بودیم اما خودش قبول نمی کرد. برود. آن روز مردم فکر کرده بودند که بالاخره اصرار های ما جواب داده و بابک راضی شده به آلمان برود. اما به جای آلمان از سوریه سردر آورد. بابک با این سفر همه را شوکه کرد.

می روم سوریه که بی مادر نمانم!

مادر شهید ادامه می دهد: به من گفت که با اعزامم موافقت شده، من هم از روی احساسات مادرانه ای که داشتم خیلی گریه کردم، شاید منصرف شود. اما بابک تصمیم خود را گرفته بود، گفت: «من حضرت زینب (س) را در خواب دیده ام و دیگر نمی توانم اینجا بمانم باید به سوریه بروم. این قضیه رفتنم هم مال امروز و دیروز نیست مادر، من چند ماه است که تصمیمم را گرفته ام».

حتی شنیدم که به او گفته اند که چطور می خواهی مادرت را تنها بگذاری و بروی، پسر! بابک هم گفته مادر همه ما آنجا در سوریه است، من بروم سوریه که بی مادر نمی مانم، پیش مادر اصلی مان حضرت زینب (س) می روم! پدر شهید از اینکه وقتی سوریه بود با هم صحبت می کردید یا خیر پرسیدم که پدر پاسخ داد: ابتدا فقط به مادر و خواهر های خود زنگ می زد، با من صحبت نمی کرد. اما یک روز دیدم تلفن همراهم زنگ خورد و شماره ای هم که افتاد ناشناس بود، فکر کردم بابک است، وقتی تلفن را جواب دادیم دیدم آن طرف خط یکی از دوستان و همزمان خودم در زمان جنگ است. سلام و علیک کردیم و من پرسیدم حاج حسن کجایی؟ گفت سوریه ام، بیشتر بچه های گردان میثم هم الان اینجا هستند. بعد هم گفت پسر! ما اینجا هستیم چرا به من نگفته بودی پسر! مدافع حرم است؟! بعد

فرازی از وصیتنامه شهید

همیشه از خدا خواستم به چیزهایی که از آنها آگاه هستم عمل کنم ولی در این دنیای فانی به قدری غرق گناه و آلودگی بودم که نمی دانم لیاقت قرب به خداوند را دارم یا نه؟

خدایا گناه های من را ببخش، اشتباهاتم را در رحمت و مغفرت خودت ببخش و تا وقتی که مرا نبخشیدی از این دنیا مبر. تا وقتی که راهم راه حق هست مرا بمیران. خدایا کمکم کن تا در راه تو قدم بردارم و در راه تو جان بدهم.

مادرم جانم به قربان پاهایت که به خاطر دویدن برای به کمال رسیدن فرزندان آسیب دیده می شود، در نبود من اشک هایت را سرازیر مکن. من با خدای خود عهدی بسته ام که تا مرا نیامرزد مرا از این دنیا مبرد. مادرم برای من دعا کن، ولی اشک هایت را روان مکن که به خدای من قسم راضی به اشک هایت نیستم. خواهران خوبتر از جانم من نمی دانم وقتی حسین (ع) در صحرای کربلا بود چه عذایی می کشید، ولی می دانم حس او به زینب (س) چه بوده. عزیزان من حالا دستهایی بلند شده و زینب هایی غریب و تنها مانده اند و حسینی در میدان نیست. امیدوارم کسانی باشیم که راه او را ادامه دهیم و از زینب های زمانه و حرم او دفاع کنیم. برادرانم در نبود من مسئولیت شما سنگینتر شده، حالا شما عشق و محبت مرا به دیگران باید بدهید؛ زیرا من عاشق خانواده ام، اطرافیانم، شهرم، وطنم و... بوده ام و شما خود من هستید در جسمی دیگر. پدرم تو هم روزی در جبهه حق علیه باطل از زینب های مملکت دفاع کردی، شما دعا کن که با دوستان شهیدت محشور شوم.



هم گوشی را داد به بابک و با هم صحبت کردیم. از آن به بعد در این مدت کوتاهی که سوریه بود بابک دیگر به من زنگ می زد. حتی آخرین مکالمه هم بین من و او بود.



آخرین مکالمه و التماس دعا از پدر

در این آخرین مکالمه وقتی بابک تماس گرفت من از تهران داشتم برمی گشتم رشت که به مشهد بروم. بابک تا شنید من می خواهم مشهد بروم گفت آقا جان قول بده من را دعا کنی.

من گفتم: پسر، عزیزم، قربان صدایت بشوم تو باید من را دعا کنی، گفت نه آقا جان قول بده، هر دو از هم التماس دعا داشتیم و این آخرین حرف های بین من و بابک بود.

نکته جالب اینجاست که بابک همان روز از من خواست که از دوستان شهیدم بخواهم شفاعتش را بکنند و این اتفاق یک جور عجیبی افتاد و بعد از شهادتش من اصلاً خبر نداشتم که مزارش را کجا در نظر گرفته اند اما وقتی که برای تشییع او رفتم دیدم که خانه جدید بابک درست کنار پچه های عملیات کربلای دو و کربلای پنج است که همگی دوستان و همزمان من بودند و در جبهه شهید شدند. دیدم بابک با دوستان من همجوار شده است.

همان موقع به پسرم گفتم بابک جان، بابک زیبای من دیدی خدا خودش تو را به خواسته ات رساند، خودش آرزویت را برآورده کرد؛ تو باعث افتخار من شدی پسر.



حالات طلبی از پدر و مادر

پدر شهید می گوید: به عنوان یک پدر وقتی یاد خاطرات فرزند شهیدم می افتم جای خالی او را حس می کنم و دلگیر می شوم. اما یکی از همزمان بابک برایمان نقل کرده که پس از مجروحیت گفته بود: به مادرم بگویید، یک بار من به حرف مادرم گوش نکردم، من را حلال کند، و آن هم این بود که از من خواسته بود ازدواج کنم و من قبول نکردم؛ به مادرم بگویید من را حلال کن.

تا قبل از این وقتی شهادت یک فرد را به خانواده اش تبریک و تسلیت می گفتند، نمی دانستم چه معنای دارد. اما امروز که عزیزترین، فرزانه ترین، شریف ترین و پاک ترین جوانم رو تقدیم خدا کرده ام، امروز می گویم، اگر آن تبریک نباشد داغ جوان کشنده است، حتی اگر شهید باشد، داغ جوان کشنده است، ولی آن تبریک وزن تسلیت را سبک می کند، تمامی ارزش ها، ارزش های اخلاقی، ارزش های ایمانی و اعتقادی، میهنی و ملی همه در این تبریک جمع شده و همین باعث می شود که تسلی خاطر بسیار بزرگی، برای ما فراهم کند.



یادبود



پرسه در خاطرات عاشقانه شهید عباس بابایی از زبان همسرش

خدا حافظی آخر

قرار بود هر دو با هم به مکه برویم ولی آن زمان (سال ۶۶) خلیج فارس شلوغ شد. عباس من را همراه یکی از دوستانش به حج فرستاد و گفت حج من اینجا است. باید از آسمان اینجا حفاظت کنم تا مردم امنیت داشته باشند. حسی به من می گفت وقتی از مکه برگردم دیگر او را نمی بینم. شب آخر، آدم های زیادی برای خدا حافظی و بدرقه در خانه ما جمع شده بودند. عباس صدایم کرد تا به خانه سابق مان برویم. آنجا به خانه جدیدمان نزدیک بود. رفتیم آنجا تا حرف های آخر را بزنیم. اشک تمام پهنای صورتش را گرفته بود. نمی خواستم لحظه جدا شدنمان تلخ شود. گفت مواظب سلامتی ات باش. اگر هم برگشتم... این حرف ها را قبلا هم شنیده بودم. طاقت نیاوردم. گفتم عباس! چطوری می توانم دوریت را تحمل کنم؟ او که هنوز اشک روی گونه هایش بود، گفت تو عشق دوم من بعد از خدایی. نمی خواهم آنقدر بخواهم تا برایم مثل بت شوی. ساکت شدم. چه می توانستم بگویم. گفت ملیحه جان! کسی که عشق خدایی خودش را پیدا کرده باشد باید از همه اینها دل بکند.

شهادت عباس

شهید بابایی پس از ۶۰ مأموریت جنگی موفق در صبح روز پانزدهم مرداد سال شصت و شش شمسی مصادف با روز عید قربان همراه با یکی از خلبانان نیروی هوایی (سرهنگ علی محمد نادری) به منظور شناسایی منطقه و تعیین راه کار صحیح اجرای عملیات، با یک فروند هواپیمای اف-۵ دو کابینه از پایگاه هوایی تبریز به پرواز درآمدند و وارد آسمان عراق شدند. بابایی و نادری پس از انجام دادن مأموریت، به هنگام بازگشت شهید شدند.

عشق اول من خداست

«بعضی وقت ها صدای در زدنش را می شنوم و گاهی اوقات صدای سرفه هایش را. موقع ازدواج دخترم یکی از دوستانمان آمد و گفت عباس به خواش آمده و گفته برای دخترش خواستگار می آید. اسم داماد را هم گفته بود. همین طور هم شد». اینها حرف های صدیقه حکمت است که ۱۱ سال با شهید عباس بابایی زندگی کرده. آنچه در این دو صفحه می خوانید بخشی از خاطرات عاشقانه شهید عباس بابایی و همسرش صدیقه (ملیحه) حکمت است.

جوان خوش تیپ و خارج رفته

زمستان سال ۱۳۵۰ شمسی دوره آموزش خلبانی اش در پایگاه هوایی ریتس شهر لاواک آمریکا تمام شد و به ایران برگشت. آن روزها ۱۶ ساله بودم. یک شب آمد و با پدر و مادرم تا نصفه شب حرف زد. حدس می زدم درباره چه چیزی صحبت می کنند ولی نمی خواستم به روی خودم بیارم. مادرم مخالف بود. به او گفته بود اصلا با ازدواج فامیلی و با زود ازدواج کردن من مخالف است. گفته بود تو نظامی هستی و هر روز در یک شهری. پدرم هم مخالف بود ولی وقتی دیدند به هیچ صراطی مستقیم نیست، به او گفتند با پدر و مادرش بیاید. او هم رفته بود. البته قبل از رفتن گفته بود با ملیحه صحبت کنید ببینید اصلا مرا می خواهد یا نه؟ فردای شب خواستگاری مادر جریان را به من گفت. یکبارہ او از متنفر شدم. همه مهری که به عنوان پسر عمه نسبت به او داشتم از دلم پاک شد. دلیلش را نمی دانستم. از او بدم آمد. نمی دانستم در آن اتاق در بسته چه چیزهایی به پدر و مادرم گفته بود که مادرم با همه مخالفت هایش سعی می کرد مرا متقاعد کند که ازدواج کنم. ناراحت شدم. گفتم شما که همیشه با زود ازدواج کردن من مخالف بودید، حالا چطور به من پیشنهاد ازدواج می دهید؟! گریه کردم و گفتم نه. مادرم با من دوست بود. همیشه وقتی می خواست متقاعدم کند، برایم دلیل می آورد که چنین است و چنان؛ و من قبول می کردم. این بار هم موفق شد. آخر سر گفتم هر چه نظر شما و پدر است. دیگر بله را گفته بودم. ناراحتی ام زیاد طول نکشید؛ گمانم تا غروب همان روز. آن موقع فهمیدم حتی به او علاقه هم پیدا کرده ام. عباس آن روزها اول جوانی اش بود؛ جوانی خوش تیپ و خارج رفته. می گفت حتی زمانی که در آمریکا بوده تنها به ازدواج با من فکر می کرد. حتی یکبار یک دختر آمریکایی از او خوشش آمده بود و سعی کرده بود با او رابطه برقرار کند اما عباس به او گفته بود من زن دارم.

ماه غسل سه روزه

از خواستگاری تا عروسی ما خیلی طول نکشید. برای ماه غسل سه روز به مشهد رفتیم. عباس نظامی بود و باید به دزفول می رفت. برای همین باید زودتر برمی گشتیم. زمانی که مشهد بودیم، خانواده وسایل و جهیزیه ام را چیده بودند. بعد از سه روز به دزفول بازگشتیم و زندگی ساده ای را شروع کردیم. عباس اعتقادش این بود که آدم برای اینکه احساس خوشبختی کند نیاز به تجمعات ندارد و مدام در مورد ساده زیستی با من صحبت می کرد، همین خصوصیت او باعث شد بیشتر از قبل به او علاقه مند شوم.



چند خط درباره زندگی شهید بابایی

وی در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در شهر قزوین و در ۱۴ آذر ۱۳۲۹ متولد شد. دوره ابتدایی را در دبستان «دهخدا» و دوره متوسطه را در دبیرستان «نظام وفا» گذراند. پس از گرفتن دیپلم، در سال ۱۳۴۸ در رشته پزشکی پذیرفته شد، اما به دلیل علاقه به خلبانی، داوطلب تحصیل در رشته خلبانی نیروی هوایی شد و پس از گذراندن دوره مقدماتی برای تکمیل تحصیلاتش در سال ۱۳۴۹ به آمریکا اعزام گشت.



نگاه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سرپرستی انجمن اسلامی پایگاه هوایی هشتم شکاری اصفهان را بر عهده گرفت. با شروع جنگ ایران و عراق، عباس بابایی به انجام عملیات جنگی هوایی مشغول شد. در سال ۱۳۶۰ ضمن ارتقاء به درجه سرهنگ دومی به عنوان فرمانده «پایگاه هوایی هشتم شکاری اصفهان» منصوب شد. او در ۹ آذر ۱۳۶۲ به درجه سرهنگ تمامی ارتقاء یافت و به سمت معاونت عملیات فرماندهی نیروی هوایی منصوب شد و به تهران عزیمت کرد. وی پس از چهار سال رزم در مقام معاونت عملیات نیروی هوایی، در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۶ به درجه «سرتیپی» ارتقاء یافت.

طرح: علیرضا باقری





کافه انقلاب

امین عابدین پور

کافه‌های تمدن‌ساز

کنار حوض آب، دست‌چپ شمعدانی‌های سرخ سه پسر جوان یک میزگرد جالبی را برپا کرده‌اند. از قیافه‌هایشان معلوم است که صحبت‌هایشان جدی است. آرام از یکی از آنها اجازه می‌گیریم تا در بحث‌شان شریک شویم. لبخند یکی از آنها (قاسم) آرامان می‌کند که مزاحم نیستیم. می‌گوییم بحث را ببر به سمت کافه‌نشینی و فرق نخلستان با دیگر کافه‌ها. قاسم می‌گوید: «تفاقی صحبت ما بی‌ارتباط با گزارش شما نیست. ما بر سر تمدن نوین اسلامی صحبت می‌کنیم؛ اینکه فیلم و موسیقی چه نقش تمدن‌سازی می‌توانند داشته باشند. این یعنی لوازم مدرن در خدمت تمدن اسلامی است. کافه هم از جنس همین لوازم مدرن است.» نفر دوم (مجید) دنبال حرف قاسم را می‌گیرد و می‌گوید: «البته این کافه‌نشینی با کافه‌نشینی مرسوم که در دنیا باب است فرق می‌کند. مثل تمدنی که رهبر از آن صحبت می‌کنند با معیارهای جهانی فرق دارد. یکی از جاهایی که مردم خصوصا جوان‌ها دور هم جمع می‌شوند کافه است. البته من بیشتر کافه نخلستان و کراسه را می‌پسندم. حتی می‌تواند به این شکل هم نباشد و تغییراتی در آنها ایجاد کنند تا به هدف ما نزدیک‌تر باشند».

شعور مذهبی و تنگناها

دیوار کاهگلی روبه‌رویمان حس نوستالژی کوچ‌های قدیمی را تداعی می‌کند؛ کوچ‌هایی که مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌های ما آنجا مهربانی می‌کردند. قاسم اسماعیل‌زاده از تمدن اسلامی و توجه به ابزارهای مدرن صحبت می‌کند. مسئول نخلستان جلوی هر کدام ما یک شربت بهارنارنج گذاشته، آن هم با قیمت بسیار کم. نجفی مسئول کافه می‌گوید: «قیمت‌های ما قریب ندارد. ما



برخی اوقات آدم دوست دارد میان دو کلاس دانشگاه یا بعد از کار و گرفتاری در جایی با دوستانش به صحبت بنشینند. یا با همسرش خارج از خانه دنبال جایی دنجی بگردد که بتواند کمی بنشیند و حرف بزند. این حرف‌ها می‌توانند از جامعه و مشکلات باشند یا از آینده زندگی و... در همه جای دنیا چنین جاهایی هست که به نام «کافه» شناخته می‌شوند. در کشور ما هم حتما نمونه‌های فراوان این نوع کافه‌ها را دیده‌اید اما این کافه در اصل برای علایق خاصی طراحی شده‌اند که بچه‌مذهبی‌ها شاید در آن بسیار راحت نیستند و به قول خودشان هیچ ارتباطی نمی‌گیرند اما چند سالی هست که چند کافه مخصوص بچه‌مذهبی‌ها راه‌اندازی شده که باتوق خیلی‌ها شده. البته نه اینکه افراد دیگر اجازه نداشته باشند به آنجا بیایند اما سازوکار این باتوق‌ها به گونه‌ای است که هر کسی با هر سلیقه‌ای می‌تواند راحت در آن بنشیند. در این گزارش با ما در یکی از همین کافه‌ها همراه شوید.

نخلستان فارغ از فضایی است که دیگر کافه‌های شهر دارند. علی‌محبی جوان دانشجویی که در سالن کافه نشسته، می‌گوید: «نخلستان امتیازات ویژه‌ای نسبت به کافه‌های دیگر دارد اما نکته‌ای که مرا اینجا می‌کشد آرامش آن است. اینجا از موسیقی‌های بسیار تند خبری نیست. با اصلا موسیقی ندارد یا برخلاف دیگر کافه‌ها صدایش را آنقدر بالا نمی‌برند که آدم حتی صدای خودش را به زور بشنود. همین مسئله باعث شده که من به همراه دوستانم هفته‌ای دو سه بار به کافه اوج بیاییم و با خیال راحت حرف بزنیم. به‌خاطر همین ویژگی‌هاست که خیلی از مذهبی‌ها به کافه اوج می‌آیند».



کافه کتاب‌های واقعی

کافه کتاب در اصل با کافه فرق دارد و نمی‌توان از کافه کتاب انتظار پاتوق شدن و گردهای دورهمی را داشت؛ آن هم به دلیل فضا و نوع کاربری‌ای که از کافه کتاب‌ها انتظار می‌رود چرا که کافه کتاب از همان روز ولادتش در مغرب‌زمین به شیوه‌ای طراحی شده که افراد را به کتاب خواندن علاقه‌مند کند و آنها را در یک فضای آرام قرار دهد که قوایین دست و پاگیر کتابخانه را نداشته باشد و در عوض محیطی آرام و دل‌انگیز داشته باشد. در کنار کتاب‌ها هم یک نوشیدنی گرم یا خنک به فراخور فصل به مشتریان ارائه دهد. اما در اصل مخاطبان این کافه می‌دانند منوی کتاب نخستین چیزی است که مخاطبان نشان داده می‌شود و لی همین کافه کتاب‌ها برنامه‌هایی هفتگی برگزار می‌کنند که مخاطبانشان می‌توانند در آنها با دوستان خود دورهمی جمع شوند و صحبت کنند. البته معمولاً میهمانی هم از نویسندگان یا هنرمندان به این گردها دعوت می‌شود. در کشور ما نمونه این نوع کافه‌ها بسیار کم است؛ آن هم به دلیل سختی جذب مشتری و همین‌طور گیرودارهای کسب مجوز. اما به هر حال کافه کتاب انتشارات «میرکبیر» اولین نمونه واقعی این نوع کافه کتاب‌ها در تهران است.

کافه کراسه از روزهای اوج تا امروز

در کشور ما کافه‌هایی که به سبک نخلستان باشند بسیار کم است اما یکی دو نمونه می‌توان پیدا کرد که کارهای این چنینی انجام می‌دهند مانند کافه کراسه. این کافه در خیابان پورسینا پشت دانشگاه تهران قرار دارد اما فعالیتش معمولاً گسترده نیست. البته این کافه اولین نمونه کافه‌هایی است که همت کرده فضای سالمی را برای بحث و فحص علمی گسترانده اما هر روز مدیریتش تغییر می‌کند و شیوه ارائه خدماتش فرق می‌کند. زمانی بحث‌ها و نقدهای سینمایی کافه کراسه در کشور زبانزد بود اما امروز دیگر نه. مثلاً امروزه کافه کراسه بین خدمات کافه کتاب یا کافه معمولی مانده. به خاطر همین مخاطبانش هر روز کم می‌شوند. البته چندی است که مدیریت جدید کافه کراسه را سامان داده و به‌روز ترش کرده تا به روزهای اوج خودش برگردد. البته می‌توانید در این کافه کتاب‌های مورد نظرتان را در موضوعات مختلف پیدا کرده و خرید کنید و معمولاً تخفیفات قابل ملاحظه‌ای بگیرید.



سنگفرش خیابان طالقانی را بالا می‌روی. نرسیده به سینما فلسطین، داخل ساختمان موسسه اوج نخلستان زده‌اند. همکف یکسری مبلمان که بتوانی راحت بنشینی و سه چهار نفری گپ بزنی. یکسری میز و صندلی رسمی هم برای قرارهای نسبتاً رسمی گذاشته‌اند؛ مثل قرار آشنایی قبل از ازدواج خانوادگی.

یارانه‌ای حساب می‌کنیم». البته چندین هم بیراه نمی‌گوید؛ ۱۵۰۰ تومان برای یک نوشیدنی زیاد نیست. همسران حسن باغبانی و مجید اسماعیل‌زاده هم آمده‌اند. گویا باجنای هستند همسر مجید که دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) است درباره فضای کافه‌ها این‌گونه اظهار نظر می‌کند: «متأسفانه جوانان مذهبی در حاشیه قرار دارند و کمتر جایی فراهم شده تا این گروه راحت در آن بنشینند. کافه‌های دیگری که در شهر کار می‌کنند و اتفاقاً تعدادشان هم بسیار بالاست، فضا را طوری ساخته‌اند که جا برای یک دختر محجبه خیلی تنگ است. نگاه‌ها طوری است که یک دختر چادری آنجا نمی‌تواند رفت و آمد داشته باشد. این در حالی است که مدعی‌اند فضای روشنفکری بر کافه‌هایشان حاکم است و همه می‌توانند در آنجا به راحتی بنشینند و صحبت کنند و نوشیدنی بخورند. در صورتی که اتفاقی که می‌افتد کاملاً برعکس است». همسر حسن باغبانی هم از همین دغدغه‌ها می‌گوید و به یک مطلب دیگر اشاره می‌کند: «البته این طور نیست که اینجا برای دختران کم‌حجاب فضای ایده‌آلی باشد اما آنها می‌توانند در این مکان حضور پیدا کنند ولی فضا باید طوری مهیا شود که مذهبی‌ها راحت‌تر باشند. ذات کافه‌های معمولی طوری است که مذهبی‌ها آنجا چندین راحتی نداشته باشند. حتی نورپردازی کافه‌ها هم با هم فرق می‌کند. هرچند اینجا نورش بسیار زیاد نیست اما در مقایسه با کافه‌های دیگر خیلی روشن‌تر است. اینجا پنجره‌ای ندارد اما همین که بالای هر مدل نخل یک چیزی طراحی شده که آسمان را به یاد آدم می‌آورد فضا را منعطف می‌کند. در صورتی که کافه‌های دیگر معمولاً جلوی نور طبیعی را هم می‌گیرند تا فضا تاریک‌تر باشد».





طلبه‌های پابه توپ

مهران خسروی

اصلاً یکجورهایی عادت کرده‌ایم که روحانیون را فقط در قالب عالم دینی، مسئولیت‌های اجرایی و قضایی، امام جماعت و فعال فرهنگی ببینیم. حتماً سخت است تصور اینکه چند روحانی به صورت حرفه‌ای ورزش کنند؛ آن هم رشته برهیاوایی چون فوتبال! فکرش را بکنید یک روحانی هنگامی که گل می‌زند یا گل می‌خورد باید چه عکس‌العملی نشان دهد یا وقتی خطایی می‌کند و کارت قرمز و زرد می‌گیرد چه برخوردی می‌کند؟ در این شماره سراغ تیم فوتبال رفت‌هایم که همه‌باز یک‌ناتش روحانی هستند.

می‌توان هم روحانی بود و هم پابه توپ

نام: جابر
نام خانوادگی: قاسمی
تحصیلات: پایه هفتم حوزه
سوابق ورزشی: فوتبالست حرفه‌ای و بازیکن تیم برق شیراز
افتخارات ورزشی: سه دوره قهرمانی کشوری در حوزه
پست تیمی: مهاجم

جابر قاسمی که مدتی در تیم فوتبال برق شیراز بازی کرده درباره واکنش دوستانش هنگام مواجهه با یک طلبه فوتبالست می‌گوید: «بدرم نیروی هوایی کار می‌کرد به همین علت مدتی در شیراز زندگی کردیم. آنجا در تیم برق شیراز بازی می‌کردم. الان وقتی یادوستاتم بازی می‌کنم و متوجه می‌شوند که طلبه هستم برایشان جذاب است.» او به یک نکته جالب اشاره می‌کند و می‌گوید: «در زمین با عنوان «حاج آقا» صدا می‌کنند و برایشان تازگی دارد که با یک روحانی همبازی هستند. البته حق دارند چون تا به حال آخوند فوتبالست ندیده‌اند و ما را بیشتر در نماز جماعت، فعالیت‌های فرهنگی و موضوعات این چنینی دیده‌اند.» او معتقد است که می‌شود هم علی دایی بود و هم روحانی. در این خصوص می‌گوید: «منظر خودم بد نیست که آدم در زمینه ورزش در سطوح بالا فعالیت کند. مثلاً مثل علی دایی شود و در عین حال روحانی هم باشد. این طوری رسالت‌مان را بهتر می‌توانیم انجام دهیم. ورزش امر بسیار جدی و پسندیدنی است.»

قبل از اینکه طلبه شوم فوتبالست بودم

نام: روح‌الله
نام خانوادگی: رحمانی
تحصیلات: سال هفتم حوزه
سوابق ورزشی: بازی در لیگ دسته ۲ تهران
افتخارات ورزشی: قهرمانی استان
پست تیمی: دفاع

روح‌الله رحمانی که به قول دوستانش یک فوتبالست حرفه‌ای است، می‌گوید: «در پست مدافع بازی می‌کنم و خیلی از وضعم راضی هستم. در زمین دعا می‌کنم که خط حمله حریف همتاجایی که هست بماند و همیشه تیم ما آنجا باشد. چون اگر گل بخوریم اشتباه من است. البته تجربه خوبی در زمینه فوتبال دارم و قبل از اینکه طلبه شوم فوتبالست بودم.» او درباره اینکه چرا نتوانسته فوتبال را به صورت حرفه‌ای ادامه دهد، می‌گوید: «ما طلبه‌ها همان‌طور که سعی می‌کنیم الگوهای مناسب اخلاقی و شرعی را معرفی کنیم باید بتوانیم رابطه خوبی با همه گروه‌های جامعه داشته باشیم. دوستی‌ها، همبستگی‌ها و حتی آموزش‌های دینی درباره اخلاق ورزشی می‌توانند در موفقیت تیم‌های ورزشی ما خیلی تأثیرگذار باشند. تیم فوتبال از ۱۱ نفر تشکیل می‌شود و باید بتوانند اتحاد داشته باشند تا به پیروزی دست یابند. همان‌طور که پدرامان در انقلاب اسلامی و همه عرصه‌های سازندگی با هم بودند.»

تایم ملی فوتبال روحانیون راهی نمائده

نام: سعید
نام خانوادگی: عربیان
تحصیلات: پایه دوم حوزه
سوابق ورزشی: جودو کار و موتورسوار حرفه‌ای
افتخارات ورزشی: سه دوره قهرمان استانی و کشوری
پست تیمی: مهاجم

سعید عربیان قد بلندی دارد و یک موتورسوار حرفه‌ای است و می‌گوید: «از اینکه ورزش می‌کنم و طلبه هستم خوشحالم. اگر نیاز باشد آهنگری و مکانیکی هم یاد می‌گیرم. تازه موتورسوار حرفه‌ای هم هستم. شاید باور نماند؛ بیشتر از هفت سال دنبال یک رشته ورزشی مناسب می‌گشتم که با تحقیق متوجه شدم رشته جودو برای من مناسب است. چون از طرفی لباس پوشیده‌ای دارد و از جهتی دیگر مردانه است. به همین دلیل از این ورزش خوشم آمد. حدود ۱۲ سال است که ورزش جودو را به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهم. بعد احساس کردم که به حوزه دینی علاقه زیادی دارم و دوست داشتم مبلغ شوم. بنابراین وارد حوزه شدم و حالا با دوستاتم فوتبال بازی می‌کنیم.» او آرزو دارد تیم ملی فوتبال روحانیون تشکیل شود تا مبلغ شعارهای اسلامی باشد: «اینکه ما به جایی برسیم که صاحب یک تیم ملی شویم و در جهان اسلام شعار «هن محمد را دوست دارم» را گسترش دهیم آرزوی بیهی نیست.»





مسئول برگزاری مسابقات فوتبال
حوزه علمیه مروی:

با ورزش امانتدار بدنمان باشیم

هر سال مسابقات ورزشی مختلفی در حوزه برگزار می‌شود که امسال به نام پیامبر مهربانی‌ها با هم رقابت می‌کنند. در این مسابقات ۱۶ تیم از حوزه مروی و توابع که شامل شش مدرسه است حضور دارند. حجت‌الاسلام غلامرضا آقابلیگی پایه هشتم و مسئول برگزاری مسابقات فوتبال حوزه علمیه مروی با بیان این مطالب توضیح می‌دهد: «با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری بر ورزش سعی می‌کنیم به اندازه توانمان در این مسیر گام برداریم که مسلماً باعث تشویق خیلی از جوانان به ورزش می‌شود. البته باید با افزایش رقابت‌ها و برگزاری المپیادهای ورزشی بین طلبه‌ها و با پوشش رسانه‌ای مناسب، باعث ترغیب بیشتر مردم به ورزش باشیم». مسئول برگزاری مسابقات فوتبال حوزه علمیه مروی از ورزش به‌عنوان عاملی برای افزایش نشاط و شادابی نام می‌برد و می‌گوید: «یقیناً ذات ورزش باعث نشاط روح و سلامت جسم می‌شود. جسم ما امانتی است که از جانب خدا در اختیار ما قرار دارد. افراد زمانی می‌توانند برای جامعه مفید باشند و برای خلق خدا کار کنند که بدنشان سالم باشد. انسان تنبل و بی‌تحرک یک موجود بی‌فایده است. باید سعی کنیم سبک زندگی درستی داشته باشیم. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب ورزش می‌کنند ما هم باید یک ورزش مناسب با شرایط جسمی‌مان را در برنامه روزانه خود قرار دهیم».



از زمین خاکی تا حجره حوزه علمیه

نام: حسین
نام خانوادگی: صالح‌زاده
تحصیلات: پایه چهارم حوزه
سوابق ورزشی: والیبالیست حرفه‌ای
افتخارات ورزشی: قهرمان دو دوره استان تهران
پست تیمی: دفاع

حسین صالح‌زاده یکی از فوتبالیست‌های سرسخت و یک مدافع تمام‌عیار است. او که به والیبال بیشتر علاقه دارد در این زمینه می‌گوید: «از بچگی در کوچه پس کوچه‌های محله فوتبال بازی می‌کردم ولی علاقه خاصی به والیبال داشتم». صالح‌زاده درباره اینکه چطور شد از زمین‌های خاکی فوتبال به حوزه علمیه رفت، می‌گوید: «در کنار همه ورزش‌هایی که انجام می‌دادیم به موضوعات مذهبی هم علاقه‌مند بودم. به همین دلیل روحانی شدم. چه اشکالی دارد آدم با همه علاقه‌هایی که دارد بدین هم خدمت کند؟ شاید این موضوع برای مردم دور از ذهن باشد ولی باید توجه کرد که وقتی روحانیون در ورزش‌های مختلف حضور دارند، می‌توانند نقش موثرتری در افزایش رغبت جوانان به ورزش داشته باشند». او با اشاره به سیره پیامبر ﷺ می‌گوید: «پیامبر ﷺ امت اسلامی را به انجام ورزش توصیه کرده. ما هم سعی می‌کنیم به فرمایش او عمل کنیم». صالح‌زاده یکی از طلبه‌های شوخ‌طبع جمع است.

سرمان فقط گرم درس و بحث نیست

نام: عبدالواحد
نام خانوادگی: رستمی
تحصیلات: پایه ششم حوزه، سطح یک
سوابق ورزشی: فعالیت حرفه‌ای در رشته‌های کشتی و کاراته
افتخارات ورزشی: قهرمانی استانی و کشوری رشته کشتی
پست تیمی: دروازه‌بان

عبدالواحد رستمی در اصل کشتی‌گیر است. به‌قول یکی از دوستانش او یکی از طلبه‌های خاکی روزگار به‌شمار می‌رود. او درباره اینکه چرا به جای رسیدگی به درس‌هایش سراغ ورزش رفته، می‌گوید: «قرار نیست سر طلبه‌ها فقط گرم درس و بحث باشد و باید با ورزش، روحیه نشاط و دوستی‌ها را در جامعه افزایش دهیم. علاوه بر این در میان طلبه‌ها مربیان ورزشی هم داریم که می‌توانند در سطوح قهرمانی وارد شوند». او توضیح می‌دهد: «ما در این دوره از مسابقات با طلبه‌های حوزه‌های دیگر آشنا می‌شویم. این رقابت‌های دوستانه موجب افزایش دوستی‌ها و رفاقت‌ها می‌شود. ورزش بسیار لذت‌بخش است و در زندگی به‌عنوان یک رکن مطرح می‌شود». رستمی که در بازی با طلبه‌های دیگر کری می‌خواند و به‌خاطر یک خطای کوچک کارت زرد هم گرفت، می‌گوید: «گاهی بچه‌ها در بازی کارت زرد می‌گیرند. نه اینکه آدم خطاکاری باشیم. جذابیت بازی به همین خطاهای کوچک و کری خواندن‌هاست».





دانشتني هايي براي يك مسافرت به ياد ماندني در تابستان

تهران زيبا، تابستان زيباتر

هشت پيشنهاده خنك كرده براي هشت هفته باقي مانده از تابستان

سفر گران است؛ سفر نرفتن از آن هم گرانتر!

معرفي يادمان هاي راهيان نور غرب و شمال غرب كه كمتر ديده شده اند



همين الان كه اين مجله را به دست گرفته و داريد مطالعه مي كنيد، نزديك دو ماه از سه ماه تابستان باقي مانده است؛ يعني بين هشت تا ده هفته فرصت داريد. حالا اگر همين هفته پيش رو و هفته آخر را خط بزنيم، مي ماند هشت هفته خالص. سه ماه تابستان براي بيشتر مردم و خانواده ها، يك فضاي آزاد است تا كارهايي را كه مي خواهند، انجام بدهند. چرا كه در فصل هاي ديگر، به واسطه درگيري بچه ها با مدرسه و دانشگاه، امكان چنين برنامه ريزي هاي وجود ندارد. همچنين جوازها نيز به واسطه فراغت از كنكور و مدرسه و شبیه آن، وقت و فرصت بيشتري در اختيار دارند تا بتوانند به كارهايي كه دوست دارند، بپردازند. در اين مورد، بد نيست چند نکته اي را متذكر بشويم. اوقات فراغت، صرفاً متعلق به تابستان نيست. چرا اساساً بايد متعلق به تابستان و ايام عيد باشد؟ به واقع ساعات هاي فراغت، ساعات هاي هستند كه بايد در طول روز و هفته وجود داشته باشند؛ هر چقدر هم كه شما كار داشته باشيد و سرتان شلوغ باشد و چه بسا بهترين زمان براي اين اوقات در طول هفته هاي ديگر سال، پنجشنبه ها و جمعه ها و تعطيلات رسمي باشد. نکته مهمتر بعدي، اهميت اين اوقات است. چرا بايد اين ساعات را جدی بگیريم؟ چون كه به اندازه كافي جدی و مهم هستند. اگر قرار باشد آدمي صرفاً كار كرده و به وظيفش عمل كند، بلاشك زنگ زده و در كمترين زمان ممكن، از دست خواهد رفت؛ به واسطه فرسودگي رواني و شغلي و روحي. به واقع اوقات فراغت، نقش روغن موتور را براي ما بازي مي كنند. كمك مي كنند تا همه بخش هاي ديگر، راحت تر كار كرده و در هماهنگي با هم باشند. البته قابل درك است كه اوضاع اقتصادي اين روزها، اوضاع مساعدتي نيست. اما با تغيير نگرش، مي توان فراغت ها را ارزان و ساده تمام كرد. گفته اند كه بهترين شادي ها، آن هايي هستند كه ارزان تر تمام شوند. در مورد فراغت ها نيز، بهترين آن ها مواردی هستند كه ارزانتر تمام شوند. مهم هدف اين فراغت ها است؛ نه چگونگي آن ها. چگونگي فراغت داشتن در رتبه هاي بعدي قرار مي گيرند.

حتي جوانان نيز، مي توانند فراغت هاي منحصر به خودشان را داشته باشند؛ و البته در هماهنگي كامل با خانواده ها. چرا كه نه؟ در اين صورت روح مسئوليت پذيري در اين قشر، تقويت شده و از فراغت هايشان نيز لذت بيشتري خواهند برد. روزگار جوانان، اثرگذاري بيشتري دارند و با اين گروه بودن، براي اين قشر خوشايندتر است. پس به جاي مقاومت، مي توان شرايط را تحت كنترل قرار داد.

از تابستان تا همیشه فراغت

پرونده اي براي سفر و اوقات فراغت

توجه به هزینها

از امام صادق نقل شده که فرمود: همسفرانی بر گزینید خرجشان با شما هم داشته باشد تا خوار (مفاتیح الحیاء، ص ۷۷)

اهمیت نماز

برخی اوقات مسافرت بهانه‌ای برای غفلت از نماز اول وقت می‌شود. روایات زیادی است که تأکید می‌کند باید به نماز اهمیت بسیار داد و در سفر نباید از آن غفلت نمود.

دعای مسافر

روایتی منسوب به پیامبر اعظم ﷺ است که فرموده‌اند: سه دعا بی‌تردید مستجاب است. دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر برای فرزندش. (مفاتیح الحیاء، ص ۱۷۷)

دانستنی‌هایی
یک مسافرت به یاد ماندنی

مسافر آدا



جهت‌یابی در طبیعت

۱ لانه مورچه‌ها

با استفاده از لانه مورچه‌ها می‌توانید جهت‌های جغرافیایی را بیابید. مورچه‌ها عادت دارند خاک لانه‌شان را به سمت شرق پریزند تا در روز این خاک به عنوان سایه بان لانه عمل کند.

۲ ساعت عقربه‌دار

ساعت را در کف دست طوری نگه دارید که عقربه ساعت شمار به سمت خورشید باشد. در این حالت، زاویه‌ای که عقربه ساعت با عدد ۱۲ می‌سازد (زاویه کوچک‌تر نه بزرگ‌تر)، جهت جنوب را نشان می‌دهد.

۳ با کمک درختان

می‌توان از درختان نیز کمک گرفت. خم بودن تنه و شاخه درختان جنگل به یک سمت، نشان‌دهنده‌ی جهت جنوب است. البته این روش تقریبی است و نمی‌توان آن را تعمیم داد.

۴ عوامل طبیعی

- در بهار، برف‌های مانده از زمستان که رو به جنوب هستند، سریع‌تر ذوب می‌شوند.
- گیاهانی که در دامنه‌هایی که شیب‌شان به سوی جنوب است، ضخامت بیشتری دارند.



بهداشت غذا در سفر

دست‌های خود را قبل از خوردن غذا با آب و مایع دستشویی بشوید.

اگر از غذاهای کنسروی استفاده می‌کنید حتماً ۲۰ دقیقه بجوشانید.

از خرید تنقلات غیربهداشتی مانند لواشک، و... خودداری کنید.

سعی کنید از لبنیات و مواد غذایی تازه استفاده کنید.

از خرید سبزیجات و سالاد در رستوران‌ها پرهیز کنید.

ظرف‌های خود را در آب رودخانه‌ها نشوید چون دچار آلودگی می‌شود.



این وسایل را
فراموش نکنید

مسواک

عینک آفتابی

چراغ قوه

لباس کافی

مدارک
شناسایی

جعبه
کمک‌های اولیه

نقشه
محل سفر

داروهای
ضروری



برپایی چادر در طبیعت

بسته بودن چادر برای امنیت و جلوگیری از ورود حیوانات	محل اسکان باید از نفوذ رطوبت زمین و آسیب دور باشد	چادر نباید در معرض خطر ریزش سنگ، بهمن و نباشد	در معرض دید برای گروه‌های امداد و نجات	داشتن دسترسی مناسب به آب آشامیدنی

سوغات و هدیه

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هنگام بازگشت از سفر برای خانواده خود سوغات بیاورید، هر چند قطعه سنگی باشد (مفاتیح الحیاء، ص ۱۸۳)

تعیین مدیر

زمانی که سفر می‌روید بهتر است سرپرستی از میان خود تعیین کنید. در روایتی منسوب به پیامبر می‌خوانیم: هر گاه سه نفر با هم به سفر می‌روند، یکی را سرپرست خود کنند (مفاتیح الحیاء، ص ۱۸۴)

۴

۵

برای
ی در تابستان

ب دارد



باید‌ها و نباید‌هایی که برای یک سفر آرام باید رعایت کنیم

وقتی پرواز را به هر دلیل از دست می‌دهید؟

- ✓ پول بیشتری با خود ببرید تا با پرواز دیگری بازگردید.
- ✗ برای اطلاع دادن تاخیرتان به خط هوایی تعلل نکنید.

وقتی اتاق‌های دیگر سر و صدا می‌کنند؟

- ✓ با مسئول هتل تماس بگیرید تا این مشکل را حل کند.
- ✗ خودتان تذکر ندهید، ممکن است دردسر ساز شود.

وقتی تاکسی‌ها کرایه بیشتری می‌گیرند؟

- ✓ کرایه را بدهید و مشکل را از طریق تاکسیرانی حل کنید.
- ✗ داد و بیداد یا دعوا نکنید و با راننده لجبازی نکنید.

با هزینه گزاف هتل چطور برخورد کنیم؟

- ✓ به اعلان‌های هتل دقت کنید و تعرفه‌ها را ببینید.
- ✗ با مهماندارهای هتل درگیر نشوید و دعوا نکنید.

با گارسون سر به هوا چطور برخورد کنیم؟

- ✓ به جای جر و بحث با مدیریت هتل صحبت کنید.
- ✗ با گارسون دعوا نکنید و آرامش دیگران را به هم نزنید.

چگونه در خرید چانه‌بزنیم و تخفیف بگیریم؟

- ✓ سعی کنید از محلی‌ها بخواهید تا کالای مورد نظر را بخرند.
- ✗ به چند جاسر بزنید تا قیمت‌های دیگر را هم ببینید.

پس از رسیدن به مقصد از فرزندانتان سؤال کنید که چه کاری می‌خواهند انجام بدهند. یک روز کارهای مطابق میل آنها را انجام بدهید



در طول مسیر بارها توقف کنید و از همه اعضای خانواده بخواهید تا خارج از خودرو نرومش کنند.

۱

سفرهای طولانی با خودرو به راننده که اغلب پدر خانواده است استرس وارد می‌کند. بهتر است با قطار و یا هواپیما سفر کنید.

۲

چند توصیه برای سفری خوش



به بچه‌ها کاغذ رنگی (رنگ‌های شاد) بدهید تا اینکه در طول سفر خاطرات خود را بنویسند و یا نقاشی بکشند.



۳

در سفرهای طولانی وسایل سرگرمی و خوراکی برای فرزندان خود همراه داشته باشید.

۴

قبل از آغاز سفر از فرزندان خود بخواهید در یک کیسه و یا کیف کوچک تمام وسایل مورد نیازشان را جمع‌آوری کنند.



هشت پیشنهاد دیدنی پایتخت برای هشت هفته باقی مانده از تابستان شما

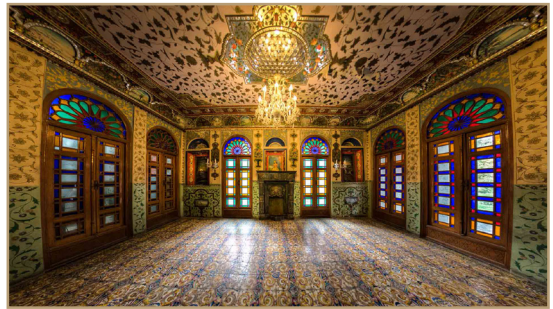
تهران زیبا؛ تابستان زیباتر

علی امینی



۳ باغ پرندگان

یکی از تماشایی‌ترین جاهای تهران را، بدون شک باید باغ پرندگان لویزان بدانیم؛ جایی آرام گرفته در شمال شرق پایتخت. ۱۷ هکتار زمین به سه هزار قطعه پرندۀ مختلف اختصاص داده شده تا در کنار برکه‌ها و آبشارها و پیاده‌راه‌های چشم‌نواز، امکان خوبی برای گذران اوقات فراغت در اختیارشان بگذارد. اینترنت رایگان، امکان پارک خودرو، رستوران و کافی‌شاپ و ... موجود در این مجموعه، باعث می‌شود تا گردش خانوادگی خوبی را تجربه کنید.



۱ موزه‌های پایتخت

تهران پر از موزه‌های ریز و درشت است. اگر گذرتان به پایتخت افتاد، حتماً سری هم به موزه‌های آن بزنید، لذت خواهید برد. از جمله موزه‌های پایتخت، می‌توان به موزه هنرهای معاصر، موزه‌های مستقر در خیابان سی‌ام تیر، موزه ملک، موزه سینما در حوالی تجریش و ... اشاره کرد. موزه‌ها اینقدر تنوع دارند که می‌توانید به نسبت علاقه‌ای که دارید، هر کدام را که خواستید انتخاب کنید. جوانان و نوجوانان شما نیز از حضور در این موزه‌ها، چیزهای زیادی یاد خواهند گرفت.



۴ باغ کتاب

خیلی‌ها که گذرشان به تهران می‌افتد، سری هم به مجموعه باغ کتاب آن می‌زنند. مجموعه‌ای عظیم و پر از امکانات، که مخصوصاً برای یک گذران اوقات فراغت فرهنگی، راهگشای شما خواهد بود. در این مجموعه و در دو طبقه، شما با امکانات خوبی روبه‌رو خواهید بود. نکته جالب این‌که به‌طور همزمان، هم کودکان و هم نوجوانان و جوانان و هم بزرگسالان، می‌توانند اقدام به سیاحت و گردش در مجموعه و استفاده از آن کنند.



۲ کاخ سعدآباد

تهران کاخ‌های زیادی دارد؛ از جمله همین کاخ سعدآباد. کاخی که در زمان خود، در شمال تهران و در کوهپایه‌های همیشه خنک ساخته شد تا خاندان سلطنتی رژیم گذشته، بتوانند زندگی خوب و خوشی داشته باشند. حالا این کاخ‌ها، یادآور تاریخ و عدم وفای روزگار به قدرت‌مندان است. از جمله ویژگی‌های مثبت این کاخ‌ها، فضایی است که کاخ‌های موجود را به هم متصل می‌کند؛ که خودش یک امکان جالب برای پیاده‌روی در فضایی سبز محسوب می‌شود.

“

بخشی از تفریحات و فراغت‌های شمامی تواند در تهران رقم بخورد. چی، تهران؟ بله، شهری به نام تهران؛ پایتخت کشورمان، ایران. اما چرا همه چیز رابه یک شهر خلاصه کرده‌ایم؟ ماجرا خیلی ساده است: نزدیک یک‌هشتم جمعیت ایران در همین تهران هستند. بیشتر امکانات دولتی و پزشکی و فرهنگی و... هم در تهران است. پس طبیعی است که در طول سال، بیشتر شهروندان کشورمان سفری به این شهر داشته باشند. باز هم طبیعی است که هر کسی می‌تواند گذرش به تهران بیفتد؛ پس به این ترتیب، وقتی از جاذبه‌های شهری به نام تهران صحبت می‌کنیم، هم شامل یک‌هشتم جمعیت و جوانان کشور می‌شود، هم شامل باقی شهروندان ایرانی. تازگی‌ها هم که شامل گردشگران عرب‌زبان و... هم می‌شود. به این ترتیب، نیم‌نگاهی گذرا به هشت جاذبه گردشگری این شهر انداخته‌ایم؛ شاید فرصتی دست داد و به تهران آمدید و توانستید یکی از این‌ها را تجربه کنید.



دریاچه چیتگر

۷

دریاچه‌ای مصنوعی در شمال غرب پایتخت مستقر شده. نام این دریاچه چیتگر یا شهدای خلیج فارس است که بزرگ‌ترین دریاچه مصنوعی کشور محسوب می‌شود. به واقع دریاچه چیتگر را باید یک سایت تفریحی بدانیم که با آن برج‌های اطرافش، ظاهری کاملاً مدرن به خودش گرفته. قایق‌سواری، سربس‌های سقوط آزاد، سینما شش بعدی، سافاری پارک وحشت، مسیر پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری در امتداد دریاچه و... از داشته‌های این سایت تفریحی محسوب می‌شود.



بوستان‌های پایتخت

۵

تهران طی سال‌ها و دهه‌های گذشته، فضاهای سبز زیادی را به خودش دیده؛ فضاهای سبزی که یا ایجاد شده‌اند یا تجهیز و بهتر شده‌اند. بوستان آب و آتش، از جمله این فضاهای بوستانی مدرن است که شما را می‌تواند به بوستان نیمه‌جنگلی طالقانی و از آن‌جا به دیگر گردشگاه‌های تهران نیز راهنمایی کند. پارک نهج‌البلاغه و بوستان جمشیدیه و بوستان ولایت و بوستان‌های جنگلی لوبزان و چیتگر و سرخه‌حصار از آن جمله‌اند.



کوهپایه‌های شمالی

۸

تهران که در گذشته یک شهر بزرگ نبوده است، روستایی محسوب می‌شده خوش آب و هوا و در کنار آب‌های فراوان و گوارا. هنوز هم آثاری از آن تهران بهشتی‌گون وجود دارد. مثل این که شما اگر به شمال پایتخت بروید، می‌توانید کوهپایه‌های زیبایی را ملاقات کنید؛ جایی که هم هوای خوش، هم سفره‌خانه‌ها و اماکن پذیرایی چشم‌نواز و هم کوه و فضای سبز را می‌توانید تجربه کنید. جاهایی مثل دارآباد، کلک‌چال، توچال، دربند و شبیه آن.



برج میلاد

۶

بدون شک نماد مدرن شهر تهران را باید برج میلاد بدانیم. شبانگاهان هر کجایی که باشید، برج میلاد را می‌توانید ببینید. ششمین برج بزرگ مخابراتی جهان، خودش به تنهایی یک گردشگاه کامل است. اما در کنار آن، امکان برگزاری کنسرت‌ها، جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، این مجموعه را به یک سایت گردشگری کامل‌تر تبدیل کرده. ضمن این که رستوران‌ها و تفرجگاه‌ها ایجاد شده در این برج، می‌تواند گردش شما را در این مجموعه، حتی خوشمزه‌تر هم بکند.



کرمانشاه

پیشنهادهای گردشگری جذاب برای خنک گردی در روزهای گرم تابستان

تابستان؛ خروجی ییلاق

مهدی کاویان

کلاغرب ایران، از حیث فضای بکر و زیبایی طبیعی، منحصر به فردتر از شمال کشور و لی ناشناخته‌تر از آن است. ضمن این که هوای مرطوب و دم‌کرده شمال را هم ندارد. آب و هوای این منطقه در این روزها خوب و معتدل است. ضمن این که از تفرجگاه‌ها و آثار تاریخی و باستانی خوبی هم برخوردار است. از جمله آثار دیدنی کرمانشاه می‌توان به تکیه معاون الملک، تکیه بیگلربیگی، بازار سنتی کرمانشاه، باغ پرندگان، باغ گل کرمانشاه، پارک کوهستان، سراب نیلوفر، پارک ساحلی رود قره سو، طاق بستان، بیستون، مسجد عمادالدوله، حمام حاج شهباز خان و... اشاره کرد.

خدا را باید شکر کرد، که در کشوری چهار فصل زندگی می‌کنیم. یعنی در هر روزی از سال که اراده کنید، هر فصل را در یکی از نقاط کشور یا چند نقطه آن، می‌توانید داشته باشید. اما حالا که تابستان است، بیشتر شهروندان دوست دارند یک جورایی از گرما فرار کرده و به یک جای خنک‌تر بروند؛ به قول معروف یک سفر ییلاقی داشته باشند. طبیعی است که در چنین اوضاعی، نمی‌توان هر نقطه‌ای را برای سفر و گذران اوقات فراغت پیشنهاد کرد؛ هر چند که سفر بازان حرفه‌ای، حتی کویر داغ را هم به خاطر شب‌های بی‌نظیرش از دست نخواهند داد. اما اگر دوست دارید که در این داغی تابستان، سفر خنکی داشته باشید، پس می‌توانید این دو صفحه را بخوانید.



جلفا

پیشنهاد خنک دیگر ما، می‌تواند حاشیه رود ارس و منطقه جلفای آذربایجان باشد. ارس و اطراف آن، همیشه از جاذبه‌های بی‌نظیر ایران بوده و هست. کسانی که به این منطقه سفر می‌کنند از کثرت جاذبه‌های طبیعی آن می‌گویند. ضمن این که در اطراف شهر جلفا و حتی داخل شهر، می‌توانید به راحتی کمپ زده و چند روزی را اقامت کنید. پارک ساحلی درنا و حاشیه ارس، مجموعه تاریخی گردشگری سد خداآفرین، طبیعت آسیاب خرابه و کلیسای سنت استپانوس، از دیدنی‌های جلفا محسوب می‌شوند که می‌توانند سفر شما را به یک تجربه خاطره‌انگیز تبدیل کنند.

۳ گلستان



کردکوی استان گلستان، البته چند وقت پیش به واسطه ویلاسازی های غیرمجازی که در آن صورت گرفته بود، سر زبان ها افتاد. و دلیل اصلی این ویلاسازی ها به خاطر خنکی آن در فصل تابستان و طبیعت بکر و مثال زدنی آن است. بیشترین و کمترین دمای هوای تابستانی این منطقه، ۲۴ و ۱۲ درجه سانتی گراد است. دهکده ییلاقی جهان نمای کردکوی هم که دیگر جای خود دارد و اگر به این جا رفتید، آن را از لیست مقصدهای گردشگری خودتان خط نزنید همچنین می توانید به چکل آتشان، یک روستای ییلاقی دیگر هم اشاره کرد که در جنوب کردکوی واقع شده.

۵ همدان



اولین بار در روزگار مدرسه بود که با این شهر تاریخی آشنا شدیم؛ شهر هگمتانه که به نوعی پایتخت مادها هم محسوب می شد. جایی که آرامگاه ابن سینا بزرگ هم هست. شهر فرهنگی توریستی همدان، با توجه به این که در دامنه کوه الوند قرار گرفته، از مناطق سردسیری ایران هم محسوب می شود که این امر، سفر تابستانه به این نقطه را توجیه پذیر می کند. آرامگاه باباطاهر، آرامگاه ابوعلی سینا، تپه هگمتانه، گنجنامه، میدان امام، بازار همدان و ... از جاذبه های گردشگری این شهر خنک و قدیمی محسوب می شوند.

۴ شهرکرد



چهارمحال و بختیاری، کلادر میان کوه ها محصور شده است. به همین دلیل آن را بام ایران می نامند. شهر کرد، مرکز این استان نیز به نوعی به همان عنوان بام ایران شناخته می شود. البته برای رسیدن به این شهر، باید رانندگی تان خوب باشد! آب و هوای خوب، اماکن سیاحتی و تاریخی و ... باعث شده تا بسیاری از شهروندان ایرانی جذب این منطقه شوند. گردشگاه چشمه زنه هفشجان و ارتفاعات جهان، پل زمان خان، چشمه کوهرنگ، تونل و آبشار کوهرنگ، دشت لاله های واژگون، تالاب بین المللی چغاخور و تالاب گندمان از جمله جاذبه های گردشگری این شهر هستند.

۶ سرعین



معروف است که بعضی ها که تابستان را هی شمال می شوند، به واسطه گرما و رطوبت موجود هوا، سریع راشان را کج کرده و از گردنه های معروف گیلان به اردبیل، راهی سرعین می شوند. اردبیل همیشه جزو خنک ترین مناطق ایران بوده و هست. ضمن این که طبیعتی بکر و منحصر به فرد دارد؛ در کنار گردشگری غذایی بسیار عالی اما غالب شهروندان دوست دارند که به سرعین و چشمه های گرم آب معدنی آن بروند؛ که از سبلان جاری می شود و به این جا نیز می رسد. سرعین از لحاظ مراکز اقامتی و رستوران ها جزو شهرهای بی نظیر ایران نیز است.

۷ کندوان



چطور است که به یک روستای خاص سفر کنید؟ روستای کندوان را یکی از سه روستای صخره ای جهان می دانند. به واقع خانه های روستای کندوان، به شکل کندویی و در دل کوه ساخته شده اند. جالب این که در نیمه اردیبهشت سال ۷۶ نیز، این روستا به ثبت رسیده و جزو آثار ملی ایران دانسته می شود. برای رفتن به این روستا، باید راهی آذربایجان شرقی شوید. گردو، عسل، بادام، گیاهان دارویی و ... از محصولات این روستا محسوب می شوند. هنگام سفر به این روستا، به یاد داشته باشید که از قدمتی هفت، هشت هزار ساله برخوردار است.

۸ نمک آبرود



حالا که این همه از آب و هوای شمال کشور بد گفته ایم، بد نیست یک پیشنهاد هم از دل شمال رویایی ایران داشته باشیم. جایی در غرب مازندران؛ معروف به نمک آبرود، در شهرستان چالوس. نمک آبرود جایی است که در آن، کوه و جنگل و دریا و مه، به هم می رسند. این شهر که، بین ارتفاعات مدوین و دریای خزر محصور شده و همین امر، باعث خنکی هوا در این ناحیه شده. پارک های جنگلی بنفشه و شمشاد، تله کابین خط ۱ و ۲، سورتمه، کار تینگ، پارک ماجراجویی، شهر بازی، زیپ لاین، شیر دریایی، باشگاه تیراندازی، موتور چهار چرخ و از امکانات و جاذبه های این نقطه است.



هر مطلبی با دلیل و فلسفه‌ای نوشته

می‌شود این مطلب، الان با چه دلیل



و فلسفه‌ای نوشته شده است؟ خیلی ساده است: وقتی درباره پیشنهادهای گردشگری کشوری جستجو می‌کردیم، به کامنت‌های جالبی برخورد کردیم. همه از این گلایه داشتند که با این وضعیت و پول، باید کجا رفت؟ گسترده‌گی این کامنت‌ها چنان زیاد بود که متوجه شدیم این مسأله، یک مسأله سراسری است و باید نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت نباشیم. این است که چنین مطلبی شکل گرفته است. امیدواریم نکته‌هایی که در آن اشاره می‌شوند به دردتان بخورد.



مشکل در سبک زندگی ماست

واقعیت اول این است که ما امروزه با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم؛ از جمله مشکلات مالی. به قول آن خواننده خوش‌ذوق که در یکی از کامنت‌ها اشاره کرده بود که نان برای خوردن نداریم، سفر پیشکش. البته در این نکته شکی نیست. اما، لطفاً این همه تند برخورد نکنید. شاید بخواهیم یک حرف منطقی بزنیم. حقیقت این است که در کنار مشکلات اقتصادی موجود، سبک زندگی و نگرش در زندگی نیز اهمیت زیادی دارد. یعنی همان‌طور که می‌پذیریم مشکل اقتصادی وجود دارد، باید بپذیریم که در زندگی ما ایرانیان نیز، مشکلاتی از حیث سبک و سیاق و روش وجود دارد. یعنی چطور؟



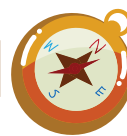
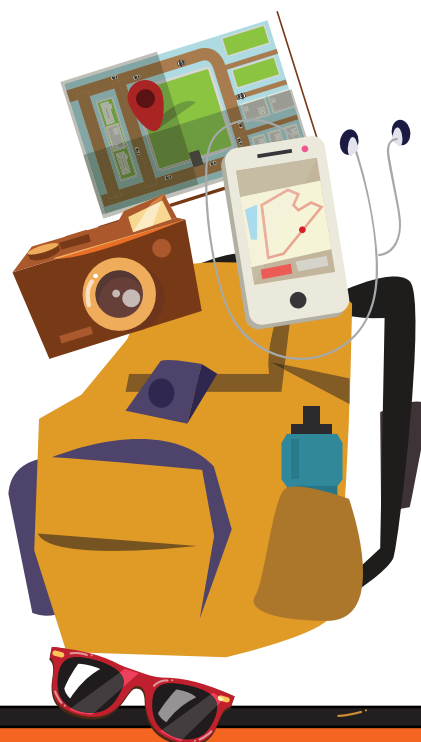
نکته‌ای که نباید فراموش کرد

همین امروزه که ما با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم، ایرانیان جزو ملتهایی هستند که بیشترین دورریز غذا را داشته و دارند. همچنین جزو کسانی هستند که بیشترین دورریز نان را دارند. یعنی با همین دورریزها، ده‌ها میلیون نفر را می‌شود سیر کرد. این به نظر شما چه ارتباطی به نداشتن پول دارد؟ این به نحوه مصرف ما ربط دارد. از سوی دیگر، ایران جزو

چرا فکر می‌کنیم به خاطر مشکلات اقتصادی، باید قید سفر و گذران اوقات فراغت را بزنیم؟

سفرگران است سفر رفتن از آن‌هم گرانتر

عیسی محمدی





نکاتی که باید دقت کنیم

حتماً نباید با هواپیما و قطار و صرف هزینه‌های بالا به سفر برویم؟
چرا به سفرهای اشتراکی با فامیل و همکاران و... نرویم؟ چرا در طول سفر خودمان
آشپزی نکنیم؟ نگوئید برای استراحت آمده‌ایم درست؛ برای استراحت آمده‌اید.
ولی بخشی از فرآیند سفر را، همین کارها و مشارکت‌ها شکل می‌دهد.



نگاه‌ویژه چرا که نه؟



می‌بینید؟ اگر سبک زندگی‌مان را عوض کنیم، همه چیز امکان‌پذیر است؛ حتی با وجود تمام گرفتاری‌ها و ... تا حالا دقت کرده‌اید بیشتر ما که به یک سفر می‌رویم و حال و روزمان کمی عوض می‌شود، مدام با خودمان عهد می‌کنیم که سر هر ماه، به یک سفر خواهیم رفت؛ اما همه این عهدها را می‌شکنیم؟ واقعاً چنین است. یکی از انتشاراتی‌های ایران، شعار جالبی دارد: مهم این نیست که یک کتاب خریدن و خواندن چقدر برای شما هزینه دارد. مهم این است که عدم خرید آن کتاب، چقدر برای زندگی شما گران تمام خواهد شد. ظاهراً که باید در مورد سفر و گردشگری و اوقات فراغت نیز چنین ایده‌ای را مطرح کنیم: مهم نیست یک سفر چقدر برای شما آب می‌خورد؛ مهم این است که سفر نرفتن و عدم آشنایی با فرهنگ‌ها و مکان‌ها و امکان‌های جدید، برای شما چقدر گران تمام خواهد شد. بله، ما می‌توانیم سفرها و فراغت‌ها را ارزان‌تر تمام کنیم؛ فقط باید سبک زندگی‌مان را عوض کنیم. ضمن این‌که لیست بلندبالایی از امکانات رایگان مثل کتابخانه‌ها و بوستان‌های عمومی و فضاهای عمومی خوش آب و هوای بیرون شهر و... هم وجود دارند که می‌توانند سبک سفر رفتن‌های ما را عوض کنند. لطفاً نگوئید چطوری؟ مهم‌ترین سؤال علم خلاقیت چنین است: چرا که نه؟!



مانست جالب است که در ایران، از گران بودن کتاب‌ها گلایه‌های فراوان می‌شود در حالی که پول یک پیتزای معمولی، از کتاب هم گرانتر است، اما کسی بابت خرید پیتزا از این گلایه‌ها نمی‌کند. یا در حال حاضر سیگار، که متأسفانه خیلی از شهروندان درگیر مصرف آن هستند از قیمت بالایی برخوردار است. یعنی پدر خانواده ممکن است ماهانه بالاتر از صد هزار تومان هزینه خرید سیگار کند، اما برای خرید کتاب و رفتن به یک گردشگاه فرهنگی و موزه و... زورش بیاید. پس مشکل ما، مشکل فرهنگی است؛ نه مشکل اقتصادی؛ هرچند که اقتصادمان هم مشکل کم ندارد اما اگر برای ما، سبک فرهنگی و هنری و دانایی خانوار مهم باشد، حتماً نسبت به تأثیر رفتن و سینما و کتاب خریدن و موسیقی گوش دادن و... بی‌تفاوت نخواهیم بود.



اولویت‌بندی‌های مشکل‌ساز ما

هدف از گردش و سفر چیست؟ اگر هدف رفتن از یک زندگی لاکچری به یک زندگی لاکچری دیگر باشد که هیچ، اما اگر چنین باشد، چرا اروپایی‌ها که در اوج زندگی لاکچری و مدرن هستند، سر از جاهای دور دست دنیا در می‌آورند؟ در یکی از دهستان‌های شهرستان آباد در شیراز جایی هست که کاملاً بافت روستایی و سنتی دارد و در عین حال گران‌ترین اتاق‌های اقامتی ایران را هم دارد؛ چرا که مشتریان فقط اروپایی‌ها هستند آن‌ها برای به دل طبیعت رفتن و چند روزی دل‌کندن از زندگی مدرن می‌آیند چرا ما چنین نباشیم؟ هدف از سیاحت، کسب تجربه بیشتر، عوض کردن آب و هوا، آشنایی با آدم‌های جدید و جدا شدن از سرعت زندگی‌های مدرن است. اگر هدف چنین است، پس چرا نباید سفرهای ارزان قیمت را در اولویت قرار دهیم؟ بیشتر ما ایرانی‌ها ماشین داریم. می‌توانیم همین ماشین‌ها را تجهیز کرده و با باربند و دیگر تجهیزات به دل طبیعت و جاده‌ها بزنیم. چرا چنین نمی‌کنیم؟

کشورهایی است که بالاترین یارانه‌های پنهان را به سوخت و بهداشت و آموزش و پرورش و... اختصاص داده است. به نظر شما ملتی که پول نداشته باشد، این همه یارانه پنهان را از کجا می‌آورد؟ در این مورد هم، مشکل ما به نحوه مدیریت اقتصادی بر می‌گردد.



چرا ارزان‌تر تمامش نمی‌کنیم؟

نکته مهم‌تر دیگر، نگاه ما به گردش و سفر و فراغت است. تصور می‌کنیم که حتماً باید هزینه‌ای بالا صرف این دست موارد کنیم. تا حالا به این دقت کرده‌اید که چرا از سیزدهم فروردین تا اواخر این ماه، کمتر کسی به شمال کشور می‌رود؟ آن هم در حالی که سوئیت‌داران و ویلاداران و پلاژداران، اشاره می‌کنند که قیمت این اماکن در چنین روزهایی، به نصف و حتی یک‌سوم هم کاهش پیدا می‌کند. آن هم در حالی که این افراد اشاره می‌کنند که بخشی از مشتری‌های خاص‌شان، فقط در این روزها برای تفریح و گذران اوقات فراغت می‌آیند. یا چرا برای سفر رفتن، حتماً باید به رستوران‌های شیک و قیمت بالا برویم؟ در حالی که می‌توانیم غذا خوردن‌مان را خیلی کمتر تمام کنیم. یا استفاده از آفرهای مختلف یا حتی تورهای ارزان قیمت.



مشکل ما، فرهنگی است

مسئله بعدی در نحوه اولویت‌بندی ماست. برای کسانی که سفر و فراغت‌های درست و حسابی یک اولویت بالا محسوب می‌شود، حتماً راهکاری پیدا خواهند کرد تا به این اولویت‌های رده بالا برسند. در خانواده‌ها، البته اولین اولویت‌ها را خورد و خوراک و پوشاک و هزینه مسکن تشکیل می‌دهد اما اولویت‌های بعدی چطور؟ شاید یک خانواده کلی خرید طلا و زیورآلات و خرج رستوران و... داشته باشد در حالی که بتواند همین خرج‌ها را صرف سفر رفتن و فراغت‌های خودش بکند. پس مسئله اصلی ما، اولویت‌بندی

در سرزمین غریبانه‌ها

با شروع فصل گرما و تعطیلات تابستانی مسافرت مهمترین برنامه‌ای است که می‌توان برای گذران اوقات فراغت داشت، غرب کشور در این فصل به واسطه آب و هوای خنک‌ش می‌تواند یکی از بهترین نقاط گردشگری باشد، مادر این دوصفحه سعی بر این داریم که جاهایی را به شما معرفی کنیم که هم هوای خوب و لذت بخشی داشته باشد و هم شما را با خاطرات دفاع مقدس همراه کند. جاهایی که شاید تا کنون در موردشان اهمیت آنها اطلاعی نداشته باشید

معرفی
یادمان‌های راهیان نور
غرب و شمال غرب
که کمتر دیده
شده‌اند

کرمانشاه

ایلام

▶ **یادمان شهدای پاه**

این یادمان در مرکز شهر پاه و در ۱۱۲ کیلومتری شهر کرمانشاه قرار دارد.



▶ **یادمان مطلع الفجر**

این یادمان در غرب جاده‌ی گیلانغرب-سرپل ذهاب و در کیلومتر ۱۳ شمال غرب گیلانغرب واقع است.



▶ **یادمان شهدای گمنام گیلانغرب**

این یادمان در ورودی شهر گیلانغرب و در کنار میدان مقاومت واقع شده است.



▶ **یادمان شهید شیرودی**

این یادمان در شمال غربی شهر سرپل ذهاب قرار دارد و محل شهادت شهید شیرودی است.



▶ **یادمان عملیات مرصاد**

تنگه‌ی چهارزیر در ۳۵ کیلومتری غرب کرمانشاه و در جاده‌ی اصلی اسلام‌آباد معروف به راه کربلا قرار دارد.



▶ **یادمان شهدای سومار**

این یادمان در ۹۷ کیلومتری جنوب شهر قصر شیرین قرار دارد.



▶ **یادمان قلاویزان**

این یادمان در ۱۵ کیلومتری شهر مهران قرار دارد.



آذربایجان
غربی

▶ **یادمان شهدای تمرچین**

این یادمان در ۱۲ کیلومتری شهر پیرانشهر واقع شده است.



▶ **یادمان شهید محمدپروجرودی**

این یادمان در جاده‌ی مهاباد به نقده قرار دارد.



▶ **یادمان شهدای بلفت و دیوازا**

این یادمان را می‌توانید در ۱۵ کیلومتری غرب شهر سردشت زیارت کنید.





یادمان شهدای زریوار
این یادمان در سه کیلومتری شهر مریوان و در حاشیه‌ی دریاچه‌ی زریوار قرار گرفته است.



یادمان شهدای والفجر
این یادمان در ۲۲ کیلومتری شمال غرب شهر مریوان قرار دارد.



یادمان شهدای والفجر ۱۰
این یادمان در ۳۵ کیلومتری مریوان قرار دارد.



یادمان شهدای دزلی
این یادمان در روستای دزلی در فاصله‌ی ۲۹ کیلومتری شهر سروآباد و یکی از روستاهای همین شهر است.



یادمان شهدای بوانحسن
این یادمان در ۲۷ کیلومتری غرب شهر بانه قرار دارد.



یادمان شهدای غریب سیران
این یادمان در ۲۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر بانه قرار دارد.



یادمان تپه‌الله اکبر
این تپه از نقاط استراتژیک دفاع مقدس واقع در سنندج است.



یادمان شهدای باشگاه افسران
این یادمان در مرکز شهر سنندج قرار دارد.





سردار شهید «محسن وزوایی» نامش پرآوازه است در کتاب حماسه آفرینی های جنگ تحمیلی. فرماندهی جوانی که داستان جنگاوری هایش بیشتر به افسانه می ماند. کسانی که دلاوری های او را به چشم دیده اند کم نیستند و می گویند که در جسارت و بی باکی نظیر نداشته است. این را هم می گویند که در هر عملیاتی شجاعانه به قلب دشمن می زد، با سلاح ایمان و توکل هر کار نشدی را به سرانجام می رساند. از پایان جنگ سال های زیادی می گذرد اما ماجرای فتح الفتوحات او هنوز نقل محافل دوستانه است؛ فتح ارتفاعات بازی دراز، فتح المبین و برغازه. برای همین هم لقب ققنوس فاتح را به او داده اند. دکتر «عبدالرضا وزوایی» برادر کوچک تر شهید محسن داستان زندگی او را برای ما روایت می کند.

سخنگوی پیرو خط امام

شهید محسن وزوایی فرزند ششم خانواده بود؛ باهوش و پرتلاش. نبوغ زیادی هم داشت. در درس اعجوبه های بود برای خودش. سال ۵۷ رشته ی شیمی دانشگاه صنعتی شریف قبول شد؛ چند ماه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به او پیشنهاد دادند که می تواند تحصیلاتش را در خارج از کشور ادامه دهد اما شهید وزوایی رغبتی به این موضوع نشان نداد و ترجیح داد پشت صندلی های دانشگاه میهن خودش درس بخواند. دکتر وزوایی توضیح می دهد: «محسن در تقوا و پرهیزگاری زبازد فامیل و دوست و آشنا بود. علاقه ی زیادی به قرآن داشت و شاید به سبب روش تربیتی بود که داشتیم. مادرم از همان جوانی اش جلسه ی قرآن داشت. هر ماه روضه ی خانگی برگزار می کرد. پدرم هم اهل کمال بود. خیلی مذهبی بودند؛ مذهبی روشنفکر. تاکید زیادی به درس خواندن ما داشتند. بعد از پیروزی انقلاب، محسن داوطلبانه به عنوان نیروی جهادی به مناطق محروم می رفت و خدمت رسانی می کرد. گاه می شد که دو ماه او را نمی دیدیم. تا این که وضعی لانه جاسوسی اتفاق افتاد. برادرم به سبب تسلطی که به زبان انگلیسی داشت سخنگوی پیرو خط امام شد. بعد از شکل گیری نیروی سپاه هم عضو آن شد و به عنوان مسئول مخابرات سپاه فعالیتش را آغاز کرد. تا سال ۵۹ که جنگ تحمیلی شروع شد او عزم جهاد کرد و راهی جبهه شد»

روایت برادر شهید وزوایی از فرماندهی جوانی که لقب ققنوس فاتح را از آن خود کرد

دلاور ارتفاعات بازی دراز

عیسی محمدی |





قهرمان بر غازه

بعد از عملیات بازی دراز محسن از سوی مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، به‌عنوان فرماندهی تیپ ۱۰ سیدالشهدا انتخاب می‌شود. قرار هم بر این بوده که در عملیات فتح‌المبین توپخانه‌ی دشمن را منهدم کنند. دکتر وزوایی می‌گوید: «عملیات فتح‌المبین دوم اردیبهشت سال ۶۱ اتفاق می‌افتد. ۸۰۰ داوطلب شهادت آماده‌ی رزم می‌شوند تا توپخانه‌ی دشمن را از بین ببرند. اما محسن از زیرک‌اش استفاده می‌کند تا تعداد کمتری از بچه‌ها آسیب ببینند. در عملیات فتح‌المبین یک نفر راوی کنار دست محسن می‌گذارد تا جنگ را روایت کند و او برای ما تعریف کرد محسن از چوپانی راه بلد کمک می‌گیرد تا مسیر را نشان دهد. چوپان می‌رود و ۸۰۰ نفر هم دنبال او. برای این که صدایی ایجاد نشود محسن مقداری موکت را باریک بریده تا بچه‌ها زیر پا بیندازد و از روی آن رد شوند. در مسیر منوری شلیک می‌شود و چوپان از شدت ترس فرار می‌کند و ۸۰۰ رزمنده در بیابان سرگردان می‌مانند. تصور کنید اگر آفتاب طلوع می‌کرد عراقی‌ها همه‌ی بچه‌ها را به رگبار می‌پستند. آقا محسن ما هم دست به دامن خدا می‌شود و به نماز می‌ایستد. بعد از دعا به نفر آخر می‌گوید ۱۸۰ درجه برگردد و باقی هم پشت سر او بروند. راوی می‌گفت ما آیه وجعلنا می‌خواندیم. از دل عراقی‌ها رد شدیم و به توپخانه رسیدیم. وقتی بالای سر آن‌ها رسیدیم، فکر می‌کردند از خودشان هستیم و با آن‌ها شوخی می‌کنیم» محسن به مقر فرماندهی بیسیم می‌زند که توپخانه را گرفتند و آمادگی دارند جلوتر بروند. کم‌کم پیشروی می‌کنند تا به ارتفاعات برغازه می‌رسند؛ یعنی ۵۸ کیلومتر داخل خاک عراق. دکتر وزوایی تعریف می‌کند: «وقتی محسن به شهید صیاد می‌گوید که ارتفاعات برغازه را گرفتند، او باورش نمی‌شود و به محسن رضایی می‌گوید باید از نزدیک آن‌جا را ببینیم. وقتی به آن‌جا می‌رسند می‌بینند که حق با آقا محسن بوده است.»



فاتح ارتفاعات بازی دراز

شهید وزوایی در عملیات‌های زیادی شرکت کرد اما باز پس‌گیری ارتفاعات بازی‌دراز یکی از فتوحاتی است که نامش را برای همیشه جاودانه کرده است. موقعیت ارتفاعات بازی‌دراز را فقط فرماندهان کارکشته می‌دانند. چه کسی باور می‌کند این ارتفاعات را فرماندهی جوانی که تازه مرز بیست سالگی را پشت سر گذاشته، فتح کند. دکتر وزوایی در این مورد برایمان تعریف می‌کند: «ارتفاعات بازی‌دراز مرز بین ایران و عراق است و موقعیت استراتژیک بسیار مهمی دارد. عراق ۵۰۰۰ نیرو با توپخانه و تانک آن‌جا مستقر می‌کند. این در حالی است که نیروهای ایرانی ۳۷۰ نفر هستند! کسانی که از عملیات فتح‌بازی‌دراز جان سالم به در بردند تعریف کردند که وضعیت بدی بود. باران می‌بارید، رزمنده‌ها فقط جیره‌ی جنگی داشتند. عملیات چند روز طول کشید و خیلی‌ها هم شهید شدند. از ۳۷۰ نفر فقط شش نفر مانده بودند. محسن در همان حال خستگی و جراحت گفت که می‌خواهم عیدی‌ام را به امام تکمیل کنم و قلعه‌ی سوم را بگیرم. این شش نفر به‌سختی خود را به بالای قلعه‌ی سوم رساندند. از محسن خون زیادی رفته و به حال اغما افتاده بود. یک آن چشمش را باز کرد و ۳۰۰ عراقی را دید که دارند خودشان را به بالای کوه می‌رانند. هر چه در توان داشت به کار گرفت و به یکی از رزمنده‌ها که عربی می‌دانست گفت بگو اسلحه‌شان را زمین بیندازند و دست‌هایشان را پشت سر بگذارند. بار دوم با حالتی فریاد گونه گفت: همان‌که گفتم بگو...»



لذت دیدار امام

فریاد طنین‌انداز شهید وزوایی کار خودش را می‌کند. انگار به مدد امداد غیبی دل خوش باشد. با فریاد او، عراقی‌ها دستشان را پشت سر گذاشته و به دستور محسن از کوه پایین می‌روند و خودشان را به پادگان ابوزر که پایین کوه بوده می‌رسانند و بی‌آن‌که کسی راهنمایی‌شان کند، می‌گویند اسیر عراقی هستند. دکتر وزوایی تعریف می‌کند: «همین حماسه‌آفرینی وسیله‌ای می‌شود تا به دیدار امام در جماران بروم. محسن همیشه می‌گفت دیدن امام بهترین خاطره‌ی زندگی من است.»



سقوط به میدان مین

بعد از مدتی عملیات بازی‌دراز ۲ اتفاق می‌افتد و در همین عملیات است که محسن به‌شدت مجروح می‌شود. به‌طوری‌که کسی امید به زنده ماندنش ندارد. به گفته‌ی برادر، در حین عملیات، تیری به‌سوی محسن شلیک می‌شود و او از بالای صخره داخل میدان مین می‌افتد. رزمنده‌ها چون در تیررس بودند، شبانه برای آوردنش اقدام می‌کنند اما با پیکر متلاشی شده‌ی او مواجه می‌شوند. محسن را داخل پتو می‌گذارند تا به عقب برگردانند اما صدای خرخری می‌شنوند و متوجه می‌شوند او زنده است. محسن را به تهران می‌رسانند تا تحت درمان قرار گیرد. باقی ماجرا را از زبان برادرش می‌شنویم: «وضعیت بدی داشت. پوست بدنش آویزان شده بود. داخل حنجره‌اش سوراخ شده بود. تا مدت‌ها با سرم تغذیه می‌کرد. نمی‌توانست حرف بزند و خواسته‌اش را می‌نوشت. آن‌هم با دست چپ. خیلی اذیت شد اما به‌طور معجزه‌آسایی سلامت‌اش را به دست آورد. شاید باور تان نشود اما گوشت بدنش را وصله‌پینه کرده بودند. کمی که بهبود پیدا کرد، عازم جبهه شد و در عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس شرکت کرد.»

اکسیر معجزه گر دلها

خدای بزرگ را سپاس میگویم که امسال نیز سعادت حج‌گزاری را به خیل انبوه مؤمنان از سراسر جهان عطا فرمود تا از این سرچشمه‌ی گوارا و فیاض برخوردار شوند و در روزها و شبهایی که ساعات مغتنم و مبارکش، همچون اکسیری معجزه‌گر میتوانند دلها را منقلب و جانها را پاکیزه و مزین سازد، در مجاورت خانه‌ی با عظمت خداوند و مواقیت عبادت و خشوع و ذکر و تقرب باشند.

۱۴۰۲/۰۶/۰۷ ربه‌الانقلاب

KHAMENEI.IR





اعمال ماه ذی القعدة

این ماه از ماه‌های حرام است که به اجابت دعا و آمرزش شهرت دارد. پیامبر اکرم (ص) درباره‌ی اعمال این ماه فرموده: «در روز یکشنبه‌ی این ماه غسل کنید و وضو بگیرید و چهار رکعت نماز بخوانید. در هر رکعت یکبار سوره‌ی حمد، سه بار سوره‌ی اخلاص و یکبار سوره‌های فلق و ناس را بخوانید. پس از تمام شدن نماز ۷۰ مرتبه استغفار کنید و سپس بگویید: لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم سپس این دعا را بخوانید: یا غَیْزُ یا غَفَّارُ اغْفِرْ لی ذُنُوبی وَ ذُنُوبَ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فَانَّه لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الاَّ اَنْتَ. کسی که این اعمال را بجا آورد، از جانب آسمان به او ندا می‌رسد: ای بنده‌ی خدا! توبه‌ات پذیرفته و گناهانت بخشیده شد. کردارت را از سر بگیر».



زیارت از راه دور یا نزدیک در میلاد حضرت معصومه (ع) ثواب زیادی دارد. امام کاظم (ع) فرموده: «فرزندان من در قم قبری وجود دارد (فاطمه معصومه). اگر کسی با معرفت به شأنش او را زیارت کند بهشت برای اوست».



زیارت امام رضا (ع) بهترین عمل در روز ولادت خورشید خراسان می‌تواند باشد اما اگر محقق نشد، می‌توان با خواندن زیارت اول امام طبق آدابی که در «مفتاح‌الجنان» آمده این روز نورانی را گرامی داشت. در شب میلاد آن حضرت نیز تلاوت دعای جامع‌ه صغیره توصیه شده.



اعمال نیمه‌ی ماه ذی‌القعدة به عبادت شبانه‌ی آن است این شب از بر فضیلت‌ترین شب‌ها است. از پیامبر گرامی اسلام (ص) روایت شده: «خوانند در این شب بار رحمت به بندگانش نگاه می‌کند». برای همین در اعمال این شب آمده: «برای نماز از خواب برخیزید که اجر ۱۰۰ روزهدار را برای مومن دارد».



۲۳ ذی‌القعدة به نام روز زیارتی مخصوص امام رضا (ع) مشهور است چراکه بنابر نقلی امام هشتم در چنین روزی در سال ۲۰۳ هجری به شهادت رسید. به گفته‌ی سید بن طاووس در این روز می‌توان از راه دور و نزدیک با خواندن زیارت نامه‌ی های معروف امام رضا (ع) را زیارت کرد و زائر او شد.



اعمال ماه ذی الحجة

این ماه یکی از بر فضیلت‌های ماه‌های سال به شمار می‌آید. اتفاقات این ماه آن قدر بزرگ است که با آن‌ها تاریخ می‌سازند. عید قربان، عید غدیر، روز عرفه، ولادت امام هادی (ع)، روز مباهله، روز خاتم‌بخشی امیرالمومنین (ع) و نزول سوره‌ی «هل اتی» بهترین‌هایی چیزهایی است که هنوز می‌توان براساس آن‌ها استغفار کرد و بخشیده شد و روحی پاک به دست آورد. رسول اکرم (ص) فرموده: «زرد خداوند روزهایی پاک‌تر از دهه‌ی اول ذی‌الحجه نیست». در این دهه اعمال مشترکی وجود دارد. از جمله روزه گرفتن که روایت است ثواب روزه‌ی همه‌ی عمر را دارد. همچنین نماز مخصوص که بین نماز مغرب و عشا در همه‌ی شب‌های اول ادا می‌شود.



شیخ عباس قمی می‌گوید: «روز عرفه از اعیاد عظیمه است. اگرچه عید نامیده نشده اما روزی است که حق تعالی بندگان خود را به عبادت و اطاعت خویش خوانده و مؤلف جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده». هر چند صحرای عرفات و کربلا بهترین مکان برای دعا و استغفارند اما افرادی که آن‌جا نیستند مستحب است ابتدا غسل کنند و بعد زیر هر آسمانی بایستند و به گناهان اعتراف و طلب آمرزش کنند. بعد هم دعای عرفه را بخوانند. همچنین خواندن زیارت امام حسین (ع) در این روز که همزمان با حرکت آن حضرت به سوی کربلاست فضیلتی دوچندان دارد.



اعمال روز عید قربان تنها به سنت حسنه‌ی قربانی کردن و تقسیم گوشت آن بین افراد مستحق ختم نمی‌شود. غسل در بزرگ‌ترین عید مسلمانان آن قدر اهمیت دارد که برخی علما آن را واجب دانسته‌اند. همچنین نماز عید که همانند نماز عید فطر است از اعمال مستحبی به شمار می‌آید و خواندن دُعاهای پیش از نماز عید از جمله دعای ندبه و دُعاهای ۴۶ و ۴۸ صحیفه‌ی سجاده سفارش شده.



آداب و اعمال زیادی برای روز عید غدیر بیان شده که انجام دادن آن‌ها فضیلت محسوب می‌شود. پوشیدن لباس نو، نظافت خانه، اطعام و نیکی و نشان دادن روی خوش به مومنین از جمله اعمال این روز بزرگ است که می‌توان آن را یک سنت شمرد اما غیر از آن دیدار سادات بین ایرانیان و عقد اخوت بستن برای همدلی و دستگیری از یکدیگر در آخرت از جمله اعمال مبارک غدیر است.

یک رویداد مهم و تاریخی

گلستان شدن آتش بر ابراهیم (ع)

یکی از مهم‌ترین معجزات در تاریخ بشر در ماه ذی‌القعدة رخ داده است. معجزه‌ای که در بیشتر کتب آسمانی به آن اشاره شده. در این ماه بود که حضرت ابراهیم (ع) وقتی خود را در برابر آتش نمود و دید فقط خدا را در صدا زد و خواست نجات یابد و باشد. او با این کار خود را توکل و اعتماد به خدا را به ما نشان داد. «توکل علی الله» ذکر می‌بود که ابراهیم خلیل الله وقتی آن را خواند دیگر نه ترسی داشت و نه نگرانی.

یک رویداد مهم و تاریخی

ساخت کعبه، قبله مسلمانان جهان

روایت است که خله کعبه در ماه ذی‌الحجه بنا شده. این خله را ابتدا ملائکه بنیان نهادند و بعد حضرت آدم (ع) و سپس حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) آن را بازسازی کردند اما فرقی نمی‌کند کعبه به دست کدام پیامبر و در چه زمانی بنا شده باشد. مهم این است که کعبه برای هدایت بشر، عبودیت حضرت حق قبله‌ی نماز، یادآوری اطاعت خدا و ایجاد مرکزی مقدس ساخته شده.



این روز را عید بگیرید

امام رضا (علیه السلام) در خصوص عید گرفتن در روز غدیر فرموده: «هر کس روز عید غدیر به روی برادر دینی اش تبسم کند، خدا در قیامت با مهربانی به او نظر می کند و هزار حاجت او را برآورده می سازد و در بهشت برای او قصری از در سفید بنا کنند و چهره اش را زیبا و درخشان و خرم گردانند».

عقد اخوت ببندید

نخستین عقد اخوت میان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) در روز غدیر بسته شد. بعد از آن بود که دیگر عقد اخوت یا همان پیمان برادری از سنت های حسنه ای اسلام قرار گرفت و تاکید زیادی بر آن شد.

روزه بگیرید

روایت است فردی از امام صادق (علیه السلام) پرسید در روز عید غدیر چه باید کرد؟ آن حضرت فرمود: «روزه بگیر، زیاد صلوات بفرست و از ستمگران و منکران اهل بیت یبزاری بجو».

آشنایی با برخی از آداب روز عید غدیر که انجام آن ها ثواب بسیاری دارد

ولایت حیدر

”محمود رضا درخشانی |





به دیگران نیکی کنید

شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی هر سه با سند از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند: «عمل نیک روز غدیر برابر با عبادت ۸۰ ماه است». در روایت دیگری آمده: «کسی که پس از خوردن و آشامیدن برادران دینی را اطعام کند، اظهار سرور می‌کند و به برادران مومن خود احسان بسیار کرده و نیازهای آنان را به قصد تعظیم و تکریم عید غدیر و برای مخالفت با کسانی که در غدیر اظهار غم و اندوه می‌کنند برآورده می‌سازد. خداوند غم و اندوه او را برطرف فرماید».



خانواده‌ها دور هم جمع شوند

روایت شده حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) روز عید غدیر جمعی از خواص را برای افطار نگذاشت و برای خانواده‌ی آن‌ها غذا، انواع هدیه و صله، لباس، انگشتر و کفش فرستاد. سر و وضع همه‌ی اطرافیان به دستور آن حضرت عوض شد و اسباب و آلات منزلشان تغییر کرد.



اطعام دهید

در میان آدل و رسوم‌ی که در روز غدیر وجود دارد و اسلام هم تأکید ویژه‌ای بر آن‌ها کرده، فرهنگ اطعام دادن بیشتر در میان مردم جا افتاده چرا که این روز در اسلام به نام «یوم اطعام الطعام» نامگذاری شده. امام صادق (علیه السلام) فرموده: «هر کس مومنی را در عید غدیر افطار دهد، مانند کسی است که به فئلمی، فئلمی، فئلمی و همین‌طور تا ۱۰ بار شمرده افطار داده». پرسیند فئلم چیست؟ که آن حضرت فرمود: «فئلم ۱۰۰ هزار نفر است و برای او ثواب کسی است که به تعداد آن‌ها از انبیا را در روز قحطی اطعام کرده».



با اهل ایمان دیدار کنید

بسیاری از مایاد گرفته‌ایم روز عید غدیر باید به دیدار سادات برویم. درست است که تبریک این عید به سادات به دلیل نسبتی که با امیرالمومنین (علیه السلام) دارند از رسوم زیبای این روز به شمار می‌آید اما در کنار آن، دیدار اهل ایمان هرچند از سادات نباشند ثواب و پاداش بزرگی خواهد داشت.



برپایی نماز غدیر

درباره‌ی ارزش و اهمیت نماز عید غدیر روایت‌های زیادی نقل شده. امام صادق (علیه السلام) در کتاب «بحار الانوار» فرموده: «هر کس این نماز و دعای بعد از آن را بخواند مانند کسی است که در آن روز حاضر شده و با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر ولایت پیمان بسته و درجه‌ی او با صادقین است. کسی که با خدا و رسولش در پذیرش ولایت مولا علی در آن روز صداقت ورزیده مانند کسی است که با پیامبر، امیرالمومنین و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) شهید شده و تحت پرچم حضرت قائم (علیه السلام) و در خیمه‌ی آن حضرت از نجبا و نقباست». نماز روز عید غدیر مانند نماز صبح دو رکعت است؛ به این صورت که نیم‌ساعت قبل از ظهر دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت بعد از حمد، سوره‌های توحید، قدر و آیه‌الکرسی ۱۰ بار خوانده شوند». در کتاب‌های «الغدیر» و «المراقبات» درباره‌ی اقامه‌ی نماز غدیر در مسجد هم سفارش شده. علامه امینی و میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب‌های خود از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده‌اند: «نماز عید غدیر در مسجد مستحب است».



تعداد اسرای جنگ تحمیلی

۴۴۸۶۳

نفر



۶۸۸۳۰

نفر



سختی‌ها و محنت‌هایی که اسرای ایرانی
به جان خریدند تا ما در آرامش روزگار بگذرانیم

رسم آزادیگی

وضعیت غذایی اسرای ایرانی

سهمیه‌ی غذای
هر نفرسهمیه‌ی ناهار و نهار
هفت قاشق غذا

شام

در بعضی
اردوگاه‌ها از شام
خبری نبود.فقط دو وعده
صبحانه و ناهار

صبحانه

بیشتر سویی بود
به نام «شوربا»
که فقط آب و
عدس داشت.

از غذاهایی مانند پنیر، کره، تخم‌مرغ و ... خبری نبود.

اصطلاحات اردوگاهی

«کشتارگاه»

نام دیگری که اسرا به اردوگاه ۱۶ تک‌ریت می‌گفتند

«آمیول ضد عاشورا»: آمیولی که در محرم تحت عنوان واکسن به اسرا زده می‌شد تا بی‌حال شوند و عزاداری نکنند.

«هوا ابری است»: اصطلاح رمزی بود برای مطلع ساختن دیگران از وجود افراد ستون پنجم در آسایشگاه.

«یوم الورد»: به اولین روز ورود اسرا به اردوگاه گفته می‌شد که از ایام به یادماندنی برای هر شخص بود.

«آب و علف»: غذایی تحت عنوان «قورمه‌سبزی» که عراقی‌ها به اسرا می‌دادند و فقط آب و سبزی بود.

«کمد پذیرایی»: کمدی که در آن لوازم شکنجه وجود داشت. عراقی‌ها از اسرا می‌خواستند یکی را انتخاب کنند.

«هوشنگ‌خان»: وقتی می‌خواستند درباری صدام صحبت کنند از نام «هوشنگ‌خان» استفاده می‌کردند.

وسایل زندگی اسرا در اردوگاه‌ها

۱

جفت
دمپایی

۱

عدد
کیسه

۲

عدد
پتو

۱

دست
لباس زرد

۱

جفت
لباس زیر

۱

جفت
جورابوسایلی که
در اختیار
اسرا نبود

وسایلی مانند کولر، یخچال،
تلویزیون، و توالت درون
آسایشگاه، آب لوله‌کشی و
وسایل گرمایشی و سرمایشی مورد
نیاز به هیچ وجه موجود نبود.



وسایلی که
در اختیار
اسرا نبود



استان نینوا

استان نینوا به مرکزیت موصل هم‌مرز با سوریه است که چهار اردوگاه در آنجا بود؛ اردوگاه موصل یک، دو، سه و چهار که موصل سه کوچکترین و موصل یک بزرگترین بودند. تعداد آسایشگاه‌های کل این اردوگاه‌ها ۶۲ و تعداد نفرات هر آسایشگاه از ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر بودند.



استان صلاح‌الدین

در اردوگاه‌های استان صلاح‌الدین به مرکزیت شهر تکریت تقریباً از همه‌ی ادیان و مذاهب موجود در ایران میان اسرا وجود داشت. بیشترین دوران اسارت مربوط به دو نفر به نام‌های سرلشکر خلبان شهید حسین لشگری و محمد دیات به‌مدت بیش از ۱۸ سال بود و کمترین دوره‌ی اسارت ۲۴ ماه بود. گرچه استثنائاتی به‌صورت یک‌ساله هم دیده می‌شد.

استان الانبار

استان الانبار به مرکزیت شهر رمادی، در مرز اردن و سوریه قرار دارد که تعداد ۱۶ اردوگاه در این استان مستقر بود؛ آن هم در پادگان ۱۴ رمضان ارتش عراق که یکی از بزرگترین پادگان‌های خاورمیانه است. اولین اردوگاه در این پادگان به نام رمادی ۱ در سال اول جنگ ایجاد شد. این اردوگاه از ۲۰ بند تشکیل شده بود. هر بند هشت آسایشگاه داشت که در زمان‌های مختلف تعداد نفرات هر آسایشگاه از ۵۰ نفر تا ۸۰ نفر تغییر می‌کرد.



انواع شکنجه‌ها برای اسرا

نقض قوانین بین‌المللی

بنابر اعلام صلیب سرخ طی بازدید از اردوگاه‌های اسیران ایرانی

شواهد بسیاری از خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها در بین اسرا مشاهده شده بود.

تعدادی از اسرا به واسطه‌ی شکنجه بینایی و شنوایی خود را از دست داده‌اند.





ملاصدرا هفت بار پای پیاده به حج رفت

فیلسوف شیعه

منبع: سایت جماران - طرح: علیرضا باقری

پس از پیروزی انقلاب، محمد حسنین هیکل روزنامه‌نگار نامدار مصری در مصاحبه‌ای از امام خمینی رحمه‌الله پرسید: «چه شخصیت یا شخصیت‌هایی در تاریخ اسلامی یا غیراسلامی غیر از رسول اکرم و امام علی شما را تحت تأثیر قرار داده و روی شما موثر بوده و چه کتاب‌هایی به جز قرآن در شما اثر گذاشته‌اند؟» امام در پاسخ گفت: «من نمی‌توانم به این سوال الان جواب بدهم. احتیاج به تأمل دارد. کتاب‌های زیادی ما داریم. شاید بتوان گفت در فلسفه ملاصدرا، از کتب اخبار کافی و از فقه جواهر علوم اسلامی ما خیلی غنی هستند. خیلی کتب داریم. نمی‌توانم برای شما احصا کنم.» نام کامل اولین کسی که امام از او نام برده، صدرالدین محمد بن ابراهیم قوام شیرازی است؛ مردی که او را با القاب «ملاصدرا» و «صدرالمتألهین» می‌شناسند و اندیشه و کارهای او را تلفیقی از هزار سال تفکر و اندیشه‌ی اسلامی پیش از زمان خودش می‌دانند. مردی که حکیم، عارف، محدث و مفسر بزرگ شیعه و اسلام بود.

ملاصدرا یک آقا زاده بود

پدر ملاصدرا، خواجه ابراهیم قوام یک سیاستمدار دانشمند و مومن بود. او ثروت و عزت و مقام داشت اما هیچ فرزندی نداشت تا اینکه سرانجام با دعای فراوان به درگاه خداوند در سال ۹۷۹ هجری صاحب پسری شد و اسمش را محمد گذاشت؛ فرزندی که او را «صدرا» صدا می‌کردند و سال‌ها بعد وقتی دانشمند بزرگی شد به «ملا» هم ملقب شد تا نام «ملاصدرا» مشهورتر شود. صدرا تنها فرزند وزیر حاکم منطقه‌ی وسیع فارس بود و به خاطر همین زندگی اشرافی داشت. در آن روزگار فرزندان اشراف در قصر خود و به وسیله‌ی معلم‌های خصوصی آموزش می‌دیدند. صدرا هم که پسری باهوش، جدی، درس‌خوان و کنج‌کاو بود در مدت کوتاهی همه‌ی دروس مربوط به ادبیات زبان فارسی و عربی و هنر خوشنویسی را یاد گرفت. به اینها دروس و فنون دیگری مثل سوارکاری، شکار، فنون رزمی، ریاضیات، نجوم و قدری هم پزشکی را اضافه کنید. او قبل از سن بلوغ دروس دیگر مثل فقه و حقوق اسلامی و منطق و فلسفه را یاد گرفت و کم‌کم علاقه‌اش به فلسفه و عرفان را نشان داد.





صدرا در آثار هنرمندان

سال ۱۳۷۸ مجموعه تلویزیونی «روشن تر از خاموشی» به کارگردانی حسن فتحی درباره زندگی ملاصدرا و شاه عباس صفوی ساخته شد. حسین یاری در آن در نقش بزرگسالی ملاصدرا بازی می کرد. نادر ابراهیمی نیز کتابی با عنوان «مردی در تبعید ابدی» درباره زندگی ملاصدرا از آغاز تا تبعید به رشته تحریر درآورد.



شاگرد میرداماد

بخشی از این آموزش ها در شیراز بود و بیشتر آن یعنی از شش سالگی به بعد در قزوین. چون قزوین در آن روزگار پایتخت بود و به خاطر مرگ شاه که برادر حاکم فارس بود خانواده ملاصدرا به پایتخت مهاجرت کردند. سفر به قزوین برای ملاصدرا یک امتیاز خیلی ویژه و بزرگ داشت؛ آشنایی با دو دانشمند و نابغه بزرگ یعنی شیخ بهایی و میرداماد. ملاصدرا به کلاس های درس آنها رفت و در مدت کوتاهی از بزرگ ترین شاگردان آنها شد. شیخ بهایی نه تنها در علوم اسلامی به ویژه در فقه و حدیث و تفسیر و کلام و عرفان متخصص بود بلکه در نجوم، ریاضیات نظری، مهندسی، معماری، پزشکی و برخی از علوم مرموز هم استاد بود. در سوی دیگر میرداماد از همه دانش های روزگار خودش باخبر بود و حوزه های درس او به فقه و حدیث و بیشتر به فلسفه اختصاص داشت. او در دو شاخه مشایب و اشراقی فلسفه اسلامی ممتاز و سرآمد بود و خودش را هم پایه ای ابن سینا و فارابی می دانست. به خاطر همین ملاصدرا بیشترین بهره ی خودش در فلسفه و عرفان را از میرداماد گرفت.



بازگشت به شیراز

در آن سال ها پایتخت صفویه از قزوین به اصفهان منتقل شد. به خاطر همین شیخ بهایی و میرداماد همراه شاگردان خود به این شهر آمدند و بساط تدریس خودشان را در آنجا پهن کردند. ملاصدرا که در آن زمان ۲۶ یا ۲۷ ساله بود از تحصیل بی نیاز شده و به فکر پیدا کردن مبنای جدیدی در فلسفه بود و می خواست مکتب معروف خودش را پایه گذاری کند. از این سال های ملاصدرا اطلاع دقیقی در دست نیست. درواقع معلوم نیست او تا چه سالی در اصفهان بوده و پس از آن به کجا رفته. به نظر می رسد او پیش از سال ۱۰۱۰ هجری از اصفهان مهاجرت کرده و به شهر خودش شیراز بازگشته و ثروت و املاک پدری زیادی در شیراز داشت که ممکن است یکی از دلایل بازگشت او به شیراز اداری آنها بوده می گویند. ملاصدرا در این سال ها به واسطه دانش فلسفه، آراء جدیدی را پایه گذاری کرد و در شیراز کلاس درس داشت. به خاطر همین پیشرفت ها رقبای او که مانند بسیاری از فیلسوفان و متکلمان از فلاسفه پیش از خودشان تقلید می کردند از روی حسادت، بنای بد رفتاری با او را گذاشتند و آراء جدید ملاصدرا را به سرخره گرفتند و به او توهین کردند.



قهر و سفر به قم

این رفتارها و فشارها با روح لطیف ملاصدرا سازگار نبود و از طرفی ایمان و دین و تقوای او اجازه ی عمل متقابل را نمی داد. در تاریخ آورده اند به خاطر همین رفتارها ملاصدرا از شیراز به صورت قهر بیرون آمد و به قم رفت که در آن روزگار

هنوز مرکز مهم علمی و فلسفی نشده بود. او در قم هم نماند و به خاطر گرما و بدی آب و هوا به روستایی به نام کُهِک نزدیک قم رفت که آثار خانه ی اشراقی او در آن هنوز باقی است. افسردگی و شکست روحی ملاصدرا باعث شد مدتی درس و بحث را رها کند و همان گونه که خودش در مقدمه ی کتاب «سفر» نوشته، عمر خودش را به عبادت و ریاضت بگذراند و مراحل معنوی عرفانی را با شتاب بیشتری طی کند و به بالاترین درجات معنویت برسد.



دوران طلایی ملاصدرا

دوران سکوت و انزوا ی او حدود پنج سال طول کشید و بعد سکوتش را شکست و قلم به دست گرفت و چند کتاب از جمله دایره المعارف فلسفی خودش به نام «سفر» را نوشت. او تا حدود سال ۱۰۴۰ هجری به شیراز بازنگشت و در قم ماند و در آن شهر حوزه ی فلسفی به وجود آورد و شاگردان زیادی را پرورش داد. در تمام این مدت هم به نوشتن کتاب های معروف خودش مشغول بود یا رساله هایی در پاسخ به فلاسفه ی هم زمان خود می نوشت. دو تن از شاگردان معروف او فیاض لاهیجی و فیض کاشانی هستند که هر دو داماد ملاصدرا شدند و مکتب او را ترویج دادند. ملاصدرا در سال ۱۰۴۰ هجری به شیراز بازگشت. می گویند این بازگشت به خاطر دعوت حاکم استان فارس (اللهوردی خان) بوده. چون مدرسه ای را که پدرش امام قلی خان بنا کرده بود تکمیل و آن را برای تدریس فلسفه آماده کرد و با سابقه ی ارادتی که به ملاصدرا داشت، او را برای اداره ی علمی آن به شیراز دعوت کرد.



فرزندان و شاگردان

تاریخ ازدواج ملاصدرا به طور دقیق روشن نیست اما احتمالاً در ۴۰ سالگی ازدواج کرده و دو پسر به نام های ام کلثوم، ابراهیم، زبیده، نظام الدین احمد و معصومه داشت که دانشمندان زمان خود بودند.



حاجی نجف

زندگی ملاصدرا پر از سفر بوده. درباره ی او نوشته اند هفت سفر به مکه و مدینه داشته. در این سفرها که به صورت کاروان های بزرگ حاجیان انجام می شد، عده ای از گرما و تشنگی و خستگی در راه می مردند. از قرار معلوم ملاصدرا برای اینکه این گونه ریاضت ها را در کنار دیگر ریاضت هایش انجام داده باشد هفت بار قدم در این راه گذاشت و سرانجام در سفر هفتم بر سر راه خود به مکه و زیارت کعبه در بصره بیمار شد و همان جا درگذشت. بنابر سنت شیعیان جنازه ی او را به نجف بردند و بنابر گفته ی نوهای علامه علم الهدی او را در سمت چپ صحن حرم امیرالمومنین (علیه السلام) به خاک سپردند.



سید حمید رضا برقعی متولد سال

۱۳۶۲ در قم است. دو سال طلبگی



خواننده و بعد وارد دانشگاه شده و در رشته ادبیات تحصیل کرده. وی در قالبهای مختلف شعری به هنرنمایی پرداخته و در غزل سرایی طبعی روان و قریحه‌ای سیال دارد. برقعی در خوانش شعر نیز از توانایی بالایی برخوردار بوده و در بین شاعران جوان شناخته شده است. او در چند کنگره شعر مقام اول را کسب کرده و مدتی هم دبیر انجمن شعر قم بوده. سابقه همکاری با موسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی در زمینه شرکت در چندین شب شعر از جمله «ملکوت هشتم»، «برکه نور»، «از نیزه تا قلم» و... را نیز دارد. ۱۵ یا ۱۶ ساله بوده که اولین شعرهایش را سروده. ولی به قول خودش آن‌طور که باید جدی نبود. پدر بزرگش شاعر بوده و این خود نشانه‌ای محسوب می‌شد برای سید حمید رضا. اولین بار وقتی که کتاب‌های سهراب سپهری را در دست خواهرش دیده، کنجکاو شده آن‌ها را بخواند، اما به قول خودش از وقتی که یادش می‌آید قیصر امین‌پور را همیشه دوست داشته. گفتگو با این شاعر آیینی را پیش رو دارید.

۴ شعر گفتن از چه زمانی برایتان جدی شد؟

یکی از دوستان می‌گفت شاعران کلاسیک همه دغدغه زندگی‌شان شعر بود. اما شاعران امروز، اگر شعر را فقط تفریح زندگی‌شان قرار دهند، موفق می‌شوند من هم ۱۰ سالی است که شعر تفریح زندگی‌ام شده است! البته شروع شعرم از هیئت بود. برای نوحه و سرود مداح‌ها شعر می‌گفتم. به همین بهانه بود که بیشتر به شعر پرداختم. مطالعه‌ام بیشتر شد و در جلسات شعر متعددی شرکت کردم. چون شعر ارتباط مستقیم با احساس و عاطفه و اشک دارد و هیچ جایی در عالم به اندازه هیئت‌ها و حسینی‌ها لبریز از زیبایی‌ها نیست. مستمع ناگهان چشم‌ها می‌کند و خود را شاعر می‌بیند؛ یعنی در مجلس امام حسین (ع) همه چیز دست‌به‌دست هم داده است تا ما شاعر شویم.

با سید حمید رضا برقعی
شاعر جوان و آیینی مطرح کشورمان

لزوم توجه به شعر آیینی

|| زهرا فراهانی ||





تکنیک شعر را شاید بشود با چند کتاب از استاد شفيعی کدکنی و محمد کاظم کاظمی و سیروس شمیسا آموخت، البته به قول معروف فوت کوزه‌گری است که باید زیر نظر استاد دیده شود. در نهایت هم شاعری موفق است که ویژگی‌های شاخص شاعران را در خود جمع کند. این را هم اضافه کنم که کتاب «شکوه شعر آئینی» اثر استاد مجاهدی هم می‌تواند راهنمای بسیار خوبی باشد



بیرق‌دار جوان شعر عاشورا

کاروان شعر می‌آید؛ از دوردست تاریخ. واژه به واژه، غزل به غزل، رباعی به رباعی و شعر به شعر. هر بار، جلوداران این سپاه، پیران و جوانانی اند که بیرق‌ها را نگه می‌دارند تا همگان بدانند که پرچم شعر و شاعری، هنوز بالاست. و شعر، دیگر همه می‌دانیم که بلندترین و بزرگ‌ترین پایه ایجاد کننده هویت ملی ما ایرانیان بوده است؛ که اگر نبود همین شاعرانگی‌ها و واژه‌ها و زبان فارسی و ...، یحتمل از ایران، جز خاطره چیزی به جا نمی‌ماند. و نخگانگی که ارزش هویت ملی و بومی را می‌دانند، عمق این کلام را درک خواهند کرد. سیدحیدر رضا برقعی، جوان شاعر و خوش‌قربحه قمی، نیز از بیرق‌داران شعر انقلاب و ارزشی است. تا پیش از این، شعرهای مذهبی و ارزشی، بیشتر شعار بودند؛ از نگاه فنی و شاعرانگی و دستوری قضیه. یعنی که شاعران، می‌خواستند پیام‌هایی منتقل کنند، اما چون سوار بر اسب‌های شعر و ادبیات نبودند و تجربه‌ها نکرده بودند، نمی‌توانستند که افسار این ادبیات را، به‌دلخواه خود این‌طرف و آن‌طرف کنند. اما بعنتر، شاعرانی آمدند که هم خوب شور داشتند، هم شعور خوبی داشتند؛ و سید جوان ادبیات ما، از این دست شاعران است. در ستایش او همین کافی است که شعر طوفان واژه‌های او، دیگر یک پای ثابت هیئت‌های مذهبی است و وقتی که این شعر را در محضر انقلاب اسلامی می‌خواند، بارها و بارها، کلمه احسن بود که از سوی رهبر انقلاب نثار این شاعر و شعرش می‌شد. این یعنی که، شعر انقلاب به بار نشسته است؛ همان چیزی که آرزویش را داشتیم یعنی شاعرانی آمده‌اند که به قول برقعی، حالا نه تمام زندگی‌شان، که دست‌کم اوقات فراغت و تفریح‌شان، شعر و شاعرانگی‌هاست. حالا می‌توان به پشتوانه این رویش‌ها، سر بالا گرفت و گفت که ببینید، ادبیات را تنها شاعران و نویسندگان غیرانقلابی روایت نمی‌کنند؛ که در دل این واژه‌ها، بسیار بسیار امکان دیگر وجود دارد که برتر از امکان‌های پیش از این آزموده شده شاعران و نویسندگان قبلی بوده و هست.

دارد، تسلط روی تاریخ مذهبی و مقاتل است. من همیشه به دوستان شاعر گفته‌ام، متأسفانه ما می‌خواهیم همان مواردی را که در هیئت‌ها «می‌شنویم»، وارد شعر کنیم و این شدنی نیست. تکنیک شعر را شاید بشود با چند کتاب از استاد شفيعی کدکنی و محمد کاظم کاظمی و سیروس شمیسا آموخت، البته به قول معروف فوت کوزه‌گری است که باید زیر نظر استاد دیده شود. در نهایت هم شاعری موفق است که ویژگی‌های شاخص شاعران را در خود جمع کند.

۴ در حال حاضر در شبکه‌های اجتماعی تقریباً به اسم تمام شاعران صفحه وجود دارد. از حافظ و مولانا گرفته تا شاعران معاصر. فکر می‌کنید این فضا چه تأثیری در فراگیری شعر دارد؟

شعر، اصلی‌ترین هنر در ترویج مفاهیم مذهبی و اهل بیت بوده از همان ابتدا حسان بن ثابت یا شاعرانی دیگر به نوعی تربیت و تبلیغی برای اهل بیت بودند؛ اهل بیت هم به آن‌ها به عنوان یک رسانه نگاه می‌کردند توجه به شعر که در تاریخ آمده، نشان دهنده اهمیت است که به شاعران می‌دادند امروز هم همین‌طور است. هنوز هم شعر پایه اصلی مجالس عزاری است و بیشترین تأثیر را در مخاطب دارد و این فضاهای مجازی و فضاهای جدیدی که به وجود آمده، به بیشتر دیده شدن کمک می‌کند. اما همان قدر که این اتفاق را حسن می‌دانم آفت هم می‌دانم.

۴ کدام شعر یا کدام بیت از سروده‌های خود را بیشتر دوست دارید؟

اگر سلطان تویی دیگر ابایی نیست، می‌گویم/ که من یک شاعر درباری‌ام، مداح سلطانم.

۴ وقتی که در حضور مقام معظم رهبری شعر می‌خوانید چه حسی دارید؟

بیشتر آدم در حضور مقام معظم رهبری احساس یک اضطراب خوب دارد از این جهت که بگذریم، از جایگاه ایشان به عنوان رهبر و مرجع تقلید، به عنوان یک ناقد حرفه‌ای و به عنوان یک شاعر و فردی که صاحب‌نظر است در عرصه ادبیات معاصر، از این جهت آدم یک مقدار استرس دارد. هر لحظه ممکن است ایشان یک ایراد فنی از آدم بگیرد که آن ایراد خیلی هم وارد است. از این جهت می‌گویم خیلی باعث افتخار است که کسی بتواند در محضر ایشان شعر بخواند، اما این اضطراب همیشه وجود دارد.

۴ بنابر این از همان ابتدا با شعر آئینی کار را شروع کردید؟

بله.

۴ به عنوان یک شاعر جوان که تخصصش شعر آئینی است، به نظر تان این سبک شعر در برقراری ارتباط نزدیک‌تر بین جوانان و اهل بیت چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟

ببینید، بهر حال هر کسی که دارد در این مملکت و این جامعه زندگی می‌کند مطمئناً آسیب‌های مختلف تهاجم فرهنگی بر جوانان را درک می‌کند. در این باره باید بگویم که اصلاً شعر در برابر هر نوع آسیب اجتماعی یک سپر مناسب است. در زمان دفاع مقدس هشت‌ساله هم شعر وسیله خوبی بود. من بعضی وقت‌ها مجموعه‌ها را مرور می‌کنم و می‌بینم که چه شعرهایی در آن زمان و در آن جبهه سروده شده و چقدر با این ابزار هنری مردم را آگاه کرده‌اند نسبت به بحث فرهنگ جهاد؛ چقدر جوان‌ها را با آگاهی وارد میدان نبرد کرده‌اند. الان هم در زمان جنگ نرم هستیم. پس حالا هم می‌شود از شعر برای ایجاد این ارتباط نزدیک‌تر استفاده خوبی برد. اما مسئله مهم‌تر این است که دوستان مذهبی ما که بهر حال تربیت‌ها دست‌شان است، چقدر از این ظرفیت شعر استفاده کرده‌اند؟ صداوسیما، روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری، ماهواره‌های خودمان، غیر از اینکه در یک مناسبت مذهبی از یک شاعری دعوت کرده‌اند بیاایند و چند بیت شعر بخوانند، چه برنامه‌ای برای استفاده از ظرفیت شعر داشته‌اند؟ واقعاً آن بهایی که به ورزش داده می‌شود، آیا واقعاً این بها به شعر و ادبیات که یک «هنر مادر» است، هم داده شده؟ هنری که نوعی سرمایه ملی ماست. پس من می‌گویم شعر می‌تواند تأثیرگذار باشد در برقراری این ارتباط نزدیک‌تر، در مواجهه با آسیب اجتماعی، به شرط آنکه توقع ما فقط از شاعر نباشد.

۴ جوانانی که علاقه به سرودن شعر آئینی دارند، باید چه مرحله‌ای را پشت سر بگذارند و چه مسیری را دنبال کنند؟

ببینید، بحث شعر آئینی متفاوت است. اگر بخواهیم شعر عاشقانه یا اجتماعی بگوییم، بیشتر سعی می‌کنیم روی صنایع ادبی و آرایه‌ها تکیه کنیم؛ اما مسئله مهمی که در شعر آئینی وجود



شب‌ی که ماه کامل شد

کارگردان: نرگس آبیاری

تهیه‌کننده: محمد حسین فاسمی

بازیگران: الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، فرشته

صدرعزایی، پدram شریفی، امین میری، فرید سجادی

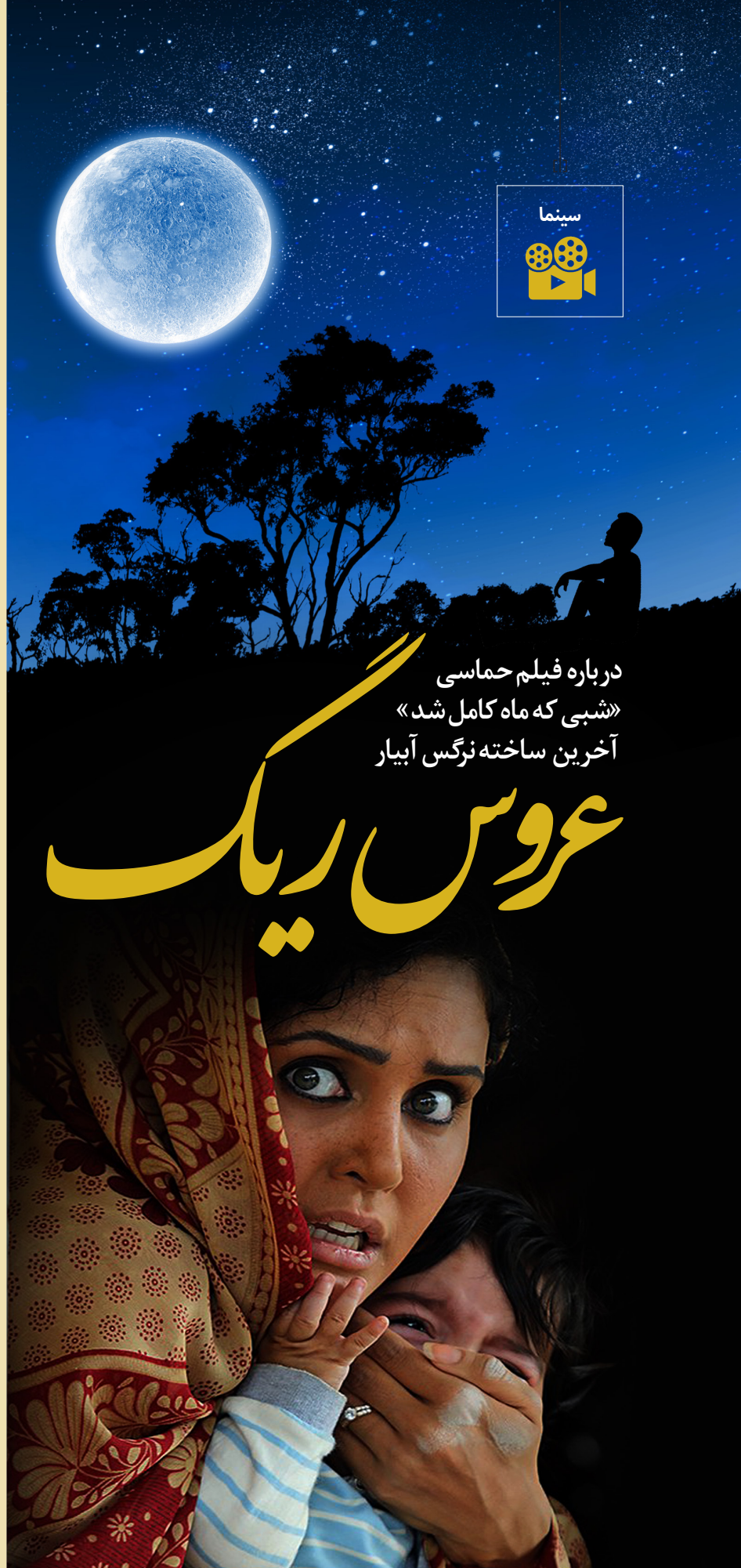
حسینی، شبنم مقدمی، آرمین رحیمیان، علی هدایتی

بعضی فیلم‌سازها چه زود بزرگ می‌شوند و جای خود را پیدا می‌کنند، چه زود از یک فیلم اولی می‌شوند فیلم‌سازی که باید انتظار کارهایشان را کشید، و چقدر خوب است وجود چنین فیلم‌سازانی. نرگس آبیاری، یکی از فیلم‌سازانی است که چند سال قبل با «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید به شما نزدیک‌ترند» وارد فیلم‌سازی شد و با «شیار ۱۴۳» توجه‌ها را به سمت خود و درام دوست‌داشتنی مادرانه‌اش در مورد دفاع مقدس جلب کرد. آبیاری مسیرش را با ساخت «ففس»، یک فانتزی کودکانه در بستر تاریخ ایران پی گرفت و حالا با «شب‌ی که ماه کامل شد» بازگشته است.



یک درام عاشقانه

«شب‌ی که ماه کامل شد» روایت عشق، ازدواج، خیانت، دروغ و قتل است. قصه فیلم از جایی شروع می‌شود که حمید (هوتن شکیبا)، مغازه‌دار ساده‌دل زاهدانی عاشق یک دختر تهرانی به نام فائزه (الناز شاکردوست) می‌شود و یک سال بعد، با رفت‌وآمدهای فراوان خانواده دختر را مجاب می‌کند و با او ازدواج می‌کند. مدتی پس از ازدواج شیرین و رویایی حمید و فائزه، خانواده حمید درگیر حوادثی می‌شوند که شک فائزه را برمی‌انگیزد و بعد از تولد اولین فرزندش متوجه می‌شود که برادرشوهرهایش، درگیر کار قاچاق و دزدی هستند. فائزه، که به‌شدت ترسیده از حمید درخواست می‌کند که از ایران بروند و حمید هم که عاشقانه همسرش را دوست دارد موافقت می‌کند. حمید به پاکستان می‌رود تا کارهای مهاجرت را جور کند و کمی بعد، فائزه به همراه برادرش نزد او می‌روند و این آغاز جهنمی است که به‌زودی زندگی فائزه خواهد شد.



درباره فیلم حماسی
«شب‌ی که ماه کامل شد»
آخرین ساخته نرگس آبیاری

عروس ریک



هوتن شکيبا؛ آخرين شکار چي سيمرغ

همان اندازه که چهره‌اش برای علاقه‌مندان به تئاتر شناخته شده است و او را با بازی در نقش‌های به یادماندنی به خاطر سپرده‌اند و تماشاگران تلویزیون هم او را در نقش حبیب سریال «ایسانس‌ها» به خوبی می‌شناسند، اما تماشاچیان سینما خاطرات زیادی از حضور «هوتن شکيبا» بر پرده نقره‌ای ندارند. امسال اما همه چیز تغییر کرد؛ این بازیگر خوش آتیه با فیلمی به جشنواره فیلم فجر آمد که بسیار مورد توجه تماشاگران، منتقدان و داوران قرار گرفت.

نرگس آبیار نقش سخت و پیچیده عبدالحمید فیلم «شبی که ماه کامل شد» را به شکيبا سپرد تا فرصت تجربه‌ای چالشی و جدید برای او فراهم شود. او هم جواب این اعتماد را به خوبی پس داد و در شبی که ماه برای فیلم آبیار حسابی می‌درخشید، سیمرغ روی شانه‌های شکيبا هم نشست تا در نخستین تجربه جدی و نقش‌اول سینمایی، نخستین و البته مهم‌ترین جایزه سینمایی‌اش را به چنگ آورد. مسیری که هوتن با شکيبایی مثال‌زدنی طی کرد و حالا نامش در فهرست موفق‌ترین بازیگران سینما و تلویزیون و تئاتر ثبت شده است.

هوتن شکيبا متولد خرداد ۱۳۶۳ و کارشناس ارشد بازیگری از دانشگاه هنر است، بیشتر از نقش‌های تلویزیونی و سینمایی در حوزه تئاتر فعالیت داشته. شکيبا در سینما بیشتر نقش مکمل را بازی کرده که می‌توان به فیلم‌های «شب»، «بیرون»، «طبقه حساس»، «حق سکوت» و «ما همه با هم هستیم» اشاره کرد. در گپ صمیمی که با او داشتیم از سختی‌های نقش خود در فیلم «شبی که ماه کامل شد» برایمان می‌گوید: «اگر می‌گویم این نقش سختی‌هایی داشت، این سختی را می‌توان از چند وجه بررسی کرد. خود نقش عبدالحمید، برادر عبدالمالک ریگی، وضعیت‌های مختلفی را در ماجرای فیلم تجربه کرد و به مرور دچار تحول شد. این تحول در مسیر قصه با ظرافت اتفاق افتاد و در سینما، اینکه بازیگر بتواند روند تحول را به خوبی به نمایش بگذارد کار ساده‌ای نیست. موقعیت‌هایی که در فیلمنامه ساخته شده بود هم سختی‌های خاص خود را داشت؛ از غذا دادن به کروکودیل گرفته تا رانندگی خطرناک. شرایط آب و هوایی محل فیلمبرداری هم بسیار خاص بود. بخش‌های زیادی از فیلم در هوای گرم ۵۰ درجه با ۸۰ درصد رطوبت فیلمبرداری شد در حالی که بازیگران گرم‌های سنگینی داشتند. البته که همه فیلم‌ها ممکن است موقعیت‌های سخت اینچنینی داشته باشند اما مجموع این شرایط، کار را چالشی کرد. هر چند جذابیت سینما به همین سختی‌هاست.»

شکيبا برای ما توضیح می‌دهد که چگونه از پس همچنین شخصیت پیچیده‌ای برآمد: «با مردم محلی بسیار حرف زدیم تا با فرهنگ و فضای حاکم آشنا شویم. پروژه‌ای مثل شبی که ماه کامل شد، پیش‌تولید طولانی داشته که گروه کارگردانی زحمت انجام آن را کشیده‌اند. ما هم از براینده مطالعات آنها استفاده کردیم. از طرف دیگر ماجراهای این فیلم خیلی هم دور نیست و حدود ۱۰ سال قبل اتفاق افتاده است. بیشتر ما فضای سنگین آن اتفاقات و تلخی‌ای که مردم منطقه چشیده‌اند را به‌خاطر داریم. جدای از همه اینها، تلاش ما در این فیلم بازسازی یک واقعه نبوده است. تلاش کردیم به اتفاق انسانی در آن فضا بپردازیم.



منبع: نماوا



یک فیلم خوش ساخت

در پاکستان، حمید هرچه بیشتر به برادر فراری‌اش نزدیک می‌شود، بیشتر از فائزه دور می‌شود، رفتار حمید عوض می‌شود و کم‌کم تبدیل به نسخه‌ای بی‌دست‌وپا از برادر کوچکش می‌شود. برادری که فائزه خیلی زود متوجه می‌شود، عبدالمالک ریگی، سرکرده گروهک تروریستی جندالله است. «شبی که ماه کامل شد» از هر جهت فیلم مهمی در سینمای ایران است. اول‌از‌همه به دلیل برگزیدن یک موضوع برگرفته از حوادث واقعی که مناقشات زیادی را هم در برداشته و دیگر اینکه بازماندگان و خانواده‌های قربانیان این حوادث هنوز هستند و زخم‌هایشان تازه است. علاوه بر این‌ها، فیلمی شبیه «شبی که ماه کامل شد»، در سینمای ایران انگشت‌شمار است. فیلمی که با جسارت محض به سراغ یک موضوع واقعی برود، در قبال آن برداشت و قضاوت شخصی ارائه کند و بیننده را دعوت کند در باب آن موضوع به یک قضاوت شخصی برسد.



نگاه حرفه‌ای یک کارگردان

آبیار، در «شبی که ماه کامل شد»، از عبدالمالک، به‌عنوان سرکرده این گروه، که اطلاعات زیادی از زندگی شخصی‌اش در دسترس نیست، دوری می‌کند و وارد زندگی عبدالحمید می‌شود. حمید در فیلم آبیار شبیه هیولایی که در ذهن‌ها نقش بسته نیست، او عاشق همسر و زندگی‌اش است، شعر می‌گوید و کمی ترسو است و همیشه کسی باید عنان زندگی‌اش را در دست بگیرد و در غیاب فائزه به‌راحتی تحت تأثیر مالک قرار می‌گیرد. فائزه و برادرش شهاب (پدرام شریفی) هم موجودات معصوم و فرشته‌گونه‌ای که در رسانه‌ها تصویر شده نیستند و در مسیر سرنوشت تلخ خود، اشتباهاتی می‌کنند و به آن نقطه شوم می‌رسند. در کنار این‌ها، آبیار، از عملیات و فعالیت‌های گروه جندالله تا جایی که قصه‌اش اجازه می‌دهد دوری می‌کند و بار اصلی درام را پیرامون شخصیت فائزه و برزخی که در آن گرفتار است می‌چیند.»



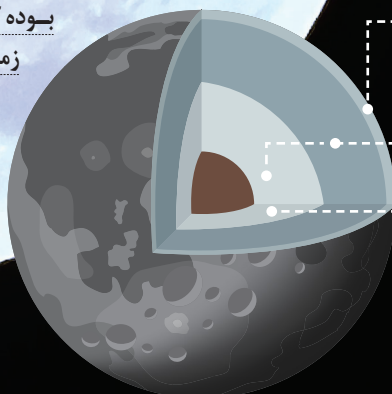
آیامی دانید «ماه»
تکه‌ای از زمین بوده است؟

گوهر شب چراغ

”گردآوری: مرجان خسروی |

نزدیک‌ترین جسم به سیاره‌ی زمین و پنجمین قمر بزرگ در منظومه‌ی شمسی است. این قمر تأثیرات شگفت‌انگیزی روی کره‌ی زمین دارد و قطعاً به خودی خود از معجزات الهی به شمار می‌رود. ماه در واقع تکه‌ای از سیاره‌ی زمین

بوده که در اثر برخوردی سهمگین از آن جدا شده و در مدار زمین قرار گرفته تا با معادلاتی حاصل از نظم خلقت، زندگی زمینی به شکل امروزی باشد. چه بسا که شواهد متعدد نشان از تأثیر ماه در ظهور، تکامل و توسعه‌ی حیات دارند.



فاصله‌ی ماه از زمین

۴۵۰
هزار کیلومتر

۳۳۰۰
کیلومتر

پوسته‌ی
سنگی

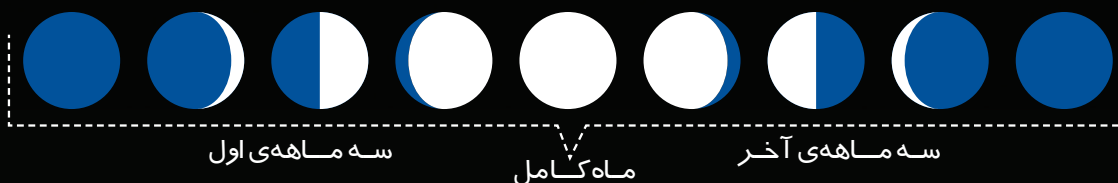
۷۰
کیلومتر

پوسته‌ی
خارجی

۷۵۰
کیلومتر

هسته‌ی ماه

وضعیت ظاهری ماه



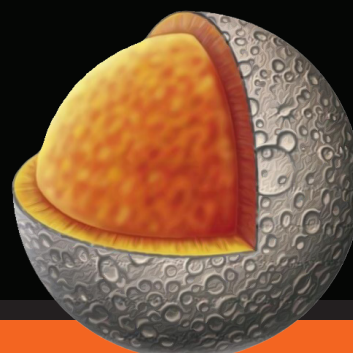
سه ماهه‌ی اول

ماه کامل

سه ماهه‌ی آخر

هسته‌ای داغ و مذاب

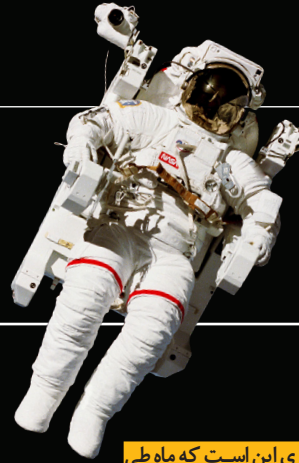
قطر ماه یک‌چهارم کره‌ی زمین و چگالی آن چهار پنجم چگالی زمین است. براساس نظریه‌ی دانشمندان، ماه دارای هسته‌ای داغ و مذاب مشابه زمین است اما این هسته، بسیار کوچک است و تنها ۲ تا ۴ درصد از جرم کلی ماه را تشکیل می‌دهد. این ابعاد در برابر ابعاد هسته‌ی زمین که ۳۰ درصد از جرم کلی زمین را تشکیل می‌دهد بسیار ناچیز است. پوسته‌ی سنگی ماه ضخامتی برابر ۱۳۳۰ کیلومتر دارد و از سنگ‌های متراکم آهنی و منیزیمی تشکیل شده. پوسته‌ی خارجی نیز عمقی برابر ۷۰ کیلومتر دارد که خارجی‌ترین بخش پوسته به واسطه‌ی برخوردهایی که طی سال‌های متمادی انجام گرفته خراشیده و پرحفره شده.





سوره‌ای به نام ماه

اهمیت ماه در زندگی بشر بر کسی پوشیده نیست و این جسم آسمانی آن قدر مورد توجه قرار دارد که در قرآن سوره‌ای به همین نام آمده که دربردارنده بحث‌های مهمی از مبداء و معاد است. همچنین کيفرهای گروهی از اقوام پیشین را بیان می‌کند. در این جا با استناد به بعضی روایات، برخی از آثار و برکات سوره‌ی قمر را با ما مرور کنید.



اجزای تشکیل دهنده‌ی ماه

۲۰ درصد سیلیکون	۴۳ درصد اکسیژن	۱۲/۰ درصد منگنز
۱۸/۰ درصد تیتانیوم	۴۲/۰ درصد کرومیوم	۳ درصد آلومینیوم
۳ درصد کلسیوم	۱۰ درصد آهن	۱۹ درصد منیزیم

بدون قمر پنجم هرگز!

یکی از تاثیرات جالب توجه کشش‌های قمری این است که ماه طی این جزر و مد‌ها قسمتی از انرژی زمین را می‌رباید که این پدیده باعث کاهش ۱/۵ میلی ثانیه‌ای سرعت زمین در هر قرن می‌شود. با توجه به این موضوع، ماه سالانه مقداری از انرژی زمین را ربوده و از آن برای بالا کشیدن خود به اندازه‌ی چهار سانتی‌متر در بالاترین مدارش استفاده می‌کند. محققین معتقدند ماه زمانی که حدود ۴/۶ بیلیون سال پیش شکل گرفته، فاصله‌ای برابر ۲۲ هزار و ۵۳۰ کیلومتر از زمین داشته که این فاصله اکنون به ۴۵۰ هزار کیلومتر افزایش پیدا کرده. در عین حال سرعت چرخش زمین رو به کندی است و به همین دلیل روزهای زمین رو به طولانی‌تر شدن گذاشته‌اند. به تدریج صعود کشش سیاره‌ی زمین در میان یک خط فرضی میان مرکز زمین و ماه انباشته خواهد شد و به این شکل تغییرات چرخش سیاره‌ی زمین متوقف خواهد شد. در این صورت یک روز زمین برابر یک ماه خواهد شد. در صورت وقوع چنین پدیده‌ای که احتمال آن به بیلیون‌ها سال در آینده نسبت داده شده، یک ماه زمین بسیار طولانی شده و ماه به تدریج فاصله‌ی خود را از زمین افزایش خواهد داد.

چند نکته‌ی شگفت‌انگیز

تثبیت محور زمین

اثر گرانشی غول‌های گازی باعث حرکت نامنظم محورهای سیارات داخلی می‌شود. درست مثل چرخش غیرعادی سیاره‌ی زهره اما محور زمین به واسطه‌ی وجود ماه تثبیت شده است.

جزر و مد

جزر و مد اقیانوس‌ها که به دلیل میدان گرانشی ماه به وجود می‌آید، احتمالاً اولین دلیل پیدایش خشکی میان اقیانوس‌ها بوده.

کنترل سرعت وزش باده‌ها

اگر ماه وجود نداشت، سرعت وزش باده‌ها بین ۵۰ تا ۱۵۰ مایل بر ثانیه بود که تحت تاثیر چرخش زمین به دور خودش با شدت صورت می‌گرفت و زمین‌لرزه‌های ایجاد شده در اثر این باده‌ها خیلی بزرگ و مداوم می‌شدند.

آب و هوا

انحراف ۲۳/۵ درجه‌ای زاویه‌ی محور زمین با ماه باعث تاثیرات مهمی روی حیات کره‌ی زمین، تنوع آب و هوایی و وجود موجودات زنده می‌شود. کشش گرانشی ماه شاید اصلی‌ترین عامل قابل زیست شدن سیاره‌ی زمین به شمار رود.

تاثیر بر بدن انسان



اواسط ماه قمری که ماه بیشترین مقدار نیروی جاذبه‌ی خود را بر زمین وارد می‌کند، قدرت جاذبه‌ی ماه به همان شیوه‌ای که باعث وقوع جزر و مد دریاها می‌شود، روی مایعات درون بدن به ویژه خون تاثیر می‌گذارد. بدین ترتیب خون بهتر جریان می‌یابد و مواد مغذی لازم برای سلول‌ها بهتر تامین می‌شود. در برخی احادیث بر حجامت در ایام پرفشار ماه تاکید شده. امام رضا (علیه السلام) فرموده: «فشار خون در افزایش هلال ماه افزایش می‌یابد و در کاهش هلال کاهش می‌یابد».

تغییرات دمای بدن حیوانات



خفاش‌ها فعالیت خود را در زمان کامل شدن ماه به حداقل می‌رسانند. بزرگ‌ترین تولید مثل گروهی مرجان‌ها در کف اقیانوس، در زمان کامل شدن ماه اتفاق می‌افتد. برخی از حیوانات مانند موش خاردار با تغییر میزان نور ماه، دمای بدن خود را افزایش و کاهش می‌دهند.



از شغل و مسکن و ازدواج
به مهارت زندگی نیاز دارد
قسمت دوم

می‌خواهم زندگی کنم

زهره کریمی - کارشناس ارشد مشاوره



سازمان جهانی یونسکو با سواد را توانایی در تغییر اعلام کرده است. این تعریف بیانگر آن است که با سواد کسی است که بتواند از خوانده ها و آموخته های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. طبق این تعریف ما چه اندازه سواد تغییر در زندگی را آموخته ایم؟ ما در طول زندگی با ناکامی ها و مشقت هایی مواجه می شویم، نمی شود متوقف و بی دفاع ماند بلکه باید با تغییر در سبک ها و روش های زندگی، از میان آنها عبور کرد و این همان سواد زندگی است. در ادامه با اقسام این مهارت ها آشنا خواهیم شد.

مهارت خود آگاهی

خود شناسی مقدمه و پیش نیاز تمامی مهارت ها، به خصوص روابط موثر اجتماعی و بین فردی است. این مهارت به فرد کمک می کند تا بتواند شناخت بیشتری بر خود، خصوصیات، خواسته ها، اهداف، نقاط ضعف، نقاط قوت، احساسات، ارزش و هویت خود داشته باشد. افزایش این مهارت برابر است با آشنایی هر چه بیشتر ما با حقوق و مسئولیت های فردی و اجتماعی خود. افراد با شناخت ویژگی های اصلی شخصیت خود، فشارها و دلهره های خود و همچنین انگیزه اصلی رفتارهای خود را تشخیص می دهند. تحقیقات فراوان نشان داده است ضعف در خود آگاهی با بسیاری از آسیب های روانی - اجتماعی از جمله کاهش اعتماد به نفس و عزت نفس همراه است.

مهارت همدلی

درک همدلی کلید حل تدریجی بسیاری از اختلافات و تقویت ارتباطات عاطفی است. اگر انتظار داریم که دیگران ما را با تمام ویژگی ها و خصلت ها بپذیرند، ما نیز باید قادر به فهم و درک باورها و احساسات دیگران باشیم، از دیدگاه آن ها به موضوع نگاه کنیم حتی زمانی که در آن شرایط قرار نداریم.



یک نظریه مهم

کارشناسان معتقدند تفکر انتقادی باید یکی از اهداف تعلیم و تربیت باشد، زیرا که تحلیل و ارزشیابی و گزینش بهترین راه حل را در انسان به وجود می آورد. با آشنایی مختصر با هر کدام از مهارت ها فکر می کنید کدام مهارت ها را دارید و باید کدام یک را کسب و یا تقویت کنید.



سریع دارند. و گاهی به جای برخوردی سازنده و مناسب با مساله برخورد های هیجانی می کنند. فراگیری فرآیند مهارت حل مساله این توانایی را به فرد می دهد که با توجه به تجارب و توانمندی های ذهنی خود، در جهت حل مساله یا مشکل خود، هدفمندانه قدم برداشته تا به نتیجه ای مطلوب دست پیدا کند. مهارت حل مساله باعث احساس رضایت از زندگی، افزایش عزت نفس و کاهش بیماری های روانی و مشکلات سلامت روان می شود.



مهارت تصمیم گیری

مسیر زندگی انسان را تصمیم گیری های او مشخص می سازد و تصمیمات درست و یا اشتباه بر جنبه های مختلف زندگی و آینده فرد تاثیر مثبت و منفی مهارت در تصمیم گیری به ما کمک می کند تا با اطلاعات و آگاهی کافی، و از بین راه حل های موجود، بهترین آنها را انتخاب کرده و مسئولیت پیامدهای آن را نیز به عهده بگیریم.



مهارت تفکر خلاق

تفکر یکی از مهم ترین مهارت های زندگی است که از کودکی آموخته ایم. مهارت تفکر خلاق، توانایی «توسع دیدن» است. مهارت نوآوری و خلق ایده ای جدید است تا در موارد گوناگون بتوانیم راهی جدید و موثر بیابیم. هنگامی که تفکر خلاق را می آموزیم دیگر مشکلات زندگی مزاحم ما نیستند، بلکه هر کدام فرصتی هستند تا راه حل های جدید را بیابیم. ۱۰- تفکر نقادانه: تفکر نماد به فرد کمک می کند تا مطالب را تجزیه و تحلیل و ارزشیابی کند شکل گیری این تفکر، فرد را برای ورود به عرصه کار و زندگی آماده تر کرده، زیرا باعث تقویت قدرت ذهنی - جسمی فرد شده و او را برای چالش ها و مسائل دنیای کنونی آماده می سازد. به عبارت دیگر سبک این مهارت به ما می آموزد قبل از بررسی دقیق و استدلال هر چیزی را به سادگی رد یا قبول نکنیم این افراد فریب دیگران را نمی خورند و به راحتی جذب گروه ها و افراد و نمی شوند زیر باره عقبت کل می لیدشید

با آن کنار آمدن تا با تغییرات و شرایط به وجود آمده، سازگار باشد. یادگیری این مهارت به ما یاری می کند تا هیجان های خود و دیگران را تشخیص دهیم و تاثیر آن را بر تفکرات و رفتارهایمان بشناسیم و در برابر هیجانات واکنش مناسبی نشان دهیم. اگر میزان استرس بیش از حد و طولانی باشد، بر زندگی و عملکرد فرد تاثیر منفی گذاشته و تعادل حیاتی او به هم خورده و مشکلات جدی تری و متوجه فرد خواهد کرد. تحقیقات نشان می دهد افراد مقاوم در برابر استرس عمیقاً باور دارند که می توانند مسیر زندگی خود و بسیاری از رویدادها و حوادث مربوط به خود را کنترل کنند. و خود را در برابر امور شغلی، تحصیلی و خانواده مسئول و متعهد می دانند. و به جای دلیل تراشی در برابر مسائل و مشکلات به وجود آمده، درصدد چاره جویی و تلاش مستمر برای رفع آن بر می آیند.



مهارت مدیریت بر هیجان

هیجانات بخش جداناپذیری از زندگی تملعی انسان ها هستند. هیجانات عبارتند از خشم، ترس، عشق و محبت و تنفر، امید، نگرانی، احساس حقارت، غرور، تنفر، غم، شرم، پشیمانی و ... که ما هر روز انواع مختلفی از آن ها را تجربه می کنیم. زیرا پاسخی به دگرگونی های طبیعی زندگی چون شکست، پیروزی، سوگ و خشم و ... است. در آموزش این مهارت با شناسایی و کنترل هیجانات می آموزیم که تملعی این هیجانات مهمان ها هستند و ما میزبان آنها و اجازه ندارند بر نحوه زندگی، روابط و تصمیم گیری های ما اثر بگذارند در واقع با جهت دهی مناسب هیجانات، زمینه ای برای زندگی سالم فراهم می کنیم.



مهارت حل مساله

همه افراد در طول زندگی با مسائل ساده و یا پیچیده روبه رو می شوند مانند انتخاب رشته تحصیلی، شغل، انتخاب همسر و ... خیلی اوقات افراد قادر نیستند مساله خود را حل کنند و یا بیشتر تمایل به یافتن راه حل های ناگهانی و

از دلایل عمده ناسازگاری فرزندان با والدین و زوجین با یکدیگر، عدم درک همدلانه است. زیرا هر کدام پدیده ها را تنها از دیدگاه خود می بینند. فقدان همدلی با جوانان باعث متوسل شدن آن ها به روش های انحرافی بیان خویش می شود، به گونه ای که متضاد با ارزش های فرهنگی ما است.



مهارت روابط بین فردی

ارتباط برقرار کردن با دیگران، برطرف کننده بسیاری از نیازهای هر انسانی است. توانایی در این مهارت به ما کمک می کند تا با دیگران همکاری و مشارکت بهتری داشته باشیم. مرزهای روابط با دیگران را تشخیص داده، دوستی های مطلوب و حفظ و تقویت کنیم و روابط ناسالم خود را خاتمه دهیم.



مهارت ارتباط موثر

این مهارت کمک می کند تا به شکل موثرتری رفتار کرده تا منجر به شکل گیری ارتباطات رضایت بخش تری گردد. این مهارت به معنای توانایی در به کارگیری شیوه های صحیح ارتباط کلامی و غیر کلامی تا از این طریق بتوانیم نظرات، عقاید، نیازها و هیجان های خود را به صورت مناسب تری ابراز نکنیم. توانایی ابراز قاطعانه، صادقانه بدون اینکه حساس اضطراب داشته باشیم. هم چنین از حقوق خود دفاع کرده به شکلی که حقوق دیگران هم پایمال نشود ارتباط غیر موثر ریشه اکثر مشکلات بین فردی است و می تواند نارضایتی شخصی، حربه ای تعارض و تنهایی در جامعه، دانشگاه، خانواده و محیط کار ایجاد کند



مهارت مقابله با استرس

زندگی همواره همراه با تغییر و استرس های مثبت و منفی است. همیشه نمی توان جلوی استرس را گرفت، ولی می توان با استفاده از روش ها و تکنیک هایی برای حفاظت از سلامت ذهنی و فیزیکی خود به شکل موثرتری



فقط اعداد هفت رقمی

کارشناسان طب سنتی معتقدند تخم هندوانه دارای طبیعتی سرد و تر و برای رفع عفونت‌های ادراری مفید است و برای درمان خس‌خس سینه و سرفه استفاده می‌شود. تشنگی را رفع می‌کند و تب را کاهش می‌دهد. میزان مجاز تخم هندوانه برای هر بار مصرف دارویی بسته به نظر طبیب ۲۰ گرم است.



به شرط چاقو!

هندوانه یکی از میوه‌های محبوب پیامبر ﷺ است که فواید فراوانی دارد

❗ گردآوری: امیر دشتی نژاد

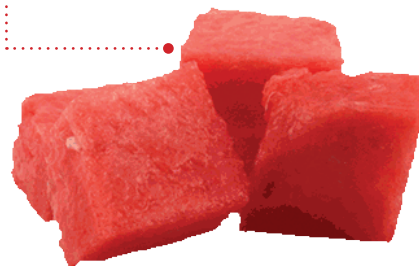
درست در لحظه‌هایی که گرما فشارش را چند برابر می‌کند و تشنگی امانمان را می‌برد یک تابستانی خنک می‌تواند جان دوباره‌ای به ما بدهد؛ هندوانه، چقدر گاز زدن این میوه جادویی در روزهای گرم سال مزه می‌دهد. باید از هندوستان تشکر کنیم که این میوه را به بشریت معرفی کرد و نامش را روی این میوه به یادگار گذاشت. خواص هندوانه آنقدر زیاد است که نبی مکرم اسلام ﷺ درباره آن فرموده: «هندوانه بخورید که میوه بهشت است و در آن هزار برکت و هزار رحمت است و خوردنش درمان هر دردی است». این میوه نه‌چندان گران که بیشتر مردم می‌توانند آن را تهیه کنند علاوه بر اینکه به تنهایی فایده دارد ترکیب آن با بعضی مواد غذایی دیگر ماده غذایی شفا بخشی می‌شود که در کمتر میوه‌ای می‌توان آن را پیدا کرد.

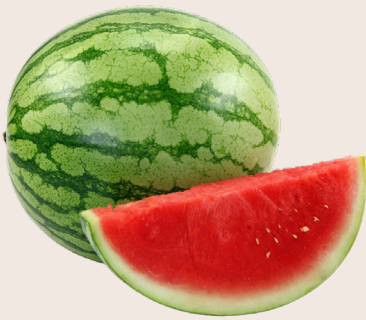
• بهترین زمان خوردن

بهترین زمان خوردن هندوانه بین دو وعده غذایی یعنی بعد از عبور غذای اول از معده است. چون اگر بلافاصله بعد از خوردن غذا میل شود باعث فساد در هضم غذا می‌شود. همچنین خوردن آن در حالت ناشتا مخصوصاً در هوای گرم و در صورت وجود تشنگی مضر است.

• میوه محبوب اهل بیت ﷺ

هندوانه به دلیل خواص فوق‌العاده‌اش میوه مورد علاقه پیامبر و ائمه معصومین بوده و این بزرگواران قبل از پیشرفت علم و تکنولوژی و یافته‌های دانشمندان نکات قابل توجهی را در خصوص این میوه ذکر کرده و مسلمانان را به خوردن آن توصیه کرده‌اند. از رسول گرامی اسلام ﷺ احادیث فراوانی در خصوص هندوانه وجود دارد که یکی از آنها این است: «هندوانه هم غذاست و هم نوشیدنی است، مثانه و معده را شست‌وشو می‌دهد و پوست را صاف و شاداب می‌کند». در روایت دیگری از آن حضرت آمده: «بهار امت من در انگور و هندوانه است».





خواص پزشکی هندوانه

۱ ترمیم زخم

اگر از مصرف کنندگان پر و باقرص هندوانه هستید و پوست تان آسیب دیده یا زخم شده اصلاً نگران نباشید. چون مداومت در خوردن این میوه بر خاصیت باعث می شود زخم ها و آسیب های پوست تان زودتر از موعد درمان شود.

۲ خونتان رقیق می شود

افرادی که از بیماری غلظت خون رنج می برند حواسشان باشد که می توانند برای رقیق کردن خونتان روی هندوانه حساب کنند. علاوه بر این افرادی که مزاجشان گرم و خشک است و بسیار لاغرند می توانند به جای خوردن ترشی، برای تعدیل مزاج از هندوانه استفاده کنند.

۳ دشمن درجه یک سنگ کلیه

هندوانه جزو میوه های آبداری است که دشمن سرسخت سنگ کلیه به حساب می آید. بنابراین اگر از بیماری سنگ کلیه رنج می برید مرتب هندوانه بخورید تا هم از تشکیل سنگ های جدید جلوگیری کند و هم سنگ ریزه های کلیه تان دفع شود.

۴ زیاد نخورید

مصرف بیش از اندازه هندوانه ضرر دارد. به عنوان مثال خوردن هندوانه برای معده افرادی که سردمزاجند زیان آور است و با درد مفاصل همراه است. البته خنثی کننده این زیان هندوانه، عسل و قند و امثال آن است. حواستان باشد که زیاده روی در خوردن هندوانه برای طحال ضرر دارد و از آنجا که هندوانه طبیعتی سرد دارد، از مصرف زیاد آن در شب بپایدا باید خودداری شود.

• پوست هندوانه را دور نریزید

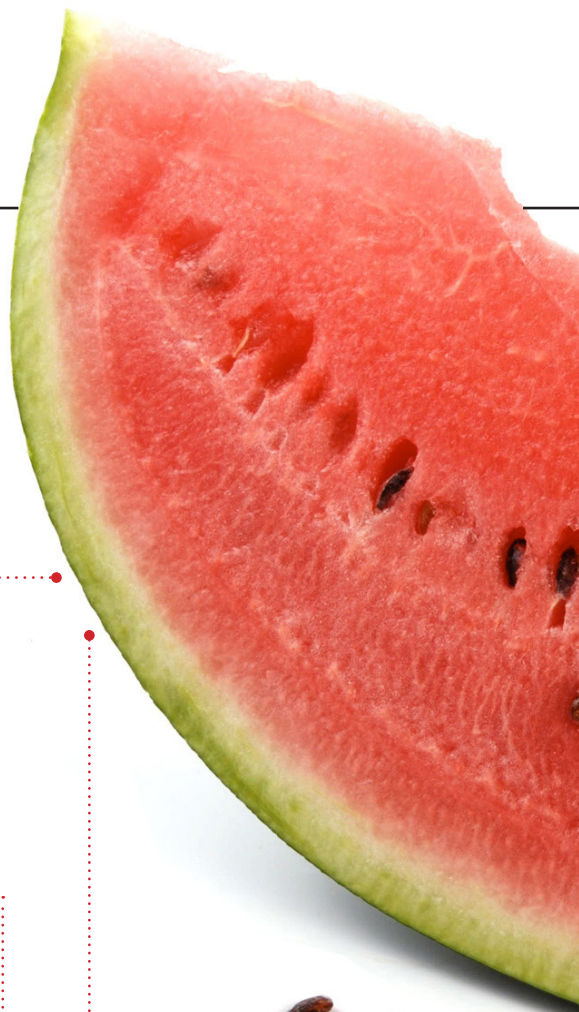
شاید خیلی از ما ندانیم که با پوست هندوانه می توان یک مربای فوق العاده درست کرد. برای درست کردن مربا می توانید قسمت سبزرنگ پوست هندوانه را بتراشید. سپس آن را به اندازه های دلخواه ببرید و بگذارید یک ساعتی در یخچال بماند تا پوست هندوانه خوب سخت شود، سپس آن را چندین بار با آب خالص بشویید. سپس آن را با مقدار مساوی عسل و شکر بپزید تا قطعات پوست هندوانه مانند مربای بالنگ شفاف و شیشه ای شود و شربت آن قوام یابد. این مربا برای درمان بسیاری از بیماری ها از جمله برسام (ورم حجاب حاجز) و وسواس مفید است.

• ترکیب شفا بخش

هندوانه علاوه بر آنکه به تنهایی خواص فوق العاده ای دارد وقتی با سکنجبین خورده شود خواصش دوچندان می شود. جالب آنجاست که در مواردی به درمان بیماری ها هم کمک می کند. آن طور که کارشناسان طب سنتی می گویند کسانی که در معده شان خلط صفرآ غالب است و کبد چرب دارند نباید هندوانه را بدون سکنجبین میل کنند. زیرا هندوانه به خاطر لطافتی که دارد، به صفرآ تبدیل می شود و بر مشکلات فرد اضافه می کند اما خوردن هندوانه با سکنجبین مانع از تبدیل هندوانه به خلط صفرآ می شود.

• جوان بمانید

اگر جوان هستید و می خواهید حالا حالاها جوان بمانید یا اینکه پا به سن گذاشته اید و از ابتلا به بیماری های قلبی و انواع سرطان وحشت دارید پیشنهاد می کنیم حتما خوردن هندوانه را در برنامه روزانه غذایی تان قرار دهید. دلیل آن کاملاً مشخص است. به عقیده کارشناسان در هندوانه آنتی اکسیدان هایی وجود دارد که مانع ابتلا به بیماری های قلبی و سرطان می شود. البته این خاصیت هندوانه مثل خواص دیگر آن در افرادی اثر می کند که از خوردن دائمی هندوانه اند. پس به یک روز و دو روز اکتفا نکنید و حالا که فصل هندوانه است این میوه بر خاصیت را در برنامه غذایی تان قرار دهید.





تشخیص دستکاری چهره با ابزار جدید هوش مصنوعی فتوشاپ

گردآوری: معصومه ماه پیکر

تیمی از شرکت ادوبی و محققان دانشگاه برکلی ابزار جدید هوش مصنوعی را آموزش دادند تا بتواند دستکاری‌های چهره و صورت در عکس‌های فتوشاپ را تشخیص دهد. محققان امیدوار هستند با کمک این ابزار دوباره اعتماد عمومی به رسانه‌های دیجیتالی را برگردانند و با پدیده دیپ‌فیک (Deepfake) و عکس‌های چهره ویرایش شده و جعلی مبارزه کنند. افزون بر این، به افراد بیشتری کمک می‌کند تا دستکاری‌های چهره را شناسایی کنند.



02

شهر هوشمند

در کشور کانادا شرکت شریک گوگل «الفا» بر روی پروژه بسیار پیچیده ای مشغول به کار است که کار اصلی آنها ساخت سنسورهای شگفت آوری است که زندگی شهری را متحول کرده و آن را هوشمند می‌کنند.



01

پرینت ۳ بعدی فلز

یکی از این ابداعات شگفت آور، پرینت ۳ بعدی فلزات می باشد که توانایی ایجاد ساختارهای فلزی بزرگ و پیچیده را دارد، این دستگاه می تواند صنعت تولید قطعات فلزی را تحول دهد و کمک زیادی به صنعتگران کند.



تکنولوژی های باور نکر دنی

2019

در این مطلب سعی بر این است تعدادی از تکنولوژی های برتر سال ۲۰۱۹ را بررسی کنیم. این فناوری های هیجان انگیز با تحقیق و تفحص های بسیار زیادی توسط دانشمندان کل جهان تولید شده اند یا در دست تولید هستند باید در نظر داشته باشیم که هر کدام از این تکنولوژی های جدید سال ۲۰۱۹ می تواند زندگی ما را به خوبی باید تغییر دهد.



ساخت متریاال های جدید با دانش کوانتوم

دانشگاه هاروارد با استفاده از یک کامپیوتر کوانتومی هفت کیبیت طراحی شده توسط کمپانی IBM، شبیه سازی کامل یک مولکول ساده را ایجاد کرده اند. مولکول - بریلیوم هیدرید - بزرگترین محاسبات کوانتومی شبیه سازی است که تا الان در جهان صورت گرفته است.



فناوری



گوگل فتواسکن چیست و چگونه کار می کند؟

گوگل PhotoScan یک اپلیکیشن همراه و تکمیل کننده Google Photos است که اجازه می دهد کاربران عکس های چاپی خود را اسکن و به صورت دیجیتالی آرشیو کنند. این اپلیکیشن نه تنها از عکس های چاپی یک نسخه دیجیتالی تهیه می کند؛ بلکه به طور خودکار پیشرفته ترین و به روزترین فناوری های رنوش و ویرایش عکس را اعمال می کند. از جمله، می تواند کیفیت عکس را بالا برده و چشم اندازی بهتری به آن بدهد. همین طور، برخی از معایب عکس مانند فرمزی چشم، نور ضعیف و پرخش عکس را اصلاح و رفع می کند. در واقع، گوگل به دنبال ساخت نرم افزار اسکن تصاویر برای کاربران بوده است. نرم افزاری که علاوه بر اسکن عکس های قدیمی چاپ شده، امکان ویرایش هوشمند، ذخیره سازی و اشتراک گذاری بسیاری آسان عکس ها را روی مدهای مختلف فراهم کند.



اعتماد دوباره جهان به اطلاعات دیجیتالی

اولین بار نیست که ادوبی از هوش مصنوعی برای کار روی تصاویر در فتوشاپ استفاده می کند. در گذشته هم ابزاری برای شناسایی عکس های دیپ فیک طراحی شده بود ولی این بار به طور اختصاصی ابزار جدید دستکاری صورت را هدف قرار گرفته است. طبیعتاً کار جدید سخت تر، فشرده تر و بسیار پیچیده تر است. ادوبی می گوید این آغاز راه است و باید در جهانی که زندگی می کنیم؛ اعتماد عمومی به رسانه های دیجیتالی وجود داشته باشد که البته هر روز سخت تر می شود. ابزار جدید هوش مصنوعی ادوبی هنوز در دست توسعه است و برای عرضه به بازار یا افزوده شدن به فتوشاپ آماده نشده است ولی نتایج اولیه آن بسیار امیدوار کننده است. در سال های اخیر تکنیک های دیپ فیک به طور گسترده ای در رسانه ها، شبکه های اجتماعی و فضای مجازی استفاده شده است که اولین و بزرگ ترین آسیب آن، سلب اعتماد از اطلاعات دیجیتالی است.

در دیپ فیک، با استفاده از فناوری یادگیری ماشینی سعی در دستکاری و تغییر عکس ها و فیلم های اصلی می شود؛ به طوری که برای هر بیننده یا کاربران فضای مجازی قابل تشخیص نیست و باور می کنند از ابتدا این عکس و فیلم وجود داشته و واقعی است.

این تیم با آموزش شبکه عصبی کانولوشن (CNN) می خواهد تغییرات صورت گرفته در یک تصویر با ویژگی Face Away Liquify را کشف کنند. ویژگی Face Away Liquify برای تغییر چشمان، دهان و دیگر ویژگی های صورت طراحی شده است.

هنگامی که این شبکه عصبی طراحی و آموزش دیده شد و یک سری عکس آزمایشی در اختیارش قرار گرفت؛ موفق شد ۹۹ درصد تغییرات صورت گرفته در تصاویر را تشخیص دهد. در مقایسه با تشخیص انسانی، افرادی که این عکس های آزمایشی را بررسی کردند؛ فقط موفق شدند ۵۳ درصد عکس های دارای تغییر را شناسایی کنند. ابزار هوش مصنوعی ادوبی می تواند عکس های دیپ فیک را به حالت اولیه و قابل پیش بینی هم برگرداند.



05

پیشگویی ژنتیکی

پیشگویی ژنتیکی تکنولوژی پیشرفته ای است که با استفاده از داده های ژنومی به افراد این امکان را می دهد که میزان سطح هوش و تغییرات آن در آینده را پیش بینی کنند. همچنین امکان پیش بینی صفات رفتاری را فراهم می آورد.



04

شبکه های دوئل

شبکه های عصبی دو نفره (دوئل) یک پیشرفت در هوش مصنوعی را نشان می دهد که اجازه می دهد تصاویری از چیزهایی که هرگز دیده نمی شود، ایجاد کند. سیستم بسیار پیچیده ای که حس تخیل را برای انسان آشکار می سازد.



03

هوش ابری

شرکت های بزرگی مانند گوگل، آمازون و مایکروسافت ابزار هوش مصنوعی در فضای ابری را توسعه می دهند. فضایی که امکانات بسیار گسترده ای را برای بیشتر کسب و کارها فراهم می کند و امکانات فوق تصور را در اختیار آنها قرار می دهد.



می خواهند جوان را فلج کنند

آن توطئه های نرمی که همه از آن حرف میزنند، فلج کردن نسل جوان است؛ سرگرم کردنش به شهوات، سرگرم کردنش به کارهای بیهوده، بازی های کامپیوتری و... مبتلا کردنش به مواد مخدر، ناامید کردن؛ اینها فلج کردن نسل جوان است.



عظمت کالای ایرانی یعنی...

کالای ایرانی یعنی سرمایه گذار با سرمایه‌ی
خود، کارگر با کار خود، طراح با ذهن و
دانش خود تلاش می‌کنند تا محصول می‌شود
کالای ایرانی. این چیز با عظمتی است.

۹۷/۱/۱
رهبر انقلاب

KHAMENEI.IR

مقصد فراخوان

فصلنامه علمی
شاهد اندیشه

«شاهد اندیشه»

پذیرای مقالات پژوهشگران، اعضای محترم هیئت علمی دانشگاهها و دانشجویان رشته های علوم انسانی و به ویژه نخبگان شاهد و ایثارگر می باشد.
علاقه مندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و ارسال مقالات به پایگاه اینترنتی
www.shahedeandisheh.ir
مراجعه نمایند.



- بیداری اسلامی
- جبهه مقاومت
- هنر و رسانه
- صلح
- جنگ نرم
- دیپلماسی ایثار

محورهای موضوعی نشریه:

- ایثار و شهادت
- ایثار اجتماعی
- انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- تاریخ شفاهی
- ادبیات پایداری



آدرس: تهران، خیابان طالقانی، خیابان ملک الشعرای بهار شمالی،
پلاک ۵ طبقه سوم، اداره کل اسناد و انتشارات